

دستچین

رشد

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک آموزشی

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای مربیان مراکز پیش‌دبستانی، دانشجویان و کارشناسان آموزشی
دوره دوم / شماره ۳ / بهار ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۴۰۰۰ نسخه
E-mail: pishdabestani@roshdmag.ir
www.roshdmag.ir

مدیرمسئول: محمدناصری
سردبیر: فرخنده مفیدی
هیئت تحریریه:
مرتضی مجدفر
مرتضی طاهری
فریده عصاره
مسعود تهرانی فرجاد
شیرین برزین
مدیر داخلی: شهلا فهیمی
ویراستار: بهروز راستانی
طراح گرافیک: مهسا قیابی
عکس جلد: اعظم لاریجانی

قبل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

● مقاله‌هایی را که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با آموزش پیش‌دبستانی مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته و یا ماشین شود (مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار Word - و بر روی لوح فشرده (CD) یا فلاپی و یا از طریق پست الکترونیکی مجله نیز ارسال شوند). ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم میندول شود. ● محل قرار گرفتن جدول‌ها، نمودارها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مجله در، رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان رشد آموزش پیش‌دبستانی نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است. ● مجله از عودت مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی‌شود، معذور است.

تلفن پیامگیر نشریات رشد:

۸۸۳۰۱۴۸۲

کد مدیر مسئول: ۱۰۲

کد دفتر مجله: ۱۱۳

کد امور مشترکین: ۱۱۴

کودکانی با فطرت توحیدی ۲ / سردبیر
پرواز در فضای کودکان ۴ / اصغر ندیری
کودک ما سالم است ۱۰ / دکتر مرجان گودرزی
روش مונته سوری و تأثیر آن بر اعتماد به نفس، استقلال و
مهارت‌های اجتماعی کودکان ۱۳ / مژگان حسایی
اهمیت شنیدن در حفظ آیات قرآن ۱۴ / مسعود تهرانی فرجاد
کودک، مربی، فطرت و تربیت ۱۶
داستان و رشد زبانی ۱۸ / فریده عصاره
مبتکر نهضت اصلاح کودکانها ۲۱ / دکتر فرخنده مفیدی
پاسخ به ۲ پرسش مهم ۲۲
کاردستی ۲۴ / الهام وفایی نژاد
ساختار سازمانی و برقراری ارتباطات انسانی مطلوب ۲۶ / مرتضی مجدفر
انضباط بدون اشک ۳۰ / نرگس کریمی
سازگاری اجتماعی کودکان ۳۲ / حیدرعلی عباس‌پور
فواید غذا خوردن دسته‌جمعی دور از تلویزیون ۳۳ / معصومه شاگردی
آموزش عادت‌های بهداشتی به کودکان ۳۴ / زری آقاجانی
هم فال و هم تماشا ۳۶ / شهلا فهیمی
تحلیل مفاهیم اخلاق شهروندی (مدنی)
در آثار شاعران معاصر کودک ۳۸ / نفیسه ابراهیم‌پور
مدیر باید این جور باشد ... ۴۰ / آنا علیزاده تبریزی
بوی بد نفرت ۴۴ / فرح‌بانو قائمی
معرفی کتاب ۴۵
دیروز، امروز، فردا ۴۶ / مرتضی طاهری
تولید بومی برای استفاده استانی ۴۷ / شیرین برزین

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵

تلفن: ۸۸۴۹۰۲۳۴ (داخلی ۴۲۹)

نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن: ۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۷۷۳۳۶۶۵۵

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

در حقیقت فصل بهار، بهارانه‌ای است که تقدیم زیباشناسان و بهاریان می‌شود.

خداوند جهان گستر خالق همه چیزهای خوب است و بهار و بهاران نمود واقع بینانه‌ای از این خوبی‌هاست. باز هم زیبایی و نشاط با بهار می‌آید.

بهار دل‌انگیز و شادای‌بخش دوباره بر زمین و زمان، آسمان و طبیعت گسترده می‌شود. با دلی خوش و قلبی مسرور، فرا رسیدن نوروز و فصل نوآور بهار را به شما خوانندگان عزیز و مهربان تبریک و شادباش عرض می‌کنم. برآورد نتایج عملکرد و سنجش کنش‌ها و واکنش‌های همه مادر سالی که گذشت، می‌تواند نوید تازه‌ای برای تازه شدن، بهتر شدن و بازسازی و اصلاح باشد. این تغییر در رفتار، گفتار و کردار خانواده‌ها، کودکان و همه انسان‌ها عملی است.

در طول سه ماه این فصل سبزه، شاهد مناسبت‌هایی هم‌چون روز سلامتی، ولادت حضرت زینب(ع) و روز پرستار، روز زمین پاک و دوری از آلودگی‌ها، روز ملی خلیج فارس، روز معلم (مربی)، روز فتح خرمشهر، ولادت حضرت فاطمه(س) و امام خمینی(ره)، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، روز جهانی محیط زیست

و روز گل و گیاه هستیم که ان شاء الله خانواده‌ها و مربیان با بهره‌گیری از اهداف و اندیشه‌های نام‌گذاری این مناسبت‌ها، کودکان را با مقاصد آن‌ها آشنا کنند و در برنامه‌های درسی خود، نشست‌ها و گفت‌وگوها، از آن‌ها یاد کنند.

در این فرصت کوتاه به ضرورت انتخاب شایسته، آموزش تخصصی و تربیت مربیان، و نیز ارزش‌یابی و سنجش منصفانه عمل کرد ایشان می‌پردازیم.

نقطه آغاز تربیت، تربیت خویشتن است. کسی می‌تواند مربی باشد که بیش از دیگران به تربیت خود بپردازد و بیش از دیگران، انتظار تغییر و اصلاح داشته باشد. انسان بدون تربیت مستمر خود نمی‌تواند مربی موفق باشد. سه عامل مهم برای تقدم تربیت خود بر تربیت دیگران از این قرارند:

- عمل مربی بیش از کلام او بر مربی اثرگذار است.
- مربی و تربیت‌کننده باید جلوتر از مربی خود حرکت کند.
- برای درک مشکلات مربی، مربی باید بخشی از انتظاراتی را که از او دارد، در مورد خود عملی سازد. «قرآن کریم»، این حقیقت مهم را چنین بیان کرده است: «آیا مردم را به نیکی امر می‌کنید و خویشتن را از یاد می‌برید؟»

در واقع هرگونه ضدیت و تناقض میان اندیشه، گفتار و رفتار مربی، برای فردی که تحت تربیت است، ناگوار و ناخوشایند است.



کودگانی با فطرت توحیدی

سر دبیر

تربیت و تأمین این رکن مهم را، سودمندترین نوع سرمایه‌گذاری در جهان کنونی دانسته‌اند. زیرا توانایی‌ها، شایستگی‌ها و صلاحیت‌های آنان تعیین‌کننده تحول و تربیت آدم‌های نو، خلاق و خوش‌اندیش است.

هنگامی که مربی خودسازی و خودسنجی نداشته باشد و از توانایی‌های خود مطمئن نباشد، ارتباطش با جریان آموزش و نظام یاددهی و یادگیری مختل خواهد شد. طی دوران ارتباط و کار مربیان با کودکان، آن‌ها همواره باید خود را محک برنند و درباره دانسته‌ها و دانش خود پیرامون محتوا، برنامه‌ها و روش‌های آموزش به کودکان، مورد سنجش و ارزش‌یابی قرار گیرند.

افزون‌تر این که نظام ارزش‌یابی از آنان، باید توسط مسئولین ذی‌ربط و سازمان‌های مسئول صورت گیرد. هرگونه تصور و اندیشه از این دست که کار با کودکان به فرایند ارزش‌یابی نیاز ندارد، سبب ضعف در برنامه‌ریزی و خودیابی و کودک‌نگری مثبت در مربیان خواهد شد. بنابراین لازم است، ارزش‌یابی نیز به عنوان یکی از ارکان اساسی کار با کودکان و خانواده‌های آنان، در نظر گرفته شود و فرایند کار ارزش‌یابی مسئولانه، زیبا و منظم شکل گیرد.

به بهانه بهاران و این اوقات خوش، بار دیگر از تلاش‌های همه همکاران و دست‌اندرکاران این نشریه پرمخاطب تشکر و قدردانی می‌کنم. امید که در سال ۱۳۹۰ نیز به یمن و مبارکی در کنار مخاطبین خود باشیم و بهره‌گیری و بهره‌رسانی صدچندان شود.

زیرا با مشاهده چنین وضع ناگواری، سخت گیج و سردرگم می‌شود، اعتماد و اطمینان خود را به مربی از دست می‌دهد و برای شانه خالی کردن از زیر بار وظایف و تکالیف خود، بهانه‌تراشی می‌کند. این عمل ناپسند در تمام مراحل و دوران زندگی در مرتبه دبالت می‌شود و زبان‌های جبران ناپذیری را بر او وارد می‌آورد. طبیعی است، با توجه به حساسیت زمانی در کودکان پیش از دبستان و لزوم توجه به روش یادگیری آنان بر پایه تقلید و سرمشق‌گیری از بزرگ‌ترها و مربیان، این وضعیت شکل معنی‌دارتر و مسئولانه‌تری به خود می‌گیرد.

بازیگر اصلی صحنه تعلیم و تربیت کودکان ما، مربی و معلم است. از آن‌جا که کیفیت تربیت در دوره پیش از دبستان، بستگی تام به توان علمی و نگرش، باور و عشق او به کودکان و مخاطبین اصلی این حوزه دارد، مربی و معلمی که برای کار پرمسئولیت و خطیر خویش آماده نشده باشد، به کار خود نیز علاقه‌مندی نخواهد داشت. به‌علاوه در او ایمان به رسالت خویش و اعتقاد به مسئولیت در قبال کودکان ضعیف است و بدون تردید نمی‌تواند انسان دیگری را به کمال تربیت کند.

بنابراین، آموزش تخصصی مربیان یک ضرورت اساسی و مهم در زمینه کار مراکز پیش از دبستان است. هرگونه کم‌نگری، کم‌توجهی و بی‌مهری به این امر خطیر و انسان‌ساز، پایه‌های تربیت و آموزش نسل‌ها را ضعیف و سست می‌کند. به هر حال، سرمایه‌گذاری در جهت





عنصر فضا

محمدجواد احسانی‌فر، مدیر پیش دبستان شوکا گفت: «تحقیقات نشان داده‌اند، فضا عاملی راهبردی و روانی است و از بعد فیزیکی می‌تواند احساس خوب و یا بد را به انسان منتقل کند. فضا به عنوان یک عنصر، شامل فضای درونی بسته، فضای درونی باز و یا فضای بازی، عنصری مؤثر بر آموزش پیش از دبستان است. متأسفانه فضای موجود در پیش دبستانی‌ها، چه دولتی و چه غیردولتی، غالباً مطلوب نیست و به تحقق اهداف آموزشی کمک نمی‌کند. در یک دبستان دولتی، کلاسی را به پیش دبستانی‌ها اختصاص می‌دهند. باید ببینیم این فضا امکانات لازم را دارد؟ باید از نظرات کودکان استفاده کنیم و ببینیم کودکان ما چه می‌خواهند.

ما نمی‌توانیم در مرکز بنشینیم و برای یک منطقه جغرافیایی خاص با قومیت‌های گوناگون تصمیم بگیریم. هر محل جغرافیایی می‌تواند برای پیش دبستانی خودش تحقیق کند و از فضای محلی بهره بگیرد. فضای در حد انتظار تهرانی، با فضای استاندارد در شمال تفاوت دارد. یکی از شاخصه‌های مهم در فضای آموزشی پیش دبستانی، موضوع وجود نور مناسب و کافی است. نور طبیعی عاملی است برای تمرکز و آرامش دادن به

پرواز در فضای کودکان

بررسی وضعیت موجود در فضاهای آموزشی پیش دبستان با حضور کارشناسان، مدیران و مربیان پیش دبستانی

گزارش: اصغر ندیری

اشاره

فضا و آن چه در فضا وجود دارد با افرادی که در این محیط رفت‌وآمد می‌کنند، ارتباط برقرار می‌کند.

در ادامه سلسله نشست‌های علمی- آموزشی مجله رشد آموزش پیش دبستانی، میزگردی با حضور دکتر فرخنده مفیدی، سردبیر مجله و استاد دانشگاه علامه طباطبایی، مرتضی مجدفر، عضو هیأت تحریریه فصل نامه رشد آموزش پیش دبستانی و مدرس دانشگاه، محمدجواد احسانی‌فر، مدیر «پیش دبستانی و دبستان شوکا» در تهران، زهره دهقانی، کارشناس ارشد رشته آموزش پیش دبستانی و جمیله حدادزاده، دانشجوی کارشناسی ارشد برگزار شد و حضاران به بحث درباره اهمیت فضاهای آموزشی و باید و نبایدهای آن پرداختند.

طراحی فضاهای آموزشی

سردبیر «رشد آموزش پیش دبستانی» به عنوان مقدمه، از ایجاد رابطه بین فضای آموزشی و افراد سخن گفت: «به نظر می‌رسد در فضاهای آموزشی دوره‌های تحصیلی، به ویژه پیش از دبستان، مشکلاتی وجود دارد. یا نمی‌توانیم از فضاهای موجود به طور مناسب استفاده کنیم، یا در ساخت آن‌ها از هنر معماری و طراحی بهره چندان نگرفته‌ایم. درصد بسیاری از این فضاها برای کودکان مناسب نیستند. و یا برای آن‌ها ساخته نشده‌اند. از آن جا که چنین کمبوهایی پیامدهایی نیز خواهند داشت، از کارشناسان و حضاران محترم درخواست می‌کنم، نظرات خود را بیان کنند. ما می‌دانیم که این اماکن علاوه بر کودکان و یادگیری آن‌ها، بر خود مربیان و خانواده‌ها هم تأثیر می‌گذارند. به هر صورت باید استانداردها و وضعیت مطلوبی وجود داشته باشد تا به اهداف والای خود برسیم.»



عکس از رضا بهرامی



توجه خانم مونته‌سوری به فضای آموزشی، براساس فعالیت‌های کودک

دکتر مفیدی، استناد دانشگاه علامه طباطبایی، با بیان این که کار **مونته‌سوری** در بین دیگران از همه جالب‌تر بوده است، گفت: «مونته‌سوری براساس فعالیت کودک، به فضا توجه داشت. شاید **پیاژه** و **یا فروید** هدفشان فضا نبوده است. اما در هر صورت می‌بینیم که فضاهای موجود معمولاً برای کودکان ساخته نشده‌اند و معماری ساختمان‌ها براساس نیازهای آنان نیست. استانداردها می‌گویند این مکان‌ها باید به دور از سروصدا، آلودگی و جاده اصلی باشند و اندازه‌اش در حد مناسب باشد. البته من فکر می‌کنم از لحاظ اندازه و مساحت، فضاهای شهرستان‌ها بهتر از تهران است. در تهران محدودیت‌هایی که از طریق سازمان‌های مسئول صورت می‌گیرد، گاه باعث می‌شود که مدیران آن‌چه را که هست بپذیرند؛ به علت نیاز جمعیتی، این مراکز فاصله‌هایی را که بهزیستی مشخص کرده است، رعایت نمی‌کنند.»

نگاه خانواده‌ها

احسانی‌فر، مدیر پیش‌دبستانی و دبستانی شوکا به نگاه خانواده‌ها اشاره کرد. طبق این نگاه، اگر خانواده‌ها، کودکان خود

شناخت نیازهای کودک

زهره دهقانی، با اشاره به سابقه شناخت و مطالعه نیازهای کودک و مشارکت دانشمندان در این کار گفت: «اندیشمندان ابعاد وجودی کودک را به لحاظ رشد جسمی، عاطفی، هیجانی و روان‌شناسی رشد مورد مطالعه قرار دادند و در حد بالایی دریافتند که «کودک» کیست و چیست. آنها دریافتند که کودک آن‌طوری که ما بزرگسالان می‌خواهیم، آموزش نمی‌بیند. پیاژه می‌گوید: محیط کودک باید محرک باشد تا رشد ذهنی او کامل شود. یا ریکسون در این زمینه می‌گوید: برای تأمین رشد عاطفی کودک در مراحل سنی گوناگون، و برای دادن اعتماد به نفس و استقلال به کودک، به محیط امن نیاز است. به نظر من باید از کودک پرسید و بر اساس نیازهای وی برنامه‌ریزی کرد. اتفاقی که در ایران می‌افتد این است که ما همه اصول را در کتاب‌ها داریم و به دانشجویان آموزش می‌دهیم، اما کاربرد آن‌ها را عملاً در مراکز نمی‌بینیم. در دنیا فضا را براساس نیازهای کودک سازمان‌دهی می‌کنند. در یک مهدکودک در کشوری پیشرفته، کلاس خاصی نمی‌بینیم که در آن میز و نیمکت داشته باشد، بلکه می‌آیند و آن‌جا را به مراکز متنوع یادگیری تقسیم می‌کنند.»

دانش‌آموزان. در این ارتباط بحث رنگ را نیز می‌توان مطرح کرد.»

سردبیر رشد آموزش پیش‌دبستانی، با توجه به مطلوب نبودن فضاهای آموزشی و تک‌بعدی بودن نگاه دست‌اندرکاران، به این مطلب اشاره کرد که مربیان نیز با اصول طراحی فضا آشنایی ندارند. از طرف دیگر، مؤلفه‌های تأثیرگذار، مانند نور، سرما، گرما و صدا در نظر گرفته نمی‌شوند و به نوبه خود مشکلاتی به وجود می‌آورند. وی افزود: «طبیعی است وقتی که از استاندارد فضای آموزشی کودکان صحبت می‌شود، باید به گوشه گوشه مکان توجه کرد. متأسفانه، همان‌طور که دوستان می‌گویند، فضا برای کودک تدارک دیده نشده و اصولاً هدف از ساخت فضا چیز دیگری بوده است. مثلاً یک خانه مسکونی بوده که در و دیوار آن برای کار دیگری آماده شده است.

تحقیقات دانشگاهی انجام گرفته در تهران و شهرستان‌ها هم، مطلوب نبودن این فضاها را نشان داده‌اند. کارشناسان هشدار می‌دهند که این فضاها نمی‌توانند با کودک و مربی ارتباط ایجاد کنند. بسیاری از مشکلات رفتاری کودکان ناشی از نامناسب بودن فضاست و آثار آن به صورت ناراضی‌ت‌ی والدین انعکاس می‌یابد. شادی و رفاه بچه‌ها در گرو این موضوع است.



را برای نگاه داشت به پیش دبستان می فرستند و رضایت دارند، طبیعتاً انتظار بیشتری از ما نخواهند داشت. انتظار از مدارس غیرانتفاعی نیز انتظاری رفاه طلبانه است. احسانی فر در ادامه مطالب خود، ضمن انتقاد از سخنان



دکتر مفیدی:

فضاهای موجود معمولاً برای کودکان ساخته نشده اند و معماری ساختمان ها بر اساس نیازهای آنان نیست

دوستان از الگوهای جهانی مثال زند. اما واقعیت این است که وقتی این ها را با ویژگی های موجود کشور می سنجیم، حتی در بسیاری از مدارس خاص و غیر دولتی، این ویژگی ها را نمی بینیم. می خواهم بپرسم آیا باید از این الگوها عدول کرد یا به پایین ترین سطح راضی بود؟ واقعیت این است که خیلی از مدارس ما از این الگوها و استانداردها فاصله دارند. از دیدگاه مدیریتی، ما باید از الگوهای موفق الگوبرداری کنیم و با توجه به ویژگی های حداقلی خودمان، شرایطمان را با استانداردها تطبیق دهیم. اگر ما بتوانیم بعضی ویژگی ها را لحاظ کنیم، می توانیم ادعا کنیم که به سمت فضاهای مطلوب حرکت کرده ایم.

یکی از این ویژگی ها «امنیت» است. فضا باید به نوآموز پیش دبستانی احساس آرامش بدهد. کودک نباید در آن محیط ترس داشته باشد؛ ترس از ماشین یا موجودات زنده ای که ممکن است وارد مدرسه شوند. خیلی از مدرسه ها میز و نیمکت را برداشته و فضا را موکت کرده اند. این یکی از زمینه های رفتن به سوی امنیت است. یا کاری می کنند که

امروزه زاویه دید و حس نسبت به کودک و آموزش پیش دبستانی را مثبت ارزیابی می کنم. اکنون نظر افراد نسبت به «بازی» با دیروز متفاوت است. والدین هم آگاه تر شده اند و از تأثیرات این آموزش ها آگاهی بیشتری پیدا کرده اند. در نتیجه این آگاهی ها، انتظارات آن ها هم بیشتر شده است. باید ببینیم چه انتظاراتی دارند.»

دهقانی درباره تجربه های خارجی، گفت «خواندن مطالبی در مورد خارج از کشور و ترجمه کردن و یا از نزدیک دیدن عملکرد آن ها، برای پیشرفت کار خوب است، اما نیاز جامعه ایرانی نیست. مگر جامعه در حال تحول نیست که ما می خواهیم نسخه واحد بدهیم؟ نیازها متفاوت شده اند. به کودکی تان فکر کنید و آن را با کودکی امروز مقایسه کنید. این دو قابل مقایسه نیستند. برای همین نمی توانیم بگوییم در تمام دنیا نقاط مشترک داریم. اما می توانیم بگوییم، ما انسانیم و وجوه مشترک نیز می توانیم داشته باشیم. تأکیدم بر این است که باید امروزه محل جغرافیایی را هم در نظر بگیریم.»

دهقانی:

اتفاقی که در ایران می افتد این است که ما همه اصول را در کتاب ها داریم و به دانشجویان آموزش می دهیم، اما کاربرد آن ها را عملاً در مراکز نمی بینیم



کل فعالیت بچه ها در یک طبقه باشد. ویژگی دیگر، «شادابی و نشاط» است. موضوع رنگ محیط، طراحی فضا، استفاده از عناصر ایجادکننده شادابی، مثل نمادهای عروسکی و مورد پسند بچه ها، به نوعی محیط را با نشاط می کنند. ویژگی دیگر «بهداشت» است. به یک واحد پیش دبستانی رفتم که چهار عدد آب خوری داشت. به بچه ها هم آموزش

سازمان دهی فضا

مرتضی مجدفر، از اعضای شورای برنامه ریزی مجله رشد آموزش پیش دبستانی، میلمان آموزشی و تجهیزات و وسایل را از عناصر مهم در الگوهای طراحی آموزشی می داند. او می گوید: «در واحدهای پیش دبستانی، سازمان دهی فضا و میلمان آموزشی باید از استانداردهایی تبعیت کنند.

روش بینابین

«نگاه الگویی دیگران را لزوماً نباید مطلوب بدانیم.» این جمله ای بود که دکتر مفیدی در تأیید نظرات مدیر پیش دبستانی شوکا بیان کرد. هم چنین افزود: «استانداردها در سطح جهانی حرف اول را می زنند. حال ما چه استانداردی را از لحاظ بومی، علمی و فرهنگی مدنظر داریم و تا چه حد کارساز است، مسئله دیگری است. اما باید روشی بینابین بیابیم. اگر نه این و نه آن را انجام دهیم، مشکل ما هم چنان باقی می ماند. نیاز

شادابی و نشاط، بهداشت، خلاقیت و اکتشاف نادیده گرفته می‌شود.

اما از جنبه کار گروهی و مشارکت، در کشور ما حتی بزرگسالان به خوبی مشارکت گروهی ندارند. معلم‌ها و مربی‌ها نیز یاد نگرفته‌اند که به کودک چگونگی کار گروهی را بیاموزند. نه فقط فضای امن و مناسب برای بچه‌ها فراهم نیست، به انگیزش آن‌ها هم توجه نمی‌شود. ما در فضاهای بسته، این ویژگی‌ها را ندیده‌ایم و امیدواریم تغییراتی ایجاد شود. اما چرا این ویژگی‌ها دیده نمی‌شود؟ چون مراکز متولی، از جمله سازمان بهزیستی در درس‌های خود برای مدرسان و مربیان

و با ویژگی‌های رشدی کودک تناسب ندارند. اما در کنار این مشکلات، مواردی هم هستند که افراد شاغل در آن واحدها می‌توانند به راحتی آنها را رعایت کنند. مثلاً برای رسیدن به سطحی از امنیت، به تصور این که رسیدن به وضعیت مطلوب دور از دسترس است، تلاش چندانی نمی‌شود. ما حتی سراغ بهترین مراکز رفتیم، اما دیدیم آن‌ها هم ساده‌ترین مسائل در ارتباط با امنیت کودکان را در نظر نمی‌گیرند.

نکته‌ای نیز درباره اولین استاندارد، یعنی رنگ و رعایت تضاد آن در پله‌ها بگویم. برای تک‌پله‌ها یا رمپ می‌گذارند و یا با تضاد رنگ

داده بودند که بعد از رفتن به دست‌شویی، دست‌هایشان را بشویند. زنگ تفریح دیدم حدود ۵۰ دانش‌آموز دو کلاس به سمت آب‌خوری‌ها می‌رفتند و وقتی یکی صابون می‌زد، آن یکی داشت دستش را آب می‌گرفت و دیگری هم از زیر دست اولی آب می‌گرفت. این عدم رعایت بهداشت به خاطر خوب طراحی نشدن محیط بهداشتی بود.»
 مجدداً توضیح داد که فضا باید با توجه به ویژگی‌های کودکان طراحی شده باشد. بعضی مدرسه‌های دولتی، صبح برای دوره راهنمایی تحصیلی و بعد از ظهر در اختیار آموزش پیش‌دبستانی است. میز و نیمکت‌ها در حد دانش‌آموز راهنمایی است و وقتی کودک پیش‌دبستانی پشت میز می‌نشیند، پایش به زمین نمی‌رسد.»

احسانی‌فر:

از آن‌جا که بچه‌ها در این مرحله کنجکاو و بی‌باک هستند و اطلاعاتی از مفهوم خطر ندارند، ما باید برایشان فضایی مناسب باز و بسته را تعبیه کنیم



تجهیزات گران، نه!

دکتر مفیدی در زمینه تجهیزات و وسایل چنین اظهار داشت: «در واقع استانداردها با ما حرف می‌زنند. هر فضا ویژگی خاص خودش را دارد. اگر آن‌چه که هست، نزدیک به هدف و سازمان‌دهی شده باشد، انتظارات را برآورده می‌کند. در محیط آموزشی که بچه‌ها و مربیان ساعات زیادی را در آن می‌گذرانند و با توجه به تحرکی که دارند، باید زمینه‌های نشاط و شادابی کودک فراهم شود. به‌ویژه لازم است وسایل و ابزار کار به خوبی چینش شده باشند. مقصود ما به‌کارگیری وسایل و تجهیزات گران‌قیمت نیست، بلکه در عین این که سادگی محور اصلی طراحی ماست، باید به عنصر مطلوبیت هم نظر داشته باشیم.»

پیش‌دبستانی، چنین درس‌ها و سرفصل‌هایی را نگنجانده‌اند. در آموزش پیش‌دبستانی ریاضی، علوم، سرودخوانی، قرآن و به تازگی بحث مفاهیم اجتماعی دیده می‌شود، اما بحث فضا مطرح نیست.»

حدادزاده نیز در ادامه اضافه کرد، نابسامانی فضاهای باز، هم‌چون بوستان‌ها یا حیاط پیش‌دبستانی‌ها اشاره کرد و نبود نسبی فضای امن یا بهداشتی را در آن‌ها متذکر شد. وی گفت: «لان وسایل بازی مورد استفاده در پارک‌ها و بوستان‌ها یا حیاط مدرسه‌ها کمی تغییر یافته و وضعیت بهتری پیدا کرده است. همین‌طور کف محل بازی بچه‌ها ایمن‌سازی شده است. ولی بحث برسر رهاکردن این وسایل است. از زمانی که نصب می‌شوند تا زمانی که فرسوده شوند، هیچ‌وقت به نظافت یا اصلاح عیوب آن‌ها پرداخته نمی‌شود.»

آن‌ها را مشخص می‌کنند. در مرکزی که یک کلاس را با کفپوش پوشانده بودند که تمام رنگی و شکل‌دار بود و پله‌ای که دو قسمت کلاس را از هم جدا می‌کرد، اصلاً قابل رؤیت نبود. طوری که حتی دانشجویان هم ممکن بود آن را نبینند. این موارد مسائل ریزی هستند که فقط با مطالعه می‌شود آن‌ها را برطرف کرد.»

خلاقیت و اکتشاف

زهره دهقانی، یکی از کارشناسان دعوت‌شده، به این امر اشاره دارد که معمولاً در پیش‌دبستانی‌ها، خلاقیت و قوه اکتشاف کودک نادیده گرفته می‌شود. او می‌گوید: «فضا بخش تعیین‌کننده‌ای در ارتقای مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌های زندگی کودک است. فضا باید از جنبه فیزیکی تغییر کند. با این عدم تغییر،

طراحی برای چه کسی؟

جمیله حدادزاده، از فارغ‌التحصیلان رشته پیش‌دبستانی که درس «فضا» را با امتیاز عالی گذرانده است، در ارتباط با این بحث گفت: «در بازدیدهایی که از مهدکودک‌ها داشته‌ام، دریافته‌ام که این مراکز برای بچه‌های پیش‌دبستانی طراحی نشده‌اند. اغلب این مکان‌ها استیجاری هستند

فضای مهارتی و جست و جوگری

استاد دانشگاه علامه طباطبایی سؤال می‌کند: بچه‌ها برای چه کاری در آن فضای خاص وارد می‌شوند؟ این فضاها برای کاوش و جست و جویی و تقویت مهارت‌های اجتماعی تا چه حد آماده شده‌اند؟ در فضایی که بچه‌ها باید بنشینند و گوش بدهند و حرفی نزنند، آیا فرصتی برای تقویت مهارت‌های اجتماعی پدید می‌آید؟

دکتر مفیدی دربارهٔ ویژگی فضای باز و تجهیزات آن افزود: «موضوع نگهداری و نظافت تجهیزات در اغلب جوامع دیگر مورد توجه است. یعنی هر بار که سراغ آن وسیله می‌روید، ملاحظه می‌کنید به حفظ و مراقبت از آن پرداخته شده تا کاری که لازم است را به درستی انجام دهد.»



وی در ادامه به اهمیت حیاط باز فضای باز مراکز پیش دبستانی به عنوان محیطی برای فعالیت‌های اساسی اشاره کرد و از احسانی فر پرسید: «نظر شما دربارهٔ فضاهای باز آموزشی در این مراکز چیست؟»

کنجکاو، محدودیت!

احسانی فر با اشاره به کنجکاو بودن بچه‌ها در سنین پیش دبستانی گفت: «از آن جا که بچه‌ها در این مرحله کنجکاو و بی‌پاک هستند و اطلاعی از مفهوم خطر ندارند، ما باید برایشان فضایی مناسب باز و بسته را تعبیه کنیم. این به خودی خود بحث محدودیت را پیش می‌آورد. طراحی

این فضاها نباید خطرآفرین باشد. مثلاً اگر قفسه‌ای در دسترس وجود دارد و وسایلی در آن گذاشته می‌شود، نباید خطرآفرین باشد. با توجه به این که فضاهای موجود در اغلب نقاط برای پیش دبستان ساخته نشده‌اند، از دستگیره‌ها گرفته تا شیرهای آب‌خوری باید مناسب و بی‌خطر شوند و در حد و اندازهٔ قد بچه‌ها باشند.»

فضا و افراد

دکتر مفیدی با اشاره به اهمیت نیازهای کودکان و این که طراحی باید در خدمت تحقق اهداف آموزش پیش دبستانی باشد، ادامه داد: «فضا با افراد در آن، ارتباط برقرار می‌کند. وسایل نیز این ارتباط را برقرار می‌کنند. هر کدام از وسایل موجود در

مجدفر:

از دیدگاه مدیریتی، ما باید از گوه‌های موفق الگوبرداری کنیم و با توجه به ویژگی‌های حداقلی خودمان، شرایطمان را با استانداردها تطبیق دهیم

راه‌پله‌ها، آب‌خوری‌ها، محل‌های رفت و آمد، دست‌شویی‌ها، کمد‌ها و قفسه‌ها و چینی‌ها که دارند، ممکن است مشکل ایجاد کنند و خطرآفرین باشند. نمی‌توان توجه بچه‌ها را که می‌دوند، می‌جهند و این احساس را دارند که خطری وجود ندارد، فقط با گفتن جلب کرد.

مونه‌سوری اولین کسی بود که گفت: «اگر کودک در محلی بازی کند که در آن صندلی بزرگی وجود دارد و این باعث خطرآفرینی و حادثه برای کودک شود، این دشواری و ناسازگاری از کودک نیست، بلکه از وسیله است که باعث ناسازگاری او می‌شود. در واقع مونه‌سوری اولین کسی بود که گفت

وسایل باید به صورت مینیاتوری باشند. این که بچه‌های آن در بازی‌های خود قوری، سماور و بشقاب کوچک دارند و همه چیز در اندازهٔ بچه‌هاست، ایده‌اش از همان زمان است. او در طراحی فضا، قفسه‌ها را پایین آورد تا همه چیز در دسترس کودک باشد. وسایل بازی و ظروف غذاخوری کوچک شد تا در دستان کودک جا شود.

اگر وسایل و تجهیزات متناسب با قد و قامت و روحیهٔ کودکان باشند، خیلی از مشکلات رفتاری آن‌ها کم می‌شود. متأسفانه مربیان ما از هنر سازمان‌دهی فضا بی‌بهره‌اند. آن‌ها به کتاب، دفتر و شعر، بیشتر از خود کودک توجه دارند. مربیان باید برای سازمان‌دهی فضا آموزش ببینند.»

توجه به رشد و نیازهای کودک

دهقانی در ادامه سخنان قبلی خود گفت: «از قرن ۱۷ میلادی تا به حال، مطالعه روی کودکان دنبال شده است. اما آیا محققان واقعاً می‌دانند حرف دل کودکان چیست؟ البته خوش‌بختانه در ایران تحقیقاتی روی ابعاد میز و صندلی، تخت‌خواب و میز تعویض کودکان شیرخوار انجام شده است. ولی مسئله این است که ما به اهل کار آموزش نداده‌ایم. یا به افرادی که باید از این وسایل استفاده کنند، شیوهٔ استفادهٔ صحیح را نگفته‌ایم. به قول خانم دکتر مفیدی، ما سازمان‌دهی نداریم. حتی بسیاری از مربیان ما تحصیلات پیش دبستانی ندارند و کودک را نمی‌شناسند. درحالی که علم روز، کودک را از بدو تولد تا شش سالگی مطالعه کرده است و می‌شناسد. می‌داند کودک در مراحل رشد چگونه یاد می‌گیرد و بازی از بهترین راه‌های آموزش است. من فکر می‌کنم باید از یافته‌های دیگران در خارج از ایران دربارهٔ کودک و رشد او استفاده و آن را بومی‌سازی کنیم»

بازنگری

دکتر مفیدی، ضمن تأیید مفید بودن استفاده از برخی نظرات و تجربه‌های دیگران،





حدادزاده:

برای رسیدن به سطحی از امنیت، به تصور این که رسیدن به وضعیت مطلوب دور از دسترس است، تلاش چندانی نمی شود

بر آن نقدهایی را مرتب دانست. وی گفت: «استفاده از تجربه‌های دیگران در جاهایی که نظری و تجربه‌ای نداریم، خوب است، اما به آن معنی نیست که چشم‌پسته آن‌ها را قبول کنیم. باید جهت این استفاده را به سویی ببریم که در آن، مانند فضا، غفلت‌هایی داشته‌ایم. درباره فضای سنتی و فعلی خود شناخت به دست آوریم و با آگاهی، نقاط کور را متناسب با نیازهای کودکان، خواست والدین و انتظارات مربیان طراحی و تقویت کنیم. انتظاری که جامعه از مرکز آموزشی دارد، از تالار غذاخوری ندارد. نیاز است نگاه خود را تغییر زاویه دهیم، در فضاهای کنونی بازنگری داشته باشیم و فضای بهتری را با توجه به استانداردها و نیاز کودکان پدید آوریم.»

تجربه موفق بومی سازی فضا

احسانی فر، پس از اتمام سخنان دکتر مفیدی، در مورد بحث توجه به تجربه‌های سایر نقاط جهان در مورد فضا گفت: «موضوعی که عنوان شد به این معنی نیست که علم روز درباره نیاز کودکان و مراحل رشد آن‌ها نادیده گرفته شود و یا حتی وجوه مشترک انسان‌ها را نادیده انگاشت. بحث بر سر این است که کپی برداری نشود.»

اطلاع از نقص‌ها

«حال که نقص‌ها بیان شد، باید چه اصولی در طراحی فضاهای پیش‌دستانی یا سایر فضاهای آموزشی در نظر گرفته شوند و چه هشدارهایی به دست‌اندرکاران داده شوند؟» این سؤالات را دکتر مفیدی مطرح کرد و احسانی فر در چند کلمه و کوتاه چنین پاسخ داد: «در هر صورت باید دوره پیش‌دستانی را اصلاح کنیم. باید توجه به سنین پایه آموزشی محور قرار گیرد. تا زمانی که این ریزینی انجام نشود، به امور دیگر نمی‌توان رسید.»

مجدفر نیز در ادامه افزود: «ما با استانداردها فاصله زیادی داریم. همان‌طور که خانم دکتر مفیدی اظهار داشتند، به تغییر دیدگاه نیاز داریم. ما فضاهای در دسترس زیادی داریم که اگر مدیران و مربیان واحدهای پیش‌دستانی نوع نگاه خود را در مدیریت یا استفاده از آن‌ها عوض کنند، می‌شود بهره‌برداری از آن‌ها را سامان‌دهی کرد. اگر به یک اتاق کلاسیک و سنتی اکتفا شود و بچه‌ها فقط آن‌جا جمع شوند و بنشینند، قطعاً اتفاقی نخواهد افتاد.

بر این گسترش افق نگاه، با یادآوری موضوع کتاب «توتوچان» تأکید می‌کنم. کتاب ماجرای یک دختر بیچه ژاپنی در جنگ جهانی دوم است. او در سال ۱۹۴۸ به مدرسه‌ای می‌رود که از واگن‌های قطارهای منهدم‌شده شکل گرفته است. روزی مدیر این مدرسه فقیر به بچه‌ها می‌گوید می‌خواهیم به اردو برویم. بچه‌ها عصر آن‌روز خوراکی و چادر می‌آورند تا به خیال خود به دامن طبیعت بروند. تا شب منتظر می‌مانند و اتفاقی نمی‌افتد. سپس مدیر آن‌ها را به واگنی دیگر می‌برد و می‌گوید این‌جا اردوی ماست. دور تا دور محل را چادر می‌زنند و بچه‌ها در گروه‌های ۵-۶ نفره در آن‌ها ساکن می‌شوند. ما این موضوع را در مجله رشد مدیریت طرح کردیم و گفتیم چون ممکن است سفر با خودرو خطرناک باشد، مدیران اردوها را در مدرسه‌های خود به این صورت برپا کنند. مدیری نوشته بود که این‌گونه عمل کردیم

و بچه‌ها لذت‌بخش‌ترین روزشان را گذراندند. ملاحظه می‌کنید که ما در مدرسه حیات داریم و می‌توانیم در گوشه‌ای از آن آلاچیقی برای قصه‌گویی برپا کنیم. نمازخانه هم داریم. می‌توانیم کلاس قرآن پیش‌دستانی را به آن‌جا منتقل کنیم. ما در مدرسه یا اطراف آن فضاهای در دسترس بسیاری مثل پارک‌ها یا فرهنگ‌سراها را داریم. اگر نگاه را عوض کنیم، می‌توانیم از امکانات به راحتی استفاده کنیم. همان‌طور که خانم دکتر مفیدی گفتند، باید فضاها را احیا کنیم.»

فضاسازی با برنامه‌ریزی

سر دبیر مجله رشد آموزش پیش‌دستانی، با اشاره به مباحث مطرح شده در مجله، از جمله نشست علمی مجله با کارشناسان و مربیان قرآن پیش‌دستانی و انس با قرآن کریم، گزارش‌های مربوط به آموزش زبان خارجی و دیگر موارد گفت: «به‌عنوان جمع‌بندی اشاره می‌کنم که این مباحث می‌تواند ادامه‌دار باشد. ما در این جلسه نیز به مسائل پیش‌دستانی و وضعیت موجود در زمینه فضای آموزشی پرداختیم. اما هنوز به‌طور کافی در مورد چالش‌های فضا بحث نکرده‌ایم. از نکات مورد توجه در مورد فضا این است که فضا با افرادی که در آن رفت‌وآمد می‌کنند، با والدین، کودکان و مربیان، ارتباط برقرار می‌کند. این ارتباط حساس است و باید برای آن برنامه‌ریزی کرد. ما باید با فرهنگ فضای خود آشنایی پیدا کنیم و در مؤلفه‌های بومی خود بازنگری کنیم. توجه به اصول طراحی و امنیت و برانگیزانندگی محیط مهم است و این‌جا بر آن تأکید شد.

مسئله مهم دیگر این است که خود کودکان هم در ارتباط با فضا و نحوه استفاده از آن آموزش ببینند. آگاهی دادن به مربیان و پدران و مادران در مورد نحوه استفاده از تجهیزات توسط کودکان نیز از اهمیت برخوردار است. و در پایان هشدار می‌دهم که دست‌اندرکاران و مسئولان که از کنار موضوع فضا بی‌تفاوت نگذرنند، زیرا فضا می‌تواند تغییر ضروری در یادگیری را باعث شود و به اندیشه‌ورزی بهتر بینجامد»





کودک ما سالم است...

بررسی تأثیر ارتباط پدر و مادر
بر سلامت جسمی و روانی جنین و کودک در آینده

کلیدواژه‌ها: بارداری، خانواده، مهارت فرزندپروری، مادر.

دکتر مرجان گودرزی

تولد کودک واقعه‌ای به یاد ماندنی است و آن‌هایی که چنین تجربه‌ای دارند، هرگز آن را فراموش نمی‌کنند. در واقع، این خبر که نوزادی در راه است و آزمایش بارداری مثبت بوده است، همیشه هیجان و زیبایی خاص خود را در زندگی هر پدر و مادری حفظ می‌کند. اضافه شدن یک طفل به جمع خانواده، تغییراتی را سبب می‌شود که باید آمادگی، عادت و سازگاری لازم برای مواجهه با این تغییرات در خانواده نیز به وجود آید. تغییرات رفتاری، تغییرات بدنی و تنظیم اوقات زندگی، از جمله این موارد است.

ماه‌های دوره بارداری و چند ماه اولیه زندگی کودک در کنار پدر و مادر، چالش‌های زیاد و متنوعی پدید می‌آورد. گذشته از نوع نگاه و نگرشی که به این تغییرات داریم، باید بدانیم که زندگی ما هرگز مثل گذشته نخواهد بود! برای بسیاری از والدین، ماه‌هایی که به لحظات معجزه‌گر تولد منجر می‌شوند، سرشار از طرح‌ها، نقشه‌ها، رؤیاهای و قدری نیز نگرانی است. در این دوره، علاوه بر آرزوها و چشم‌اندازهای زیبایی که در ذهن می‌پرورانیم، سوالات زیادی نیز در ذهن ما پرورده می‌شوند: آیا می‌توانیم پدر و مادر خوبی باشیم؟ آیا اطلاعات کافی برای فرزندپروری داریم؟ آیا نوزاد ما «سالم» خواهد بود؟

در باره مسائل ارتباطی مانند لباس و پوشاک، غذا و شیردادن و نظافت کودک نیز فکر می‌کنیم. نام‌گذاری کودک و واکنش و پذیرش دیگران نیز ذهن ما را به خود مشغول می‌سازد. اما به زودی، واقعیت حضور کودک در مقابل رؤیاهای و تخیلات ظاهر می‌شود. یعنی باید قدری رؤیاهای را کنار بگذاریم و بپذیریم که کودک گریه و بی‌قراری و بی‌خوابی و شب‌نخوابی دارد. کسالت و بیماری پیدا می‌کند، ممکن است به راحتی شیر و غذا را جذب نکند و بالاخره ما را نیز کثیف و عصبانی کند. این جاست که کسب مهارت‌های لازم برای پدر و مادر شدن ضرورت می‌یابد و روحیه پذیرش و مواجهه مناسب و سالم با این تغییرات در زندگی جدید والدین، زندگی را شیرین و لذت‌بخش خواهد کرد.



از طرف دیگر، باید به خاطر داشته باشیم که خانواده‌ها نیز مانند هم نیستند و تفاوت‌هایی دارند. نقش خانواده و ارتباط محبت‌آمیز و سالم زن و شوهر در تعیین سرنوشت روانی، عاطفی و جسمی کودک بسیار تعیین‌کننده است؛ تا جایی که می‌توان گفت شالوده تشکیل خانواده، محبت و تعلق افراد درون آن به یکدیگر است. پدر و مادر، حتی از ورود کودک و هنگام شکل‌گیری جنین می‌توانند محیطی را به وجود آورند که فرزندشان احساس ایمنی و خواسته‌شدن داشته باشد، تا بعدها نیز بتواند خوب رشد کند و یاد بگیرد، و فردی مسئول، قابل احترام و دارای شخصیتی مثبت بار بیاید. به ویژه این‌که امروزه پدران نیز باید احساس مسئولیت بیشتر در تمام فرایند بارداری داشته باشند.

امروزه، انگیزه ما برای بارداری و فرزندپروری، به نحو قابل ملاحظه‌ای از یک فرهنگ و جامعه به فرهنگ دیگر متفاوت است. در بعضی فرهنگ‌ها، کودکان به عنوان دارایی و نوعی سرمایه، باعث افزایش مالکیت اقتصادی می‌شوند و یا به عنوان امید والدین به هنگام پیری و دستگیری آن‌ها در آینده، و یا به عبارت بهتر، عصبی پیری، به شمار می‌آیند. در بعضی جوامع، به تولد فرزند به عنوان راهی برای پایداری سنت‌های خانوادگی و یا تکمیل نیازها و هدف‌های شخصی والدین نگرسته می‌شود. گاه نیز تولد کودک نوعی انجام وظیفه و یا به دوش کشیدن یک الزام و ضرورت اجتماعی است.

دراغلب جوامع، کودکان با این نگرش متولد می‌شوند که موجوداتی با ارزش و بخشی طبیعی از زندگی و شادی خانواده هستند

در هندوستان زنان بعضی از قبایل، براساس سنت بچه‌دار شدن را نوعی ضمانت برای زندگی سالم در دنیا و آخرت خود می‌دانند. در فرهنگ اسلامی ما نیز، تولد فرزند موهبتی الهی است و برای تربیت او، چه دختر و چه پسر، ارزش والایی مطرح است. با وجود این، در همه فرهنگ‌ها ضروری است، زنان باردار با تغییرات جسمی و بدنی،

و روان‌شناختی، و اجتماعی که با نقش جدید مادر شدن همراه است، خود را سازگار کنند و پدران نیز در این زمینه حمایت و مشارکت داشته باشند.

در دوره بارداری، تغییرات بدنی و روانی عمیقی در مادر به وقوع می‌پیوندد که نمی‌توان از آن‌ها غفلت کرد. در ابتدای این دوره و حتی قبل از این که جنین به اندازه کافی بزرگ شود، خواب‌آلودگی، خستگی و حساسیت‌های عاطفی زن، اثرات مستقیمی بر جنین دارد. در اواسط بارداری، تغییرات بدنی، با توجه به عملکرد و افزایش گنجایش سیستم کلی بدن، معمولاً بهبودی و راحتی خاصی را پدید می‌آورد، ولی در اواخر بارداری مجدداً و به طور طبیعی و یا به دلیل افزایش وزن، احساس سنگینی و کاهش تحرک، ناراحتی‌هایی در همه زنان باردار پدید می‌آید.

تغییرات بدنی در طول ماه‌های بارداری بر وضعیت روانی مادر اثر می‌گذارد. زیرا زن باردار، هم باید با پنداره و تصویری که در این مدت از فرزند خود دارد، کنار بیاید و اعتماد به نفس خود را حفظ کند و هم باید با واکنش‌های دیگران و اطرافیان و حتی همسر خود سازگار شود. این احساس روانی گاه باعث ایجاد نوعی فاصله با اطرافیان و دوری از آن‌ها و حتی همسر می‌شود و گاه نیز برعکس، تمایل به ارتباط با دیگران و گرفتن حمایت از آنان را پدید می‌آورد.

حاملگی علاوه بر تغییرات خلقی، حتی می‌تواند با احساس ناامنی درباره آینده همراه باشد. برای مثال، ممکن است مادر درباره وضعیت شغل و حرفه خود بعد از ورود کودک، اضطراب پیدا کند، درباره توانایی خود برای مراقبت از کودک به تردید بیفتد و حتی از احتمال وجود نقص در کودک دچار ترس شود. یا ممکن است به بروز تضادهای تربیتی بین خود، همسر و اطرافیانش بیندیشد و احساس ناامنی کند.

به هر حال مشخص است که همه این واکنش‌های فرهنگی و اجتماعی و نیز تغییرات بدنی و روحی و تأثیر آن‌ها بر زنان

باردار، در همه‌جای دنیا تا حدود زیادی طبیعی و انکارناپذیرند. اما آن‌چه که از اهمیت شایانی برخوردار است، سهیم شدن و شراکت پدر در این زمینه و وقت‌گذاری، صرف انرژی و درک احساسات و موقعیت زن توسط اوست. یعنی در همه حال، زن باردار نباید بار این همه تغییرات را، به ویژه از نظر روانی، به تنهایی به دوش بکشد. در این جاست که نقش پدر و همسر حتی بیش از گذشته در درک موقعیت زن باردار، از نظر هم‌نواپی و هم‌فکری احساس می‌شود.

زن باردار به حمایت روانی و توجه عاطفی همسر خود بسیار نیاز دارد و بیش از او، جنین از این ارتباط، احساس صمیمیت و نزدیکی، عشق و محبت، بهره‌مند می‌شود.

مادر و پدر عزیز! امروزه نقش هیجان‌ناک و حالات عاطفی مادر- به‌ویژه در خانواده- و درک همسر، در سرنوشت روانی زن باردار و جنین متولد نشده او به اثبات رسیده است. شکی نیست که یک پدر نیز قبل از تولد فرزندش احساسات چندگانه‌ای را تجربه می‌کند. او نیز به آینده و وضعیت خود از نظر توانایی‌های حمایتی و قابلیت ایفای نقش پدرانه خود می‌اندیشد و حتی به کسب اطلاعات درباره نقش فرزندپروری خود علاقه دارد.

تحقیقات جدید نشان می‌دهند، هرچه زن و شوهر در دوران بارداری، باهم

هیچ کدام از ما با مهارت فرزندپروری و این‌که چگونه پدر و مادری کنیم، متولد نمی‌شویم، ولی همه ما می‌توانیم پدر و مادر خوبی باشیم

تفا هم بیشتر داشته باشند، با هم فکر کنند و تصمیم بگیرند، و یکدیگر را از نظر روانی بهتر درک کنند، و به ویژه هرچه مرد از همسر خود حمایت به عمل آورد، وقت بیشتری را با او بگذرانند، نگرانی‌های او را کاهش دهد، یار و کمک دهنده او باشد و اطرافیان را نیز به آرامش و مهریانی نسبت به وضعیت پدید آمده دعوت کند، نه تنها

دوران بارداری با آرامش و سلامتی بیشتری برای مادر سپری می‌شود، بلکه فرزند نیز در تمام مراحل قبل از تولد، حین بارداری و بعد از تولد، از آرامش و وضعیت روانی بهتری برخوردار خواهد بود.

پدر و مادر گرامی! بعضی تحقیقات نشان داده‌اند، پدرانی که در جریان بارداری با همسر خود همراهی و هم‌فکری کرده‌اند، نقش حمایتی و محبت‌آمیزی داشته‌اند و در این مدت خانواده آن‌ها از تشنج و اختلافات به دور مانده است، پذیرش بیشتر و عمیق‌تری نسبت به فرزند تازه وارد داشته‌اند و ارتباط بین پدر و مادر نیز بعد از تولد، از استحکام و قوام بیشتری برخوردار بوده است.

نقش پدر در این زمینه اهمیت بسیاری دارد. در یکی از تحقیقات انجام شده معلوم شد، اطفالی که پدرانشان در مراقبت و نگهداری با مادر همکاری و شراکت داشته‌اند، حتی در آزمون‌های رشد ذهنی نمرات بالاتری کسب کرده و یا از بهره هوشی بالاتر برخوردار بوده‌اند. از نظر اجتماعی نیز پاسخ‌گویی بهتری داشته‌اند. بنابراین ملاحظه می‌شود که تولد فرزند و دوره بارداری فقط یک واقعه و یا حادثه پزشکی نیست، بلکه از جهات و ابعاد متفاوت بر خانواده و سرنوشت تربیتی بعدی کودک اثر می‌گذارد.

تأثیر هیجانات و حالات عاطفی مادر

مطمئناً آشکارترین اثر بیرونی بر جنین در وهله اول، وضعیت خود مادر است؛ یعنی سلامتی، سن و وضعیت تغذیه مادر. اما احساساتی که مادر در دوره بارداری تجربه می‌کند نیز، روی چگونگی بروز این هیجانات مؤثر است. زنی که تحت استرس شدید عاطفی و هیجانی قرار دارد، تغییرات هورمونی در بدنش باعث

تغییراتی در جنین و ی

تولد فرزند و دوره بارداری فقط یک حادثه و یا واقعیتی پزشکی نیست، بلکه از جهات و ابعاد متفاوت، بر خانواده و سرنوشت تربیتی کودک اثر می‌گذارد

خواهد شد: یعنی ترشح غدد درون‌ریز آدرنال در خون، از طریق جفت به جنین وی نیز می‌رسد. بنابراین، حالات هیجانی و عاطفی مادر به طور غیرمستقیم بر نوزادش در دوران رحمی اثر می‌گذارد.

تحقیقات هم‌چنین آشکار ساخته‌اند، مادرانی که از نظر عاطفی ناراحتی‌هایی داشته‌اند، فعالیت جنین آن‌ها نیز در این مدت افزایش داشته است. یعنی حتی اگر سطح استرس و طول مدت ناراحتی وی در این دوره کم هم بوده باشد، فعالیت و سطح جنب‌وجوش جنین وی تا چندین ساعت ادامه خواهد داشت. قابل توجه است که یکی از اثرات استرس و ناراحتی طولانی مدت مادر بر جنین، همانا کمبود وزن و ضعف بدنی کودک است. بسیاری از متخصصان نیز اذعان دارند که هرچه مادر در دوران بارداری و زایمان از آرامش بیشتری برخوردار باشد، فرایند وضع حمل وی نیز آسان‌تر و کوتاه‌تر خواهد بود.

مادران دارای سطح اضطراب بالا، در عین

حال که حساسیت و آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به درد دارند، از فرایند زایمان نیز می‌ترسند. در واقع وضع حمل دشواری را تجربه می‌کنند و نوزادشان نیز آسیب‌پذیری بیشتری خواهد داشت.

براساس تحقیقات دیگری نیز می‌توان گفت که اختلالات رفتاری و بیماری‌های مزمن در کودکان مادران تحت فشار و تنش‌های روانی در دوران بارداری، افزایش چشم‌گیری داشته است. رابطه نزدیکی بین لب‌شکری و کام‌شکری (شکاف سقف دهان و لب کودک) در فرزندان مادران دارای استرس زیاد مشاهده شده است.

در هر حال، واقعیت این است که در تمام طول بارداری و در تمام جریانات هیجانی و عاطفی ناخواسته‌ای که مادر ممکن است تجربه کند، وجود همسر، اطرافیان و افرادی که آرامش دهنده، حمایت‌کننده، اطمینان دهنده و مهربان باشند، می‌تواند اثرات و علائم و ناراحتی‌ها و اختلالات بعدی را در مادر و فرزند کاهش دهد و از اثرات منفی آن بکاهد.



روش مونته سوری

و تأثیر آن بر اعتماد به نفس، استقلال و مهارت‌های اجتماعی کودکان

مژگان حسابی

کارشناس ارشد پیش دبستان



کلیدواژه‌ها: آموزش و پرورش پیش دبستانی، اعتماد به نفس، مهارت‌های اجتماعی، روش مونته سوری، کودکان، استقلال.

اعتماد به نفس و مهارت‌های اجتماعی مورد آزمون قرار گرفتند. این پرسش‌نامه ۸ مقوله مهارت‌های اجتماعی کودکان از جمله مهارت لبخند زدن، احترام گذاشتن به دیگران، پیوستن به فعالیت‌های در حال انجام، دعوت از کردن از دیگران، مهارت‌های گفت‌و شنود، همکاری با گروه و توجه به ظاهر آراسته خویش را با طیف لیکرت مورد آزمون قرار می‌دهد. در ضمن ضریب اعتبار این پرسش‌نامه در سال ۱۳۸۰ به وسیله **احمدی - نورانی** تعیین شده بود. ۳۰ نفر از کودکان آمادگی **بنفشه** که به روش عادی آموزش می‌دیدند با کودکان آمادگی شهید مهدوی در این آزمون مورد مقایسه قرار گرفتند. نتایج نشان داد که تفاوت معناداری بین آموزش به روش مونته سوری با کودکان آموزش دیده به روش عادی از نظر داشتن اعتماد به نفس و مهارت‌های اجتماعی وجود دارد که مزایای آموزش به روش مونته سوری را بازگو می‌کند. از آنجا که مؤثرترین عوامل افزایش دهنده اعتماد به نفس و مهارت اجتماعی، خانواده، همسالان و معلمان هستند، لازم است در این محیطها تلاش شود تا با دادن حق انتخاب، کنترل شخصی، مسئولیت‌پذیری و خوداصلاحی و دوری از اجبار، به کودکان کمک کنند تا مستقل تر شده و بتوانند توانایی و قابلیت‌های خود را به نحو احسن نشان دهند و احساس مفید بودن و آرامش کنند. * برای اطلاع بیشتر از چگونگی کار و نتایج این تحقیق به دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی مراجعه کنید

طور غیرمستقیم توسط بزرگسالان هدایت می‌شود و به هدف خودساختگی، اعتماد به نفس و استقلال نائل می‌شود.

اعتماد به نفس، نیز محوری است که کل زندگی کودک پیرامون آن خواهد چرخید. اعتماد به نفس از تجربه‌های شخصی و افکار اندوخته شده شکل می‌گیرد. پرورش اعتماد به نفس سالم از بدو تولد آغاز می‌شود و به عنوان یک ارزیاب پیشرونده، در طول زندگی ادامه می‌یابد. مهارت اجتماعی نیز یکی از عناصر اجتماعی شدن در کلیه فرهنگ‌ها و جوامع است. در نظام آموزشی اگر کودکی فاقد مهارت اجتماعی باشد اغلب در مورد هوش و شخصیت او اظهار نظرهای متفاوتی صورت می‌گیرد و حتی مشکلاتی را در زمینه پیشرفت فردی به وجود می‌آورد. فقدان این مهارت می‌تواند خود ارزشی و عزت نفس فرد را تباہ ساخته و او را در انزوا قرار دهد. ضعف در مهارت اجتماعی حتی می‌تواند موقعیت‌های مطلوب رشد و پیشرفت کودک را همگام با هم‌تایان مانع شود.

بنابراین مسئله پژوهش حاضر این است که مشخص کند آموزش به روش مونته سوری در مقایسه با روش‌های عادی تا چه حد بر اعتماد به نفس، استقلال و مهارت‌های اجتماعی تأثیر گذار است.

برای این منظور با استفاده از روش آماری غیرتصادفی، ۳۰ نفر از دانش‌آموزان آمادگی **شهید مهدوی** تهران که روش مونته سوری را در آموزش کودکان به کار می‌گیرد، انتخاب شدند. با استفاده از آزمون محقق ساخته

هدف از این تحقیق بررسی تأثیر آموزش به روش مونته سوری بر اعتماد به نفس و مهارت‌های اجتماعی کودکان ۵-۶ ساله در سال تحصیلی ۸۶-۸۷ می‌باشد.

ماریا مونته سوری، یکی از نظریه پردازان تعلیم و تربیت است که کودک را به مفهوم واقعی درک کرده و نیازها و خواسته‌های وی را از دور و نزدیک مورد توجه قرار داده است. ولی اصولی را مطرح می‌کند که شاید بعضی از آن‌ها بسیار ساده و بعضی باورنکردنی و عجیب به نظر می‌رسند. اما آن‌چه اهمیت دارد این است که بسیاری از مهارت‌های مورد توجه وی در مورد کودکان با خط و ربط‌های ساده به وجود آمده‌اند.

مونته سوری یادآور می‌شود که کودکان دارای صفات و خصوصیات اخلاقی و شخصیتی بی‌شماری هستند. هر کودک وسایل آموزشی را به نوعی متفاوت از دیگران تلقی می‌کند، با توجه و تمرکز فکری و دقت خاص با مقیاس‌های خصوصیات جسمی و روانی خویش به رنگ و اندازه و مقدار اشیاء می‌نگرد و به طور کلی از راه‌های مختلف و به



اشاره

در این نوشتار دربارهٔ چگونگی و تبیین یکی دیگر از حوزه‌ها و آموزه‌های قرآن مبنی بر «حفظ» آیات و عبارات در فرایند انس با قرآن کریم دورهٔ پیش دبستانی می‌پردازیم.

ضرورت و اهمیت حفظ قرآن در کودکی

غالباً محفوظات دوران کودکی ماندگارند و تأثیر خاصی بر شخصیت فرد می‌گذارند. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «یادگیری در کودکی مانند نقش روی سنگ است.» بنابراین خوب است شرایط به گونه‌ای آماده شود که انسان از سنین خردسالی با آیات و معارف قرآن آشنایی پیدا کند تا به تدریج به آداب و اخلاق قرآنی مؤدب شود. حافظهٔ کودک بسیار قوی و فعال و درعین حال، بکر و از معلومات و آموزه‌های گوناگون خالی است. در دنیای امروز، خواسته یا ناخواسته، در اندک زمانی ذهن کودک از اطلاعات و آموزش‌های گوناگون پر خواهد شد. کودک توانایی فراگیری مستقیم و غیرمستقیم، تقلید و همانندسازی بسیار زیادی با محیط پیرامون خود دارد. اما چون از قدرت تشخیص قوی برخوردار نیست و آن چه را که فرامی‌گیرد بدون بررسی، دریافت و ضبط می‌کند، بهتر است موضوعات و مطالب دریافتی او، از بهترین و سالم‌ترین آموخته‌ها باشد تا بتواند سرمایهٔ ارزشمندی به دست آورد؛ سرمایه‌ای که یک عمر برای او هدایت و برکت در پی داشته باشد. از صدر اسلام تا کنون، کودکان مسلمان، آموزش خود را با حفظ سوره‌های کوتاه یا آیات و فرازهای خاصی از قرآن کریم آغاز می‌کردند. در کشور ما نیز این سنت حسنه همیشه وجود داشته است.

در دهه‌های اخیر با توسعهٔ فعالیت‌های آموزش و پرورش در دورهٔ پیش از دبستان، خانواده‌ها و نیز مؤسسات آموزشی - فرهنگی بر آن شده‌اند که موضوع حفظ قرآن را در چارچوب فعالیت‌های علمی و برنامه‌ریزی شده شکل دهند. خوش بختانه امروز، هر جا که این فعالیت با ملاحظات لازم علمی و تجربی، با پرهیز از افراط یا تفریط و در قالب «شیوهٔ تلفیق» انجام شده، با توفیقات ارزشمند و ماندگاری مبنی بر انس با قرآن کریم همراه بوده است. در ادامه توضیحاتی دربارهٔ مراحل چگونگی شنیدن و حفظ آیات قرآن ارائه می‌شود.

مرحله اول: شنیدن، همانندسازی و تلفظ

۱. شنیدن از ارکان مهم یادگیری است. از این رو، هر آیه و عبارات از طریق رسانهٔ آموزشی (نوار یا سی‌دی) یا قرائت مربی چند بار تکرار می‌شود.
 ۲. کودکان با شنیدن قرائت رسانهٔ صوتی آموزشی (نوار یا سی‌دی) یا قرائت مربی، به طور دسته‌جمعی، چند بار آیه یا عبارت شنیده شده را تکرار می‌کنند.
 ۳. کلمات و ترکیبات مشکل یا موارد اشتباه کودکان، توسط مربی به صورت شمرده و با تأکید بیشتر، بازخوانی می‌شود تا حتی المقدور حالت صحیح را تکرار کنند. ولی اگر اشکال برطرف نشد، به تکرار و تأکید بیش از حد نیاز نیست؛ کودکان در فرصت‌های بعد به تدریج، تلفظ صحیح را یاد می‌گیرند.
- در این مرحله آن چه اهمیت دارد، مشارکت همهٔ کودکان در جمع‌خوانی است. اگر هر نوآموز در فعالیت جمعی مشارکت کند، حد مورد انتظار به دست آمده است. هر کودک با توجه به توانایی و علاقهٔ فردی خود و در فاصله‌های زمانی متفاوت، در حفظ کامل یا نسبی سوره یا آیات تمرین شده مهارت لازم را کسب می‌کند. هم چنین در فعالیت‌های گروهی، ضعف فردی کودکان کمتر بروز می‌کند، بلکه مشارکت جمعی، موجب افزایش انگیزهٔ یادگیری می‌شود.

مرحله دوم: تکرار و یادآوری برای تثبیت محفوظات و رفع

اشکالات



در حفظ آیات قرآن

مسعود تهرانی فرجاد

۱. بار دیگر، آیه یا عبارت مورد

نظر، توسط مربی یا رسانه صوتی آموزشی (نوار یا سی‌دی)، قرائت می‌شود.

۲. کودکان به طور دسته‌جمعی آن را تکرار می‌کنند.

۳. هر کودک به تنهایی، آن عبارت را تکرار می‌کند و اشکالات هر یک از آن‌ها به شیوه مناسب اصلاح می‌شود.

نکته:

- در مواردی که کودک قادر به اصلاح اشکال نیست، به حال خود گذاشته می‌شود تا در فرصت‌های بعد آرام آرام حالت صحیح را فراگیرد.
- به منظور نشاط و جذابیت بیشتر، بهتر است با گروه‌بندی و ایجاد رقابت سالم بین کودکان، از ایشان بخواهیم آموخته‌های خود را برای یکدیگر بخوانند.

معیارهای انتخاب محتوای حفظ

- در کمیت و کیفیت انتخاب عبارات و آیات باید دقت شود تا عموم کودکان بتوانند به راحتی محتوای موردنظر را بیاموزند. در واقع، محتوا باید علاوه بر هماهنگی با اصول این برنامه (انس با قرآن کریم دوره پیش‌دبستانی)، با توجه به معیارهای زیر انتخاب شود:
- سوره‌های منتخب از نظر تلفظ حتی المقدور ساده، روان، کوتاه و پرکاربرد باشند. به این منظور، سوره‌های توحید، کوثر، ناس، عصر، نصر و حمد مناسبند که برای کودک پیام قابل فهم دارند؛ هر چند به صورت درک ساده و اولیه، پیشنهاد می‌شود.
- عبارات و آیات از نظر تلفظ حتی المقدور ساده، روان و کوتاه باشند.
- برخی فرازهای پر کاربرد، مانند آیه‌الکرسی و چهار آیه آخر سوره بقره (امن الرسول)، به مرور و در فرایند زمانی چند ماه و از طریق تمرین و تکرار مستمر و روزانه آموزش داده شوند.

تذکرات مهم در حوزه شنیدن و حفظ قرآن

- میزان محفوظات متناسب با توانایی و استعداد هر کودک و به دور از الزامات آشکار و پنهان باشد. یعنی، توجه به میزان توانایی هر کودک و تفاوت‌های فردی او با دیگران، اصلی‌ خدشه‌ناپذیر است.

- به منظور تثبیت آموخته‌ها در حافظه درازمدت کودک، تمرین‌ها در چند نوبت با فاصله زمانی مناسب انجام شوند و از تمرین زیاد و طولانی در یک زمان جداً خودداری شود.

- از آن جا که هدف اصلی فعالیت‌های یاددهی-یادگیری برنامه قرآن «تقویت انس با قرآن کریم و علاقه به یادگیری آن» است، نباید میزان محفوظات، این هدف اصلی را تحت‌الشعاع قرار دهد.

- بهره‌گیری از شیوه تلفیق حوزه‌های برنامه قرآن، از تأکیدات اساسی در فرایند انس با قرآن کریم است. از این‌رو توازن در حوزه حفظ باید مورد توجه تولیدکنندگان محتوا باشد.

در خاتمه از خداوند متعال خالصانه می‌خواهیم ما را به بهره‌گیری از شیوه‌های مؤثر در ایجاد انس و علاقه به قرآن در کودکانمان موفق سازد.

آمین یا رب العالمین

پی‌نوشت

۱. امام علی (ع): العلم فی الصغر کالتقش فی الحجر العلم فی الکبر کالتقش فی المدر. [کنزالفوائد، ج ۱، ۳۱۹]

از صدر اسلام تاکنون، کودکان مسلمان، آموزش خود را با حفظ سوره‌های کوتاه یا آیات و فرازهای خاصی از قرآن کریم آغاز می‌کردند





کودک، مربی، فطرت و تربیت

کلیدواژه‌ها: فطرت‌گرایی توحیدی، هدف‌گزاری، تربیت دینی.

در نظام تعلیم و تربیت انسانی پیش‌بینی شده است. ما باید با نگاه فطرت‌گرایی توحیدی به آن اهداف برسیم.

وقتی از تربیت دینی سخن می‌گوییم، بلافاصله ذهن ما به سمت معنای خاص تربیت دینی متوجه می‌شود و این رهزنی است که باید از آن مراقبت کرد. زیرا اگر تلقی ما از تربیت دینی به طور جامع شکل نگیرد، آسیب‌زا خواهد بود. با توجه به روایات، دوره پیش‌دبستانی و این هفت سال اول زندگی کودک را به دوره سیادت او تعبیر کرده‌اند. در نتیجه کار شما بسیار سخت است.

گاهی تصور می‌شود که سیادت بچه‌ها در این دوره به این معناست که ما تابع آن‌ها باشیم و آن‌چه را که آن‌ها می‌خواهند، برایشان فراهم آوریم و از آن‌ها تبعیت کنیم. ولی تحلیل عمیقی نسبت به این موضوع هست که محققان روی آن تأکید دارند. آن‌ها می‌گویند: معنای سیادت این نیست، بلکه معنای دوره سیادت این است که باید روش‌ها را به گونه‌ای طراحی کنیم که با جایگاهی که مخاطب و مربی دارد، سازگار باشد.

اهداف تربیتی را نباید کاملاً به میل و اراده مخاطب و مربی وابگذاریم؛ این وانهادن تربیت است. تربیت فرایندی است که ما را از نقطه موجود به نقطه مطلوب می‌رساند. پس ما باید نقطه مطلوب را کشف و آن را دنبال کنیم. البته با توجه به این که مربی ما در شرایطی از رشد یادگیری و شرایط روان‌شناختی است که احساس سیادت می‌کند. انتظار دارد ما آن‌چه را که او می‌خواهد، دنبال کنیم. پس باید خودمان را با این انتظار هماهنگ کنیم. همین امر این دوره را بسیار پیچیده می‌کند. وقتی می‌گوییم دوره تجویزی نیست، یعنی تربیتی نیست که بتواند اهدافی را تحقق بخشد که برای تربیت انسان

دیدگاه فراتر می‌رود و مخاطب و مربی امانت الهی می‌شود. در این زمینه روی آیه ۷۲ سوره احزاب تأمل کنید: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا». ما امانت را عرضه کردیم به آسمان، زمین، کوه‌ها و همه قدرت و عظمتی که این مجموعه دارد. این‌ها نپذیرفتند و ترسیدند که بپذیرند، ولی انسان این امانت را پذیرفت.

ما مربیان را چه قدر می‌شناسیم؟ در هدف‌گذاری چه عناصری برای ما مطلوب هستند؟ ما در امر تربیت، به معنای واقعی هدف‌گذاری نمی‌کنیم، هدف‌شناسی می‌کنیم. ما جعل هدف نمی‌کنیم که بگوییم هدف باید این باشد، ما کشف هدف می‌کنیم. کشف از چه منبعی باید حاصل شود؟ آیا جز پیامبران الهی که نگاه متعالی به انسان را برای ما رقم زدند، می‌توانند در این کشف به ما کمک کنند؟

«قرآن کریم» کشف تام الهی است. اگر بخواهیم علم الهی را کشف کنیم، باید از طریق قرآن کشف کنیم. چون قرآن کریم، عصاره علم الهی است. اگر کسی به آن متوسل شود، می‌تواند به نقطه نهایی برسد. ما باید از این راه کشف کنیم که انسان را با چه هدفی در نظر بگیریم و مقصد ما از تربیت چه چیزی باشد. این جاست که به الگوی هدف‌گذاری تربیتی که در برنامه درسی ملی کار شده است، می‌رسیم. در راهنمای برنامه فعلی عناصر آن به صورت پراکنده آمده و در قالب الگویی نیامده‌اند.

مهم‌ترین هدفی که ما دنبال می‌کنیم،

اگر ما نظریه فطرت را در اسلام درک نکنیم، انسان‌شناسی اسلام را درک نکرده‌ایم. اگر انسان‌شناسی اسلام را درک نکنیم، سایر اضلاع اسلام برای ما آشکار نخواهند شد. چون در اسلام معرفت‌شناسی، جهان‌شناسی و خداشناسی بر محور انسان‌شناسی می‌چرخند. یعنی انسان است که باید خدا را بشناسد و تعامل درستی با جهان خلقت برقرار کند. کمال انسان است که هدف از خلقت را رقم زده است. اگر انسان شناخته نشود، هیچ‌یک از این گزاره‌ها برای ما معنای روشنی نخواهند داشت.

رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی مبنای نظری تعلیم و تربیت در اسلام است و در جهت‌گیری‌ها به ما کمک می‌کند. رویکرد یعنی رویی که سمت ما به آن است. نظام جامعی که می‌تواند انسان را روی پای خود استوار کند، این است که شما به سمت خدا جهت‌گیری داشته باشید و فطرت الهی را بیابید. اقتضائات آن را بدانید و به آن ملتزم باشید. نگاه فطرت‌گرایی توحیدی مخاطب ما را از تلقی شیء و کالا بالاتر می‌آورد. در یک نگاه بالاتر از شیء و کالا، ممکن است دیدگاه مربی ما این باشد که کودک مراقبت بیشتری می‌خواهد. این از نگاه اول بالاتر است، ولی کافی نیست. ممکن است یک پله بالاتر بیاید و کودک را امانت تلقی کند. ولی بالاتر از آن، کودک فقط امانت پدر و مادر نیست، بلکه می‌خواهد به عنوان یک شهروند مطلوب یا عضو مطلوب جامعه اسلامی تربیت شود. پس کودک امانتی از طرف کل جامعه به مربی است.

در نگاه فطرت‌گرایی توحیدی، این



محوری‌ترین، مهم‌ترین و متعالی‌ترین هدف برای تربیت انسان این است که انسان به عقلانیت برسد و عقل او شکوفا شود. قیمة الانسان بالعقل: ارزش انسان به عقل اوست. ریشه و گوهر وجود انسان عقل اوست. اگر عقل فردی پرورش پیدا کند، باادب هم می‌شود. ریشه دین عقل است. تا کسی عاقل نباشد، دین دار نمی‌شود. در نظام تربیتی اسلام، عقل ریشه است و ایمان فکورانه، نتیجه تعقل و شکوفایی عقل درونی است که با عقل فطری همسوست.

در غرب در زمینه عقلانیت مطرح می‌شود که نظام ما نظامی عقلانی است، در حالی که عقلانیت آن‌ها ابزاری است. عقلی که در قرآن از آن سخن گفته شده است، همان عقلی است که انسان را از سطح زندگی مادی فراتر می‌برد. عقل فطری، ایمان و بر اساس آن علم، عمل و اخلاق است. رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی در نحوه پاسخ‌گویی ما تأثیر می‌گذارد و فضای متفاوتی با فضای رایج ایجاد می‌کند.

در تربیت با نگاه فطرت‌گرایی توحیدی، تحمیل و اجبار هیچ جایگاهی ندارد. حتی در جایی که بحث تنبیه به معنی تنبیه مطرح شده است، برای این سن نیست؛ برای دوره بعدی است در این جا دو عنصر اصلی وجود دارد: «عنصر محبت» و «عنصر تکریم».

ما باید قطعاً به مربیان بگوییم که اگر بچه‌ها را دوست ندارید و اگر آن‌ها را از صمیم جان نپذیرفتید، لطفاً کار تربیت آن‌ها را برعهده نگیرید. چون اگر تربیت مبتنی بر محبت نباشد، اصلاً تربیت نیست. مربیان فعلی ما چه قدر بچه‌ها را دوست دارند؟ اگر مربی با شوق و نشاط سر کار برود و بچه‌ها را دوست داشته باشد، موفق می‌شود. نه این که محبت صرفاً عاطفی باشد، محبت باید عقلانی هم باشد.

از جنس محبتی که مادر، پدر و طیب نسبت به فرزند و بیمار خود دارد، محبتی که پیامبر اکرم (ص) نسبت به امت داشتند و آن محبتی که ولی الهی نسبت به یک مخاطب

دارد. محبت و تکریم خیلی اهمیت دارد. عنصر دیگری که در نگاه فطرت‌گرایی توحیدی نقش اساسی دارد، این است که مربی این مسیر را با چه انگیزه‌ای طی می‌کند. انما الاعمال بالنیات. اگر مربی نیت معنوی، تربیتی و الهی داشته باشد، در کار خود موفق می‌شود.

رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی در حقیقت بیان دیگری از تربیت دینی است؛ ولی تربیت دینی به معنای خاص دین. دین فقط به نماز، حجاب و خمس محدود نیست و ابعاد اجتماعی، اخلاقی و عرفانی دینی هم مطرح هستند. نگاه فطرت‌گرایی توحیدی، در پاسخ به سه سؤال اساسی (از کجا، به کجا و در کجا) نگاه ما را رقم می‌زند، نگرش ما را اصلاح می‌کند و به ما بینش می‌دهد. نگرش و بینش در تربیت، مسئله‌ای اساسی و غیر از دانش و مدرکی است که از دانشگاه می‌گیریم. جهان بینی ما، این نگاه را تحت عنوان رویکرد «فطرت‌گرایی توحیدی» رقم می‌زند.

اولین تأثیر فطرت‌گرایی توحیدی روی بحث درباره تربیت نمود پیدا می‌کند و مربی را از سطح یک شیء با یک نگاه تحقیرآمیز، بسیار بالاتر می‌بیند و به خلیفه‌اللهی و امانت الهی بودن می‌رساند. این‌ها اماناتی هستند که به ما سپرده شده‌اند. این رویکرد، روی مقصد هم تأثیر می‌گذارد؛ مربی باید انسان خداگونه شود. شکوفایی فطرت که به اجمال مطرح شد، مسیر را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. براساس این نگاه، همه چیز در دوره پیش از دبستان به تعامل بین مربی و مربی بازمی‌گردد. موادی که شما تولید، سازماندهی و برنامه‌ریزی می‌کنید و فضای کلاسی که ایجاد می‌شود. همه این‌ها ابزاری در دست مربی هستند*.

* فرازهایی از سخنان حجت‌الاسلام دکتر علی ذوعلم در مراسم افتتاحیه دوره آموزشی کارشناس مسئولان پیش‌دبستانی استان‌ها، تیرماه ۸۹، مرکز تربیت معلم نسیه.

این است که فطرت وجودی این مرتبی شکوفا شود. شکوفایی فطرت، در درون خود نکته عمیقی دارد؛ این نکته که من به عنوان مربی، نمی‌خواهم چیزی را به مرتبی اضافه و تحمیل کنم، بلکه می‌خواهم همان چیزی را که در درون خود دارد، شکوفا کنم. البته نه این که من شکوفا کنم، من فقط زمینه‌سازی می‌کنم که آن شکوفا شود، پس در این هدف شکوفایی فطرت مطرح است.

در رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی به این نکته می‌رسیم که خالق متعال، انسان را خلق کرده است که تکامل پیدا کند. البته تکامل او تدریجی است. به هیچ‌وجه از یک کودک پنج ساله نمی‌توان همان انتظاری را داشت که از نوجوان بالغ داریم. اگر بحث قرآن و نماز هم به معنای خاص تربیت دینی است، آن هم باید به گونه‌ای بیان شود که کودک یا نوجوان با آن پیوند درونی پیدا کند.

در بحث هدف‌گذاری، رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی، الگوی هدف‌گذاری را به ما ارائه می‌دهد. الگوی هدف‌گذاری از منابع دینی کشف شده است. در منابع دینی،

داستان و رشد زبانی



فریده عصاره

کلید واژه‌ها: متن داستانی، رشد زبانی، داستان گویی.

اشاره

داستان خوانی و داستان گویی از جمله فعالیت‌های یادگیری در محتوای پیش دبستانی است که نقش مؤثری در رشد و توسعه زبانی دارد. محورهای مورد بحث در این مقاله عبارت‌اند از:

- کودک از طریق داستان در معرض بسیاری از عناصر زبانی قرار می‌گیرد.
- داستان محمل مناسبی برای ارائه نقش‌های مختلف زبانی است.
- تکرار گوش دادن به داستان‌ها، موجب رشد گنجینه واژگانی کودک، آشنایی با کارکردهای زبانی، نحوه تعامل و ارتباط با دیگران و آشنایی با الگوهای گوناگون دستوری می‌شود.
- گوش دادن به داستان‌ها، مقدمه‌سازی قوی برای سوادآموزی در دوره ابتدایی، به ویژه آماده‌سازی برای مهارت خواندن است.

داستان سرایی و داستان گویی از گذشته‌های خیلی دور، در میان جوامع گوناگون رایج بوده است. داستان نه تنها عاملی برای سرگرمی و صمیمیت بین آن‌ها بوده، بلکه وسیله‌ای برای کسب اطلاع از جنبه‌های متفاوت زندگی مردمان پیشین، هم‌چون ارزش‌ها، اعتقادات، طرز تفکر، سنت‌ها، آداب و رسوم، شیوه زندگی، نحوه برخوردشان با مشکلات زندگی و نیز چگونگی فائق آمدنشان بر این مشکلات به شمار می‌رفته است. این تجارب ارزشمند توسط قصه‌گویان با کلامی خوب و دل‌نشین به مردم منتقل می‌شده‌اند.

در کتاب آسمانی ما، «قرآن کریم» نیز از این قالب ادبی به وفور استفاده شده است. خداوند تبارک و تعالی، تجاربی را که یک قوم در گذشته از سرگذرانده، در قالب داستان، برای بندگانش بیان کرده است تا راهی را که آن‌ها به خطا رفته‌اند و برایشان ثمری نداشته و موجب عذاب آن‌ها شده است، هشدار دهد، تا بدین وسیله، از سرنوشتشان عبرت پذیرند و یا از رفتار شایسته خوبان الگو گیرند.

داستان متنی است با موضوعی مشخص و متناسب با هدفی که نویسنده دارد و پیامی که برایش در نظر گرفته است. رویدادهای داستان از ترتیب و توالی زمانی برخوردارند. نویسنده، داستان را به گونه‌ای می‌پروراند که فضا، مکان و نحوه عملکرد شخصیت‌های آن به خوبی حس شوند. یعنی شنونده آن‌ها را به خوبی ببیند، بشنود، لمس کند و از آن خود سازد.

وقتی مربی با بیان شیرین و دل‌نشین، قصه را برای کودکان می‌گوید، از اصول و فنون قصه‌گویی نیز استفاده می‌کند. یعنی، به شیوه‌ای مؤثر و با بیانی روشن و رسا آن را می‌گوید، صدای خود را با لحن و آهنگ و زیربومی مناسبی به کار می‌گیرد، از حرکات دست، سر، چشم، ابرو و دیگر اعضای بدن برای تفهیم بهتر و تصویرسازی برخی مفاهیم استفاده می‌کند، و از تصاویر و دیگر عوامل کمک به فهم در جای خود بهره می‌گیرد. همه این عوامل موجب می‌شوند که به کمک عناصر زبانی مندرج در داستان، موقعیت، شرایط، فضا و صحنه‌های آن بهتر تصویرسازی شوند و مفاهیم درج شده در آن، بهتر به شنونده انتقال یابند. در چنین شرایطی، کودک با شور و اشتیاقی فراوان به قصه‌ای که مربی‌اش می‌گوید، گوش جان می‌دهد. چشم از مربی بر نمی‌دارد و ذره‌ای از حرکات و رفتار وی را از نظر دور نمی‌دارد. به عبارت دیگر، شش دانگ وجودش با مربی، است.



عطش

شنیدن کل ماجرا را تا انتهای داستان دارد. او شیفته آن است که بفهمد داستان

به چه فرجامی می‌رسد.^۱

در داستان‌ها، همه عناصری که ساخته و پرداخته می‌شوند، در قالب عناصر زبانی از قبیل آواها، واژه‌ها، جمله‌ها و الگوهای دستوری هستند. جمله‌ها به گونه‌ای خاص در پی یکدیگر می‌آیند و از انسجام برخوردارند. از طرف دیگر، چون با احساسات و عواطف آمیخته‌اند، اثری عمیق در فکر و جان کودک می‌گذارند.

در داستان‌ها، مخاطب طریقه بروز احساساتی^۲ مانند محبت و مهربانی کردن به دیگران، مسرت و خوش حالی، شگفتی و تعجب، علاقه‌مندی، ناراحتی، خشم، نگرانی، تأسف و نفرت را، از طریق مرادده و ارتباطی که بین شخصیت‌های داستان صورت می‌گیرد و گفت‌وگوهایی که بین آن‌ها رد و بدل می‌شود، تجربه می‌کند. از طریق شنیدن شرح مرادده‌های بین شخصیت‌ها، نحوه تعاملی که با یکدیگر برقرار می‌کنند، نشست و برخاستشان، حرف‌های خاصی که به سبب مناسبت‌هایی چون اعیاد و عزاداری‌ها با هم رد و بدل می‌کنند یا تقاضاهایی که از هم دارند، چگونگی قبول و یا رد تقاضاها، موافقت‌ها و مخالفت‌هایی که از جانبشان اعلام می‌شود، کودکان کارکردهای گوناگون زبان را فرا می‌گیرند.^۳

به هنگام شنیدن داستان‌ها، کودک به درک و دریافت تعداد قابل توجهی از واژه‌ها ناائل می‌آید. حتی اگر این واژه‌ها جدید باشند و کودک تا آن زمان آن‌ها را نشنیده باشد، چون در بافتی آشنا و در یک شبکه معنایی ارائه می‌شوند، کودک خود را با آن‌ها نزدیک می‌بیند. هم به تلفظشان پی می‌برد و هم معنی آن‌ها را کشف می‌کند. به مرور زمان و با تکرار شنیدن داستان‌هایی که این واژه‌ها را در بردارند، آن‌ها جزئی از خزانه واژگانی کودک می‌شوند. در داستان‌ها، علاوه بر واژه‌های پرکاربرد، مانند اسم و فعل، از واژه‌های دیگری چون صفت، ترکیبات وصفی و قید استفاده می‌شود که هر کدام برای توضیح و توصیف درباره ویژگی‌های شخصیت‌ها، اعم از مشخصات ظاهری و یا رفتاری آن‌ها و نیز برای فضا سازی بهتر، به کار می‌رود.

در داستان‌ها، کودک جمله‌های خبری، پرسشی، امری و انواع دیگر جمله‌ها را می‌شنود و علاوه بر زمان‌های گذشته و حال که معمولاً در داستان کاربرد بیشتری دارند، در معرض زمان‌های دیگری نیز قرار می‌گیرد. در ادامه، بخش‌هایی از چند داستان را به عنوان نمونه موارد گفته شده آورده‌ایم:

● «حالا می‌فهمم که چرا موش‌ها دوان دوان، پرنده‌ها پرواز کنان و ماهی‌ها شناکنان، از ما دور شدند.»

این چند جمله که یکی از بندهای داستان «لکه‌های سرخ و عجیب» نوشته نوربرت لاند است، حاوی چند قید حالت، مانند «دوان دوان»، «پرواز کنان» و «شناکنان» است. قیدهای مذکور حالت‌های متفاوت دور شدن حیوان‌ها را توضیح می‌دهند و معنا را بهتر می‌رسانند. کودک بر اثر تکرار این قیده‌ها در نمونه‌ها و داستان‌های دیگر، آن‌ها را در ذهن خود درونی می‌کند.

● «پرنده‌ها تا ما را دیدند، تندتند بال زدند و رفتند.»

در این جمله نیز یکی دیگر از انواع قید، یعنی قید کیفیت، آمده است.

داستان زیر درباره هدیه‌ای است که یک کودک برای جشن تولد عروسکش خریده است.

● «بالاخره روز تولد چاقالو کوچولو رسید. همه عروسک‌های محل را دعوت کردیم. مادرم یک کیک خوشمزه پخت و گذاشت توی سفره. همه عروسک‌های محل خوش حال بودند. هر کدام هدیه‌ای برای چاقالو کوچولو آورده بودند. دوروبر چاقالو کوچولو پر بود از هدیه.»

همه عروسک‌ها منتظر بودند تا هدیه مرا هم ببینند. چاقالو کوچولو به من نگاه کرد فهمیدم که می‌گوید:

«زودباش دیگر! چرا هدیه‌ات را نمی‌آوری؟ دوست‌هایم همه منتظرند!»

به اتفاق رفتم. هدیه‌ای را که برای چاقالو کوچولو درست کرده بودم، برداشتم و پشتم قابم کردم. پیش عروسک‌ها رفتم و به چاقالو کوچولو گفتم: «یک چیز خیلی خوب. چند روز زحمت کشیده‌ام تا این هدیه را برایت درست کرده‌ام. البته مادرم هم کمک کرده است!»

هدیه‌ام را گذاشتم جلوی چاقالو کوچولو. همه عروسک‌ها با تعجب به هدیه من نگاه می‌کردند.

هدیه من یک عروسک پارچه‌ای کوچولو بود؛ یک دختر کوچک و قشنگ.»

در داستان‌ها، مخاطب طریقه بروز احساساتی مانند محبت و مهربانی کردن به دیگران، مسرت و خوش حالی، شگفتی و تعجب، علاقه‌مندی، ناراحتی، خشم، نگرانی، تأسف و نفرت را، از طریق مرادده و ارتباطی که بین شخصیت‌های داستان صورت می‌گیرد و گفت‌وگوهایی که بین آن‌ها رد و بدل می‌شود، تجربه می‌کند



در این داستان، واژه «هدیه»

هر چند برای کودک نا آشنا باشد، چون در بافتی آشنا بیان می شود و به ویژه با واژه هایی مانند تولد، دعوت کردن، کیک، مدعوین (همه عروسک های محل) و خوشحال بودن، در یک شبکه معنایی قرار می گیرد و برای کودک معنادار می شود.

«گفتم: راستی یادم رفت بگویم که:

ای دوست خوب و کوچک ... تولدت مبارک!

همه عروسک ها دست زدند و با هم خواندند:

ای دوست خوب و کوچک ... تولدت مبارک!

در این جمله ها نیز یکی از کارکردهای زبانی، یعنی «تبریک گفتن»، معرفی می شود و به طور غیرمستقیم به کودک یاد می دهد که وقتی در چنین موقعیتی قرار می گیرد، از چه جمله ای استفاده کند.

متن زیر بخشی از داستان «چارقد گلی» نوشته افسانه شعبان نژاد، درباره چارقدی است که با باد همراه شده و باد تصمیم دارد آن را با خود ببرد و به کسی بسپارد تا صاحبش شود و از آن نگهداری کند.

● «باد در خانه سوم را زد: تق تق تق.

ننه کلاغه در را باز کرد. باد سلام کرد. ننه کلاغه جواب داد: ننه کلاغه غصه دار و ناراحت بود.

باد گفت: چه شده؟

ننه کلاغه آه کشید و آسمان را نشان داد. آسمان پر از کلاغ بود. باد گفت: چه خبر است، کجا می روند؟

ننه کلاغه گفت: عروسی است. کلاغ ها به عروسی می روند.

باد گفت: خب شما هم بروید.

ننه کلاغه گفت: چند روز پیش چارقدم را که روی بندرخت بود، با خود بردید. حالا نمی توانم به عروسی

بروم.

باد چارقد را به ننه کلاغه نشان داد و گفت: می خواهید این چارقد را به شما بدهم؟

ننه کلاغه به چارقد نگاه کرد. از خوش حالی بال و پر زد و گفت: این که چارقد خودم است!

باد گفت: اگر کثیف شد؟ چه می کنی؟

ننه کلاغه گفت: آن را می شویم.

باد گفت: اگر پاره شد، چی؟

ننه کلاغه گفت: با حوصله آن را می دوزم...»

می بینیم که بین کلاغ و باد، فضای گفت و گو و تعامل ایجاد شده است. کلاغ احساس ناراحتی

خود را از این که نمی تواند به عروسی برود و نیز احساس شادی خود را به خاطر پیدا شدن چارقد

بروز می دهد. فحوای گفته های باد نیز حاکی از حس مسئولیت پذیری اوست.

پی نوشت

۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به کتاب هایی که درباره اصول و فنون قصه گویی نوشته شده اند؛

مانند کتاب قصه گویی و نمایش خلاق، ترجمه ثریا قزل ایاغ، یا کتاب قصه گویی و راه و رسم آن، از مصطفی رحمان دوست و ...

۲. این مهم از جمله نقش های زبان، یعنی نقش عاطفی است. این نقش به فهم احساسات و عواطف

دیگران و نیز در بروز این حس ها، به کودک کمک می کند.

۳. موارد گفته شده به طرز چشم گیری به شیوه قصه گویی مربی بستگی دارد.

منابع

۱. ماجراهای آقا موشه (لکه های سرخ و عجیب). ترجمه بهروز بیضایی. نشر قدیانی. ۱۳۸۰.

۲. ابراهیمی، جعفر. قصه های کوچک برای بچه های کوچک. قدیانی، ۱۳۷۹.

۳. سرشار، محمدرضا. الفبای قصه نویسی. پیام آزادی. ۱۳۷۷.

۴. قصه گویی و نمایش خلاق. ترجمه ثریا قزل ایاغ. مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۸.

۵. شعبان نژاد، افسانه. بهترین جای دنیا. قلم. ۱۳۷۸.

به هنگام
 شنیدن داستان ها،
 کودک به درک و دریافت
 تعداد قابل توجهی از واژه ها
 ناآشنا می آید



مبتکر نهضت اصلاح کودکانها

دکتر فرخنده مفیدی



پتی اسمیت هیل معتقد بود که باید کلاس‌های کودکان کستانی و کلاس‌های اول با یکدیگر تلفیق شوند تا هر دو گروه بتوانند قبل از ورود به دبستان و دوره‌های آموزشی رسمی تر و آموزش‌های آکادمیک، فعالیت‌های خلاق و مستقلانه‌ای را تجربه کنند. او به تلفیق و پیوند چند فلسفه آموزشی کمک کرد. عقاید و باورهایش تاکنون توانسته‌اند نقطه عطفی در فعالیت‌ها و تجارب آموزشی کودکانهای آمریکایی و دیگر کشورها به وجود آورند. تأسیس مدارس آزمایشگاهی یا "Laboratory Schools" در کالج معلمان کلمبیا در سال ۱۹۲۱ به همت وی صورت گرفت. اندیشه تربیت معلم نیز که توسط او مطرح شده بود، در اوایل قرن بیستم صورت واقعیت به خود گرفت.



**نهضت
اصلاح کودکانها**
که به همت پتی هیل پا گرفت،
سرانجام سبب تأسیس رشته آموزش
و پرورش در دانشگاه کلمبیا و سپس در
دانشگاه‌های دیگر شد. وی معتقد بود که
کلاس اولی‌ها و کودکان کستانی‌ها باید با هم
تلفیق شوند تا ...

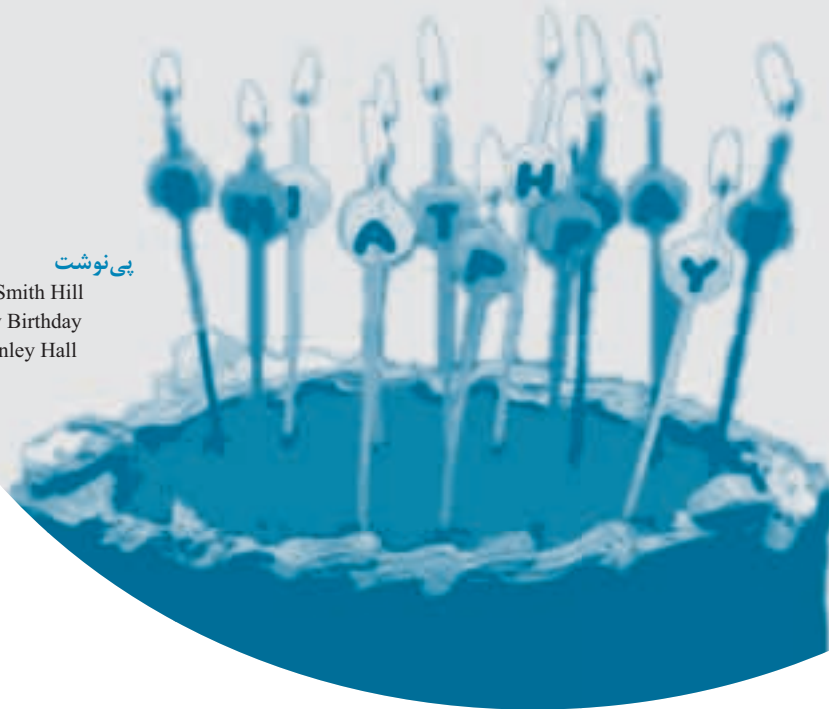
نهضت اصلاح کودکانها که به همت پتی هیل پا گرفت، سرانجام سبب تأسیس رشته آموزش و پرورش در دانشگاه کلمبیا و سپس در دانشگاه‌های دیگر شد. از آن پس، تربیت افرادی که خواهان خدمت در این آموزشگاه‌ها بودند، اهمیت شایسته‌ای یافت.

پتی اسمیت هیل^۱ (۱۸۶۸-۱۹۴۶)، فارغ‌التحصیل دانشکده تربیت معلم «دانشگاه کلمبیا»، یکی از نوآوران برجسته زمان خود و نیز یکی از رهبران توانای جنبش تعلیم و تربیت پیشرفته است. او بود که شعر معروف و جهانی «تولدت مبارک»^۲ را نوشت و انجمن آموزش و پرورش دوران اولیه (مهد کودک) را که امروزه با عنوان «انجمن ملی آموزش و پرورش خردسال» (NAEYC) شهرت یافته است، تأسیس کرد.

این خانم خلاق، ابتدا به شیوه فردریک فروبل آلمانی و پدر کودکان و روش سنتی وی تعلیم یافت. سپس با جی استانی هال^۳ که پدر مشاهدۀ علمی کودک لقب گرفته است، همکاری نزدیکی پیدا کرد. چندی نیز در کنار جان دیویی (آغازگر روش فعال) به کار مشغول شد. او طرفدار انتخاب آزادانه و برنامه درسی تلفیقی و مرتبط، در زمینه آموزش کودکان بود. هم‌چنین، کارهای فردریک فروبل را در زمینه «فعالیت‌های ماهیچه‌ای و ظریف» گسترش داد.

پی‌نوشت

1. Patty Smith Hill
2. Happy Birthday
3. G. Stanley Hall





پاسخ به دو پرسش مهم

من هیچ کس را نمی‌زنم

سر دبیر محترم رشد پیش دبستان

این جانب پسر پنج ساله‌ای دارم که در مقابل بزرگ‌ترها بسیار «سر و زبان» دارد و کم نمی‌آورد. اما در گروه هم‌سن و سالان خود، خیلی کوتاه می‌آید. اگر با بچه‌های دیگر درگیر شود، می‌ایستد و کتک می‌خورد و هیچ دفاعی از خود نمی‌کند. حتی از محل درگیری دور هم نمی‌شود. نمی‌دانم آیا تشویق کردن او به این که از خود دفاع کند، درست است یا نه. زمانی که به او می‌گویم از خودت دفاع کن، می‌گوید: «خودت می‌گفتی زدن بد است. من هیچ کس را نمی‌زنم.»

سلام به شما مادر عزیز

سؤال شما ابهاماتی دارد. منظور از «سر و زبان داری» چیست؟ «کم آوردن» و یا «کوتاه آمدن» هر کدام تعاریف عملیاتی خاصی دارند. در چه مواقعی و به خاطر چه چیزهایی زبان‌دار است و حرفش را می‌زند؟ کوتاه آمدن در مقابل هم‌سن و سالان و کتک خوردن، دوری از موقعیت‌های خطرناک و یا ضعف در دفاع از خود، جنبه‌های دیگری از رفتار و طرز برخورد کودک با مسائل اجتماعی محسوب می‌شوند.

با توجه به این که پسرتان پنج سال دارد. تصور می‌شود بیشتر با بزرگ‌ترها سرگرم است و ارتباط گفتاری بیشتری با آنها دارد. معمولاً کودکانی که با بزرگ‌ترها بازی می‌کنند و از کلمات، گفتار و رفتار آنها بهره‌مندند، کمتر با کودکان کوچک‌تر هم‌بازی می‌شوند و یا فرصت کمتری دارند که از یاری، مشارکت و یادگیری آنها بهره‌مند شوند. چنین کودکانی، بیشتر مقررات، قوانین و بکن و نکن‌های بزرگ‌ترها را یاد می‌گیرند و به اصطلاح با آنها راحت هستند. به ویژه این که بزرگ‌ترها - مثل پدر بزرگ و مادر بزرگ - کمتر خطاهای کودک را می‌بینند و به او فرصت می‌دهند تا حرف بزند و مثل بزرگ‌ترها رفتار کند. از او انتظار رفتاری بالاتر از رفتار کودک پنج ساله دارند. کمتر بر او خرده می‌گیرند و برخلاف میل او رفتار نمی‌کنند.

البته مقصود این نیست که رفتار ما همیشه باید این‌طور باشد، ولی دوست داشتن بزرگ‌ترها باعث می‌شود کودک بپذیرد که با دیگران نیز می‌شود چنین رفتار کرد. در نتیجه، از برخورد و واکنش کسانی که خارج از خانه هستند، دچار تعجب می‌شود. انتظار دارد آنها هم مثل اطرافیان بزرگ‌ترش، بر رفتار هایش صحنه بگذارند. در هر حال، به کودکان باید فرصت

داد که با هم‌سن و سالان و هم‌دیفان خود، چه حول و حوش خانه، چه در زمین بازی و چه در همسایگی و نزد دوستان و آشنایان، بیشتر هم‌بازی و هم‌صحبت شوند. زیرا در این صورت می‌تواند افت و خیزهای خود را ببیند، قهر و آشتی داشته باشد، قوت و ضعف خود را تجربه کند و حرفش را بزند.

ویژگی ضعف در دفاع از خود گاه به قلدری طرف مقابل هم مربوط است. لزوماً آن‌هایی که کتک می‌خورند و یا آن‌هایی که کتک می‌زنند، بچه‌های مشکل‌داری نیستند. بلکه یکی یاد گرفته است که حق خود را بگیرد و به هر وسیله‌ای متوسل شود تا دیگران را کنار بزند و دیگری یاد گرفته است که در مقابل قدرت و قوت به اصطلاح شما کوتاه بیاید و واکنش حق‌جویانه‌ای نشان ندهد. هر دو به کمک نیاز دارند.

در مورد فرزند شما، باید بگویم تجربه بازی و ارتباط با کودکان کوچک‌تر و نیز هم‌سن و سال را باید بیشتر به او بدهید. بگذارید خودش از پس مشکلات و دشواری‌های ارتباطی (به شرط بی‌خطر بودن) خود برآید. به او اعتماد به نفس بیشتری بدهید و توانایی‌هایش را بالا ببرید تا خود را کودکی توانا که کارهای زیادی بلد است، قابلیت‌های زیادی دارد و دیگران می‌توانند روی او حساب کنند، بشناسد. مطمئن باشید کودکان توانا و با اعتماد به نفس مثبت که می‌توانند روی پای خود بایستند، کمتر در مقابل دیگران دشواری پیدا می‌کنند.

نکته دیگر این که دفاع از خود لزوماً به معنای زدن و قلدری نسبت به طرف مقابل نیست. بلکه در این سن، توانایی کودکان پسر در بازی‌ها و مهارت کنترل هیجانات، باعث دوستی و مهرورزی بیشتر می‌شود و ضعف‌ها را کم می‌کند. به او یاد دهید که کنار کشیدن از صحنه و یا به اصطلاح کوتاه آمدن و یا پناه بردن به بزرگ‌ترها هنگام مشکلات، لزوماً راه چاره نیست، بلکه می‌تواند به راه‌های دیگری متوسل شود، مثل بازی با کودکانی که قابلیت‌هایی مشابه او دارند. در ضمن حتماً باید به او یاد بدهید که مهارت‌های شخصی، مثل انجام کارهای خود، مشارکت کردن و البته در موارد حاد مقابله به مثل کردن و یا گزارش دادن به بزرگ‌ترها را فراموش نکند.

ضمناً نصیحت شما، که «زدن عملی بد است»، کاملاً درست بوده است. سعی کنید حتماً در مواردی که ذکر کرده‌اید، جوابی مسئله‌شوید و نقاط ضعف و قوت کودک خود را بشناسید. هر چه کودکان توانا تر باشند، مطمئن باشید از نظر گفتاری، ارتباطی و دوست‌یابی مشکل کمتری خواهد داشت. با



طبق روال گذشته، سردبیر مجله پاسخ‌گوی سؤال‌های شما خوانندگان عزیز در این صفحه است. ضمن تشکر از طرح سؤال‌های خوب شما، هم‌چنان منتظر سؤال‌های شما در زمینه‌ی کودک، خانواده، مراکز پیش از دبستان و مسایل و مشکلات در این موارد هستیم.

بهبتر است، در این مواقع او را به سمت مطلب، کار و یا فعالیت دیگری ببرد؛ بدون این که او را سرزنش کنید و گناهکار بدانید، ضمناً بازی‌هایی از نوع نقاشی دست و پا، کشیدن دور خطوط دست و پاها، روی مقوا و کاغذ بزرگ و مقایسه آن با نقاشی دست و پای خودش، می‌تواند هم کنجکاوی او را راضا و هم به نوعی در کاری مثبت و در جهت علاقتش هدایت کند. اما هرگز فکر نکنید که کودکان در این سن به رشد جنسی، آن‌چنان که مورد نظر شماست، دست می‌یابند، بلکه معصومیت و بی‌آلایش بودن رفتارهای کنجکاوانه آن‌ها، حاکی از روحیه پژوهشگر آن‌هاست.

نگاه منفی به کودک در این مواقع و گناهکار دانستن او در این سن، محرک رفتار نابخردانه بیشتر خواهد بود. می‌توانید او را به موزه‌های انسان‌شناسی، شناخت حیوانات و دیدن مجسمه‌های بزرگ و تصاویر جالب از انسان‌ها ببردید و به صورت ساده، تغییر و تحول رشدی اندام‌ها، مثل دست و پا، سرو صورت را به او یاد آور شوید. در مورد سؤال آخرتان، هرچند پاسخ در مطالب گفته شده آمده است، ولی روشن‌تر عرض کنم که هرگونه واکنش پیش از موعد، نشان از گشودن در به راه نادرست دارد. بنابراین مشغول نگه داشتن فکرو دست و جلب کردن توجه او به مسائل مورد علاقه فکری، بازی‌ها و سرگرمی‌ها، به‌همراه دوستان و هم‌سالان، می‌تواند او را به سمت و سوی رفتارهای مورد انتظار سوق دهد. قصه‌گویی و داستان خوانی و تشویق او به فعالیت‌های ورزشی مثل فوتبال، نقاشی و کار دستی، معمولاً تأثیر خاص و جالبی دارد.

به هر حال سعی کنید، نسبت به توجه غیرعادی او به اندام‌های بزرگ‌ترها خشن نباشید و یا رفتار او را در نظر وی بد و گناه‌آلود جلوه ندهید. می‌توانید از اسکلت دست و پا که در وسایل کمک آموزشی موجود است، کمک بگیرید و درباره استخوان‌ها، تغییر در حرکات و یا کارکرد آن‌ها با او صحبت کنید و توجه او را به سمت پروژه‌های علمی با عنوان شناخت اندام‌های بدن به نحو ساده و در حد و توان و شناخت وی رهنمون شوید. مهم این است که خودتان اضطراب نداشته باشید و واکنش تند و یا ناراحت‌کننده‌ای نشان ندهید. مادر عزیز! مطمئن هستیم که کودک شش ساله شما، با ورود به مدرسه و تغییر علائق خود، شما را خوش حال خواهد کرد و به عقیده من، مشکل خاص و نگران‌کننده‌ای ندارد.

گذشت زمان و بزرگ‌تر شدن، کودکان مهارت ارتباط با دیگران را در مدرسه و اجتماع به نحو بهتری یاد می‌گیرند و به مفهوم مقررات و قوانین و اجتناب از دیگر آزاری پی می‌برند.

کودکان روحیه پژوهشگری دارند

سردبیر محترم رشد پیش دبستانی
پسری شش ساله دارم که از ۴-۳ سالگی، به بعضی از اندام‌های جنس مخالف (ترجیحاً بزرگ‌ترها)، مثل دست و پا علاقه نشان می‌دهد و حتی دوست دارد آن‌ها را لمس کند. سؤال من این است که: آیا در این سن غریزه جنسی در کودکان رشد کرده است یا نه؟ و اگر چنین است، چگونه باید با پسر م بر خورد کنم؟

مادر عزیز و گرامی

کودکان از سن سه سالگی، معمولاً کنجکاوی زیادی نسبت به همه امور از خود نشان می‌دهند، دوست دارند به همه جا سرک بکشند و از همه چیز سردر آورند. گاه دیدن، شنیدن و تجربه کردن بعضی از امور آن‌ها را به وجد می‌آورد و تکرار آن‌ها باعث تقویت رفتارشان می‌شود. شناخت خود به عنوان یک دختر و یا پسر و اصولاً تفاوت بزرگ‌ترها به صورت زن و مرد، رویداد جدیدی است که از این سن توجه آن‌ها را جلب می‌کند. سؤالات کنجکاوانه‌ای نیز در این ارتباط می‌پرسند:

- چرا شما دامن می‌پوشید، ما شلوار؟
- چرا او موهایش بلند است و من کوتاه؟
- می‌شود من هم با شما به آن جا بیایم؟ (مثلاً توالت یا جای

دیگری که پسران مجبور است با پدرش برود).

یعنی کودکان در نوعی ابهام و تشنگی برای شناخت به سر می‌برند. بنابراین، کنجکاوی پسران تا جایی که توجه اطرافیان را در رابطه با جنس دیگر چندان جلب نکند، هم مشکل‌زا نیست. ولی باید عرض کنم که روش و شیوه برخورد شما در این مواقع در تثبیت، تقویت و یا کاهش و هدایت رفتار او، به مراتب تأثیرگذارتر است. شما در این‌گونه مواقع چه می‌کنید؟ توجه به اندام‌های جنس مخالف و یا دست و پا، البته گاهی در کودکانی که بیش فعال و اوتیستیک (در خود فرومانده) هم هستند دیده می‌شود و کارکرد این اندام‌ها، به آن‌ها روحیه کار و فعالیت و حرکت را می‌دهد. ولی مطمئناً فرزند شما چنین دشواری را ندارد.

معصومیت
و بی‌آلایش
بودن رفتارهای
کنجکاوانه
کودکان، حاکی از
روحیه پژوهشگر
آن‌هاست

معمای چسبی

برای کودکان ۵ و ۶ سال

الهام وفايي نژاد
کارشناس ارشد و مدرس دانشگاه علمی - کاربردی

وسایل لازم:

• تصویر مجلات یا نقاشی های خود کودکان و یا تصاویر هنری

• گوناگون

• قیچی

• پونز

• مقداری پوستر یا کاغذهای کلفت دیگر مثل جعبه شیرینی و غیره

• چسب



فرایند کار

۱. یک تصویر از مجله و یا برگه نقاشی کودکان و یا هر تصویر هنری دیگری را برای درست کردن معما (پازل) انتخاب کنید
۲. تصویر یا نقاشی را به صورت اشکال هندسی ساده و یا نوار مانند قیچی کنید.
۳. تکه های بریده شده را روی پوستر یا مقوای کلفت به همان نظمی که در تصویر مورد نظر وجود دارد، قرار دهید.
۴. هر تکه از تصویر بریده شده را با استفاده از چسب روی پوستر بچسبانید، ولی بین دو قطعه کمی فاصله و یا جای خالی بگذارید.
۵. تصویر کامل شده به علت وجود فاصله ها، نوعی خطای چشمی پدید می آورد.

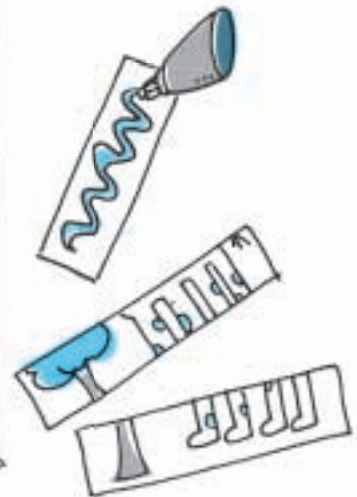
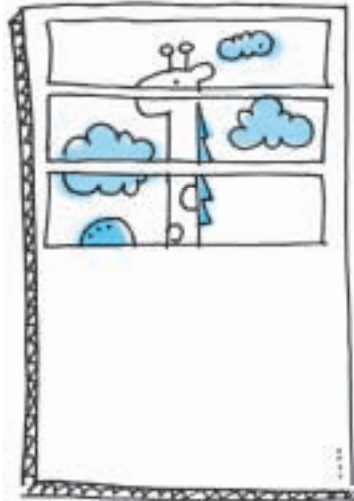


راه های دیگر انجام کار

می توانید تصویر کامل و نبریده را روی یک پوستر و یا مقوای کلفت بچسبانید و بعد از خشک شدن، آن را به صورت تکه های نوار مانند یا بزرگ و ساده ای ببرید تا پازل تصویری درست شود.

نکته قابل توجه

چنانچه هنرمند خردسال شما بخواهد از تصاویر و یا نقاشی های خود، پازلی درست کند و آن را به قطعات متعدد قیچی کند، ابتدا برای او توضیح دهید که توجه داشته باشد قطعات بریده شده را بعداً نمی تواند به شکل اول درآورد و انتظار نداشته باشد که عیناً مانند اول شود.



رنگ و چاپ



فرایند کار هنری

۱. یک دسته حوله کاغذی خیس شده را در یک سینی یا ظرف لبه‌دار قرار دهید.
۲. رنگ مایع را روی حوله‌های کاغذی پهن کنید تا یک قالب چاپ درست شود.
۳. هر شی یا وسیله‌ای را که آماده کرده‌اید، روی قالب چاپ (حوله کاغذی حاوی مایع رنگی) بگذارید و چندین مرتبه روی قالب فشار دهید. برای هر بار چاپ کردن شیء موردنظر، دوباره آن را بر قالب یادشده فشار دهید.

- وسایل لازم:
- حوله کاغذی
 - یک سینی یا ظرف لبه‌دار
 - رنگ مایع
 - وسایل و اشیایی برای چاپ کردن؛ مثل بادکنک‌های باد نشده، وسایل آشپزخانه، اسفنج، وسایل بازی و ...

راه‌های دیگر انجام کار

با استفاده از جوهر، رنگ غذا، رنگ‌های مایع مخصوص چاپ، یا رنگ کاغذ و پارچه نیز این کار را تجربه کنید. با این روش می‌توانید کارت دعوت، پوستر، کاغذ کادو، کاغذ دیواری و یا نظایر آن درست کنید. می‌توانید نخ‌های را دور لوله خالی کاغذ توالت و یا یک جعبه چوبی بچسبانید تا یک قالب چاپ نخ آویز درست شود.



نکته قابل توجه

کودکان و هنرمندان خردسال را تشویق کنید، به آرامی اشیای موردنظر را روی قالب و یا چاپگر خود فشار دهند. چون بعضی کودکان ممکن است فکر کنند که هرچه سخت‌تر و محکم‌تر وسیله را در رنگ و بعد کاغذ فشار دهند، اثر چاپی بهتری خواهند داشت که لزوماً این‌طور نیست.

ساختار سازمانی و برقراری ارتباطات انسانی مطلوب

مطالعات موردی در اداره بهینه واحدهای پیش دبستانی

مرتضی مجدفر

کلیدواژه‌ها: ساختار سازمانی، سازمان کار، ارتباطات انسانی.

اشاره

از شماره گذشته، انتشار مطالعات موردی در اداره واحدهای پیش دبستانی را با بهره گیری از تجربه‌های «مدیر کودکستان پویا»، خانم مریم نیک پرور آغاز کردیم. این سلسله مطالب به شکل روایی و از زبان مدیری با سابقه مطرح می شود. در این شماره خوانندگان مجله با ضرورت طراحی نمودار سازمانی و نیز سامانه چندوجهی ارتباطات انسانی آشنا می شوند.



ساختار یا نمودار سازمانی

یکی از موضوعاتی که از بدو ورودم به پیش دبستانی پویا با آن روبه رو بودم، تداخل وظایف کارکنان و یا پیروی نکردن آنان از دستوراتی بود که من یا برخی از کارکنان، به بعضی از نیروها اعلام می کردیم. مثلاً بارها پیش می آمد که خانم پیروی، معاون کودکستان، با برخی از مربیان بر سر این که پی گیری غیبت نوآموزان، وظیفه او یا همان مربی است، چالش داشتند. یا خانم اخلاقی، خدمت گزار سال های اولیه مدیریتم در کودکستان پویا، دستورات خانم پیروی را اجرا نمی کرد و معتقد بود، خدمت گزار و سرایدار باید زیر نظر مدیر کودکستان کار کنند و خانم معاون، چون خودش زیر نظر مدیر کار می کند، نمی تواند به آن ها دستور بدهد.

وقتی پی گیر وجود نمودار سازمانی کودکستان شدم، خانم پیروی خندید و گفت: «خانم! این چیزها مربوط به سازمان های بزرگ و چندصد نفری است. ما کلاً ۲۰-۱۰ نفر بیشتر نیستیم، نمودار سازمانی دیگر چه صیغه ای است؟» سال ها بعد، خانم پیروی به من گفت که آن موقع، در دلش به ساده بودن

من خندیده و حتی مرا مسخره کرده بود. در جواب گفتم: «بالاخره باید جایگاه، وظیفه و ارتباط با افراد داخل کودکستان به درستی مشخص شود و باید ببینیم هر کدام چه کارهایی را باید انجام دهیم.» سپس با گفت و گوهایی که با خانم پیروی و مربیان و کمک مربیان و نیز سایر کارکنان، از جمله سرایدار، خدمت گزار، مربی بهداشت، دفتردار و ... انجام دادم، متوجه تفاوت اساسی بین «سازمان کار» و «ساختار سازمانی» شدم. منظور از ساختار سازمانی، نحوه تقسیم مسئولیت ها و تعداد سطوح تصمیم گیری در سازمان و یا به بیان دیگر، نمودار سازمانی است. در حالی که سازمان کار، معرف نحوه انجام فعالیت و گردش کار در درون سازمان است. ساختار سازمانی را می توان مبتنی بر وظیفه گرایی و یا فرایندهای موجود در سازمان طراحی کرد. البته این تفکیک در سازمان های کوچکی مانند کودکستان پویا میسر نیست و می توان آن را در هم تنیده طراحی کرد. پس از گفت و گوهای فراوان و مطالعاتی که داشتم، نمودار سازمانی کودکستان پویا را به صورت نمودار ۱ ترسیم کردم.

سپس شرح وظایف هر یک از کارکنان را با توجه به ابلاغیه هایی که از کارگزینی اداره گرفته بودم و نیز با پرس و جو از خود افراد و مراجعه به کتاب های معتبر علمی در این زمینه، تدوین کردم. با توجه به این که کودکستان پویا، اساساً کودکستان بود و مهدکودک با سه کلاس جدا، بعداً و با اصرار اهالی محل و مربیان به آن اضافه شده بود، در وضعیت موجود آن وقت ها، در کودکستان پویا مشاغل مندرج در جدول شماره ۱ وجود داشت:

به این شکل، در کودکستان پویا ۲۳ نفر در ۱۵ شغل مشغول به کار بودند. بنابراین باید برای ۱۵ شغل، شرح شغل و سازمان کار می نوشتیم. این کار را انجام دادم و روی مقوای بزرگی، نمودار سازمانی کودکستان را طبق آن چه که در نمودار ۱ می بینید، با ذکر عنوان شغل ها، نام افرادی که در هر شغل مشغول به کار بودند و نیز چسباندن عکس هر یک از کارکنان، ترسیم کردم. در کنار نمودار هم، روی ۱۵ نیم ورقه کوچک شرح وظایف ۱۵ شغل موجود در کودکستان و نیز چگونگی ارتباطات کارکنان با یکدیگر را نوشتیم و آن را

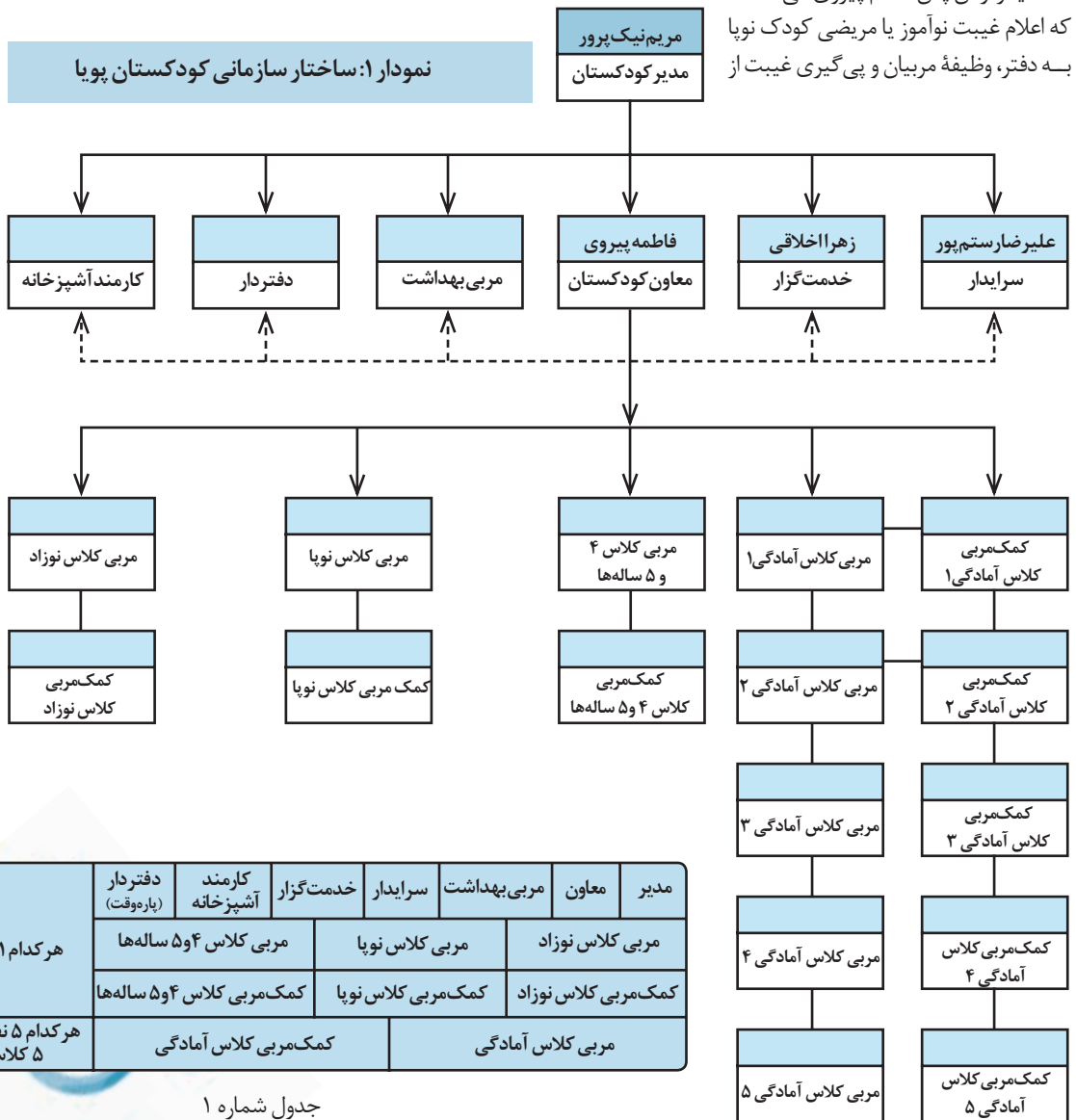
پرسش‌هایی برای بحث، گفت‌وگو و تبادل نظر

۱. آیا کار خانم نیک‌پرور در ترسیم نمودار سازمانی برای کودکستان کوچک پویا را تأیید می‌کنید؟ برای موافقت یا مخالفت خود، لافل سه دلیل را ذکر کنید.
۲. چگونه می‌توان مطمئن شد که شرح وظایف سازمانی و ارتباطات پیش‌بینی شده برای هریک از کارکنان در نمودار سازمانی، کاملاً اجرا می‌شود؟ چه راه‌کارهایی برای تحقق این موضوع پیشنهاد می‌کنید.

طریق خانواده و گرفتن اطلاع در مورد بیماری کودک وظیفه معاون کودکستان است. علاوه بر این، خدمت‌گزار و سرایدار هم متوجه شدند که به دلیل وجود ارتباط نقطه‌چینی در ساختار سازمانی، علاوه بر مدیر، معاون کودکستان هم می‌تواند به آن‌ها دستور بدهد. همچنین، آن‌ها با توجه به آن‌چه که در شرح وظایفشان نوشته شده بود، می‌دانستند که خواسته‌های مربیان و کمک‌مربیان را هم، صرفاً پس از هماهنگی با معاونت و یا مدیر کودکستان می‌توانند اجرا کنند.

روی دیوار دفتر نصب کردم. سپس جلسه‌ای با همه افراد شاغل برگزار کردم و ضمن صحبت درباره نمودار سازمانی کودکستان، اجزای گوناگون آن، وظایف هر یک از افراد و چگونگی ارتباطات کارکنان با یکدیگر را توضیح دادم. البته به همه گفتم که این نمودار همیشه روی دیوار باقی خواهد ماند تا علاوه بر خودمان، مراجعه‌کنندگان هم، ما و شرح وظایف ما را بشناسند و از همه مهم‌تر برای تسهیل ارتباط، همه ما را از روی عکس‌هایمان بشناسند.

دیگر از آن پس، خانم پیروی می‌دانست که اعلام غیبت نوآموز یا مرضی کودک نوپا به دفتر، وظیفه مربیان و پی‌گیری غیبت از



جدول شماره ۱

۳. توجه به هنر و ورزش در واحدهای پیش دبستانی از ضروریات است. در نمودار سازمانی کودکستان پویا، هیچ نشانی از مربی هنر (اعم از نقاشی، سرود، کاردستی، قصه گوئی و ...) و مربی ورزش دیده نمی شود. خانم نیک پرور می گوید آن سالها از سوی ادارات آموزش و پرورش دقت، برای به کارگیری این افراد مجوز قانونی وجود نداشت. فرض کنید به شما اجازه داده می شود با استفاده از کمک های مردمی، برای کودکستان تحت مدیریت خود، مربی هنر و مربی ورزش به کار بگذارید. در این مورد، به پرسش های زیر پاسخ دهید:

- شرایط احراز پست مربی هنر و مربی ورزش چگونه باید باشد؟
 - جایگاه این افراد در نمودار سازمانی کودکستان کجا خواهد بود؟
 - ارتباط این افراد با معاون کودکستان چگونه خواهد بود؟
 - برای هر یک از این دو نفر، شرح وظایفی در حد ۱۰ بند بنویسید.

- حقوق پیشنهادی و دلیلتان برای پیشنهاد این رقم برای پرداخت به این دو فرد، چه میزان است؟
 - در صورت نبود مجوز برای به کارگیری این افراد، آیا با استفاده از توانمندی برخی اولیای متخصص در مقام دستیار مربی، بدون پرداخت وجه موافق هستید؟^۲

برقراری ارتباطات انسانی مطلوب در آموزشگاه

یادم می آید یکی از مباحثی که در بسیاری از دروس دوره کارشناسی مدیریت آموزشی بر آن تأکید می شد، توجه به تحقق ارتباطات انسانی مناسب در سطح واحدهای سازمانی بود. در دروس مدیریتی و تاریخچه این علم خواننده بودیم که پس از رکود مدیریت علمی و اندیشه های تیلور در اجرای اصول مدیریت علمی، مکتب دیگری پا گرفت که «نهضت روابط انسانی» نام داشت. در این مکتب، انسان و توجه ویژه به کرامت او، مورد عنایت قرار می گرفت و سعی بر این بود که

آدمها، نه به واسطه کاری که برای سازمانها انجام می دهند، بلکه به دلیل ذات انسانی خودشان تکریم شوند. در مباحث اسلامی و دینی هم بر رعایت «حق الناس» و لزوم پاسداشت ارزش انسانها براساس تقوا و قرب افراد به درگاه احدیت، مورد تأکید قرار گرفته است. بنا به نوشته محقق، آموزه های نهضت روابط انسانی و مطالعات هارتون، سالها قبل از بروز این مکتب، در بخشی از «صحیفه سجادیه» به وضوح خود را نشان داده است.^۳ به همین دلیل و با بررسی های متعدد به این نتیجه رسیدیم که اگر به دنبال برقراری ارتباطات انسانی مطلوب در کودکستان هستیم، باید یک **سامانه چهاروجهی ارتباطات انسانی مناسب** را در محل کارم پی افکنیم. این سامانه را به صورت نمودار ۲ برای خودم مفهومی کردم.

اداره امور کارکنان آموزشی

اصلاً به دنبال وزن دادن به نوع ارتباطات انسانی خودم نبودم، ولی لاجرم مشخص بود که من با بیست و چند نفری که در قسمت قبلی از آنها سخن گفتم، بیش از همه افراد ارتباط خواهم داشت. من مدیر این افراد بودم؛ آنها موظف به انجام وظیفه و مثلاً فرمانبرداری بودند و طبیعی بود که امکان چالش بین من و آنها وجود خواهد داشت. از این رو باید سعی می کردم به نوعی برای کارکنانم الگو باشم. تأسی به موازین اخلاقی، دستورات اسلامی و عرف جامعه می توانست در این راه به خوبی یاریگرم باشد. من باید معمولاً زودتر از همه به کودکستان می رفتم، در سلام دادن پیش دستی می کردم، غمخوار کارکنان خود می بودم، از مشکلات کارکنانم خبردار می شدم و حتی الامکان در رفع آنها می کوشیدم، با شادی های آنها شاد و با غمهایشان غمگین می شدم و در یک کلام سعی می کردم که آنها احساس کنند، همواره یک همراه در کنارشان دارند، نه فردی که به نوعی آقابالاسر و دستوردهنده محض است.

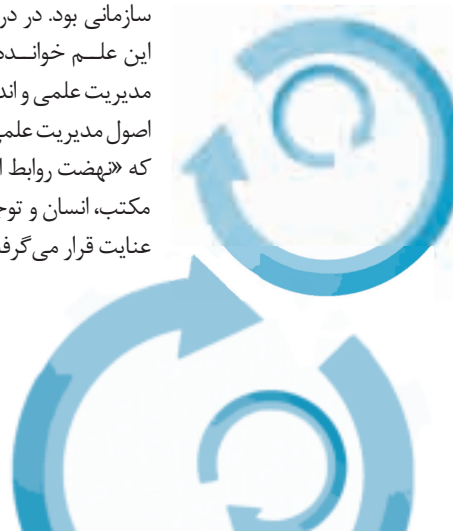
اداره امور کارکنان غیرآموزشی / دیگران

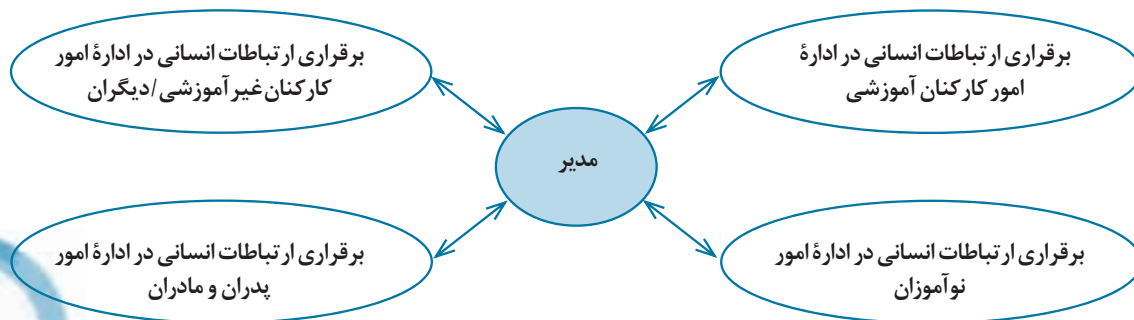
به غیر از کارکنان اصلی کودکستان، افراد دیگری هستند که به صورت مستقیم و غیرمستقیم با من و کارکنانم در ارتباطاند. از جمله این افراد می توان به رئیس، معاونان و کارشناسان اداره آموزش و پرورش محل استقرار کودکستان، مسئولان و کارکنان اداره کل آموزش و پرورش استان در زمینه پیش دبستانی، کارشناسان وزارتی و برنامه ریزان درسی اشاره کرد. هر چند میزان ارتباط مدیر یک کودکستان با این افراد، گستره ای از کم تا بسیار کم را در برمی گیرد، ولی به هر حال ممکن است با این افراد ارتباطاتی برقرار شود که باید کوشید این ارتباطات، انسانی و مبتنی بر احترام متقابل باشد.

علاوه بر اینها، با کارکنان بانکی که کودکستان در آنجا حساب بانکی دارد، با رانندگان آژانسی که بعضی وقتها کارکنان کودکستان از اتومبیل های آن برای آمد و شد استفاده می کنند، با کارکنان شهرداری محل، هنگامی که از آنها خدماتی می گیریم، با کارکنان شرکت های برق، آب، گاز و فاضلاب برای بعضی کارها و تماس های احتمالی و حتی با لوله کش و فنادی نزدیک کودکستان، به منظور تعمیر رادیاتورهای شوفاژ و خرید شیرینی برای جلسه انجمن اولیا و مربیان آموزشگاه، مجبور به ارتباط هستیم. باید سعی کنم از مدیر کودکستان برای این افراد، الگویی از یک مدیر موفق که ارتباطات انسانی خوبی با دیگران دارد، به نمایش بگذارم.^۴

اداره امور نوآموزان

شکل گیری شخصیت کودکان، از سال های حضور در کودکستان آغاز می شود. یکی از زمینه های اصلی رشد فردی در کودکان، توجه ویژه به ارتباطات انسانی، توأم با پرورش کرامت آنان است. اگر چنانچه مدیر خودش را برای قناد و لوله کش محل الگو بداند، بدیهی است که وظیفه اش در مقابل نوآموزان سنگین تر خواهد بود. از همان ابتدا بر این تصور بودم که





تحقق ارتباطات انسانی، بین مدیر و نوآموزان، تصادفی نیست و برای این کار باید برنامه‌ای داشته باشیم که می‌تواند از پیش‌دستی کردن من در سلام دادن به کودکان، برخورد محبت‌آمیز و استقبال گرم از آنان در بدو ورود به کودکستان تا پیش‌بینی برنامه‌هایی برای ایجاد ارتباطات انسانی سالم بین نوآموزان را دربرگیرد. درست است که در این زمینه نقش مربیان، از من افزون‌تر است، ولی به دلیل مدیر بودنم، طی یک سال تحصیلی برای برقراری ارتباطات انسانی مطلوب با نوآموزان، لااقل ۱۰ برنامه فهرست کرده بودم.

برقراری ارتباطات انسانی با پدران و مادران

ارتباط مدیر با پدران و مادران، در مقایسه با سه گروه دیگری که از آن‌ها نام بردم، کمتر، ولی تأثیرگذارتر است. اولیا، مدیر را نماینده همه کارکنان آموزشی کودکستان و نیز دست‌اندرکاران آموزش و پرورش می‌دانند. پدران و مادران، هنگام نام‌نویسی، روز اول شروع به کار کودکستان، در آمد و شدهای موردی برای تحویل دادن و پس گرفتن فرزندان، در مراجعات خاص برای پرس‌وجو کردن در مورد فرزندان و نیز جلسات ویژه‌ای که از طریق انجمن‌های اولیا و مربیان برای بررسی امور و یا آموزش خانواده‌ها تشکیل می‌شود، در معرض برقراری ارتباطات انسانی

با مدیر و مجموعه کارکنان هستند. پدران و مادران، بهترین مبلغ برای توسعه فعالیت‌های واحدهای آموزشی و نیز بهترین ابزار برای محک زدن رفتارهای ما در زمینه‌های گوناگون، از جمله توفیق در برقراری ارتباطات انسانی به‌شمار می‌روند. اهمیت برقرار کردن ارتباط صحیح انسانی با این گروه، به هیچ روی کمتر از سه دسته قبلی نیست.

سامانه چهاروجهی ارتباطات انسانی مناسب با افراد موجود در محله کارم را به شکل جدی برقرار کردم و سال در سال در کامل‌تر کردن برنامه‌های عملیاتی در محقق ساختن این سامانه موفق‌تر شدم.

پرسش‌هایی برای بحث، گفت‌وگو و تبادل نظر

۱. خانم نیک‌پرور معتقد است مدیر آموزشگاه، باید هنگام برقراری ارتباطات انسانی، عکس‌العمل‌هایی از خود بروز دهد که به نوعی نشانگر الگو بودن او در زمینه رفتاری باشد. آیا با الگو بودن مدیران برای کارکنان خود و سایر آموزشگاه‌ها موافق هستید؟ دلایل خودتان را بیان کنید.

۲. خانم نیک‌پرور می‌گوید: «به دلیل مدیر بودنم، طی یک سال تحصیلی برای برقراری ارتباطات انسانی مطلوب با نوآموزان، لااقل ۱۰ برنامه فهرست کرده بودم»، ولی از جزئیات فهرست چیزی نمی‌گوید. اگر جای

خانم نیک‌پرور بودید، چه برنامه‌هایی را برای برقرار کردن ارتباطات انسانی مطلوب با نوآموزان محل خدمت عملیاتی می‌کردید؟
۳. بسیاری از کلاس‌های آموزش خانواده و جلسات انجمن اولیا و مربیان که با حضور پدران و مادران برگزار می‌شود، به دلایل متعدد با استقبال روبه‌رو نمی‌شود. با استفاده از بحث ارتباطات انسانی بین مدیر و پدران و مادران، سرد بودن کلاس‌های آموزش خانواده و جلسات انجمن اولیا و مربیان را تحلیل کنید.

پی‌نوشت

۱. در این زمینه نگاه کنید به: الف) میرهادی، توران (۱۳۷۲). کتاب کار مربی کودک. شورای کتاب کودک. تهران ب) نیکوآقبال، علی‌اکبر (۱۳۸۰). برگزیده نظریه‌های سازمان و مدیریت. سمت. تهران.

۲. در زمینه تجربه سایر کشورهای جهان در خصوص بهره‌گیری از دستیاری اولیا در آموزش نگاه کنید به: قریشی، اکرم (۱۳۸۹). دستیار معلم. مجله رشد آموزش ابتدایی. شماره ۲ (پی‌درپی ۱۱۲). آبان ۱۳۸۹.

۳. سیاه‌پوش، سید محمد حسینی (۱۳۷۱). روابط انسانی در اسلام. انتشارات جامعه مدرسین. قم.

۴. در این زمینه نگاه کنید به: تورانی، حیدر (۱۳۸۸). واکنش محله، عضو مدرسه ماست! مجله رشد مدیریت مدرسه. شماره ۴ (۶۵ پی‌درپی). دی ماه ۱۳۸۸



انضباط بدون اشک!

نقش فعالیت‌های مربیان پیش دبستانی در انضباط فکری کودکان

نرگس کریمی
کارشناس ارشد پیش دبستانی

کلیدواژه‌ها: رشد اجتماعی، انضباط.

بستگی ندارند. مسئله مهم در نظر گرفتن شخصیت مربی و ابزار آن به نحو صحیح در برنامه‌های تربیت و پرورش کودکان پیش دبستانی است. خصوصیات شخصیتی مربی در برقراری ارتباط سالم با کودک که می‌باید ارتباطی گرم، دوستانه و محبت‌آمیز باشد، مؤثر است. اولین نکته‌ای که مربیان برای رسیدن به روش‌های آموزشی و کلاس‌داری مطلوب مدنظر قرار می‌دهند، نظم و انضباط است. انضباط به معنای نظم و ترتیب و سازمان‌دهی یا ایجاد شایستگی در کارها و سازمان‌هاست. این واژه در امر آموزش و پرورش برای رعایت مقررات خاص در کلاس و محیط‌های تحصیلی به کار می‌رود و از شاگردان می‌خواهند که از خود رفتار مطلوب نشان دهند.

هدف از انضباط آن است که کودک با قوانین و مقرراتی که فرهنگ یک گروه پذیرفته است، سازگاری کند و رفتار خود را با توقعات و خواسته‌های گروه اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، هماهنگ سازد. وقتی کودک نتایج خوب انضباط را در هر کاری درک کند، بسیار راحت می‌تواند پذیرای آن شود. مربی می‌تواند به جای تهدید کودکان و رفتار آمرانه با آنان، به گونه‌ای برخورد کند که کودک برای تغییر رفتار خود ترغیب و تشویق شود. پس از درک معنای انضباط توسط کودک، باید به دنبال راه‌هایی برای به وجود آوردن انضباط فکری در او باشیم. کودکان برای برخورداری از آموزش‌های دوران ابتدایی به نظم و انضباطی نیاز دارند که خانواده قادر به فراهم ساختن آن نیست. در دوره پیش دبستانی، مربیان ضمن به وجود آوردن ارتباط گرم و صمیمانه بین خود و کودک از طریق فعالیت‌هایی مثل بازی، خواندن شعر و سرود، قصه‌گویی، نقالی و ساخت کار دستی، به تدریج نظم و انضباط را در کودکان ایجاد می‌کنند. انضباط فکری در کودکان، آن‌ها را قادر می‌سازد دقایقی را به مطالبی که توسط مربی تدریس می‌شود، گوش فرا دهند، فعالیت‌های مربوط به مطالب آموزشی را انجام دهند و به تدریج، خود را با مقررات و انضباط در محیط‌های پیش دبستانی سازگار کنند.

مربیان پیش دبستانی، هنگام کوشش برای ایجاد انضباط فکری در کودکان، به توانایی‌های ذهنی و میزان آمادگی کودکان برای حضور در آموزش‌های پیش دبستانی پی می‌برند و کودکی را که در این زمینه

سال‌های آغازین زندگی کودک، یکی از مهم‌ترین دوره‌های رشد او به شمار می‌آید و آن چه در این دوران رخ می‌دهد، به طور اساسی بر رشد بعدی کودک اثرگذار است. از آن جا که اساس شخصیت فرد در دوره پیش از دبستان شکل می‌گیرد، محققان و صاحب‌نظران ارائه آموزش‌های اثربخش را در این دوران، برای رشد بعدی کودک بسیار مهم می‌دانند. اکثر مطالعه

و پژوهش‌ها نشان می‌دهند که محیط خانواده پاسخ‌گوی رشد اجتماعی کودک بعد از چهارسالگی نیست و کودکان در این سن، به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی نیاز بیشتری دارند. حضور در محیط‌های پیش دبستانی این امکان را به آن‌ها می‌دهد که با کودکان هم‌سن و سال خود ارتباط بگیرند و به تدریج مهارت‌های اجتماعی لازمی را برای برقرار روابط اجتماعی به دست آورند.

یکی از اهداف دوره پیش دبستان، تقویت قوای جسمی و حرکتی کودک است که تطابق این دو جهت به ایجاد توانایی‌های لازمی برای یادگیری، و دقت و مهارت در مشاهده دقیق و عمیق در محیط مشاهده به معنای وسیع آن کمک می‌کند.

از طرف دیگر، بسیاری از متخصصین تعلیم و تربیت توجه خاصی به ویژگی‌ها و نقش مربیان مراکز پیش دبستانی دارند. آن‌ها به مربیان به عنوان الگوهای تربیتی مورد علاقه کودکان ارجح می‌نهند، نقش آنان را احساس تلقی می‌کنند و معتقدند که مربیان باید به راحتی با کودکان ارتباط برقرار سازند. به علاوه، مربیان باید تا حدودی با روان‌شناسی کودک آشنا باشند، ظاهری آراسته در عین حال ساده داشته باشند، به حرفه و کار خود علاقه‌مند باشند و از اعتماد به نفس و صبر و حوصله کافی برای کار با کودکان برخوردار باشند.

روشن است که مربیان روش‌های آموزش و کلاس‌داری را می‌دانند، اما جنبه‌های ارتباطی آموزش، به روش‌های آموزشی و کلاس‌داری

در دوره پیش دبستانی، مربیان ضمن به وجود آوردن ارتباط گرم و صمیمانه بین خود و کودک از طریق فعالیت‌هایی مثل بازی، خواندن شعر و سرود، قصه‌گویی، نقالی و ساخت کار دستی، به تدریج نظم و انضباط را در کودکان ایجاد می‌کنند

دوره مربیان هستند؛ مربیانی آگاه و توانمند که کودکان را دوست دارند. آموزش و پرورش پیش دبستانی برنامه‌ای «کودک محور» و منطبق بر بازی و فعالیت‌های کودکان است. همان‌گونه که در طراحی آموزشی و جدول بندی زمانی در برنامه‌ها هم مورد تأکید قرار می‌گیرد، برنامه‌ها نسبت به نیازهای کودکان انعطاف پذیرند. در برنامه‌های آموزشی کودکان پیش دبستانی، ایجاد انضباط فکری، یعنی نظم و انضباط ذهنی لازم برای یادگیری مطالب درسی، از وظایف اساسی مربیان است.

منابع

۱. کول، وینتا. برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان. ترجمه فرخنده مفیدی. انتشارات سمت. تهران. چاپ نهم. ۱۳۸۰.
2. www.persinv.com/84892.php
3. www.mahdmakki.mihanblog.com/post/6

ناتوان هستند، شناسایی می‌کنند.

پیش دبستانی پلی است که کودک را به مدرسه ارتباط می‌دهد. دوره پیش دبستانی نحوه ارتباط با مربیان را به کودک می‌آموزد و به او یاد می‌دهد، چگونه با بزرگ‌ترها ارتباط بگیرد. در دوره پیش دبستانی، کودک با هم‌سالانی از تمام اقشار جامعه ارتباط برقرار می‌کند. در این دوره، که امروزه نقش مثبت خود را بیش از پیش نشان می‌دهد، کودک می‌آموزد، نقاشی می‌کشد، قصه می‌گوید و حتی ایفای نقش می‌کند. گذراندن دوره ۹ ماهه پیش دبستانی، کودک را آماده می‌کند که با مربی خود ارتباط برقرار کند. زیرا نخستین مکان نیمه رسمی که کودک پس از جداشدن از خانه و خانواده به آن وارد می‌شود و حضور در فضای جدید را تجربه می‌کند، این دوره است. کودکان نیازمند محیط‌هایی هستند که به قابلیت‌های عاطفی و اجتماعی آنان غنا بخشند و آن‌ها را تقویت کنند. رکن اساسی آموزش کودک در این



کلید واژه‌ها: آموزش و پرورش پیش دبستانی، سازگاری اجتماعی، پیشرفت تحصیلی، دو زبانی.

پیش دبستانی را به عنوان پایه رسمی دوره ابتدایی سرعت بخشند.

● در مناطقی که امکان ایجاد کلاس‌های پیش دبستانی وجود ندارد، به جای معلمان ابتدایی، از مربیان پیش دبستانی برای برگزاری دوره یک ماهه آمادگی تابستان استفاده شود. در غیر این صورت به معلمان آموزش‌های لازم در این خصوص داده شود.

● با توجه به نتایج این تحقیق مبنی بر تأثیر دوره پیش دبستانی بر یادگیری دروسی مانند فارسی که با زبان بیوند بیشتری دارند و تأثیر زیاد یادگیری زبان فارسی بر یادگیری سایر دروس، شایسته است در مناطق دو زبانه اولویت بیشتری برای تأسیس مراکز پیش دبستانی قائل شوند.

این پژوهش به راهنمایی دکتر علیرضا عصاره و مشاوره دکتر غلامعلی احمدی از دانشگاه شهید رجایی به انجام رسیده است.

شرکت کننده در آموزش‌های پیش از دبستان با دانش آموزان فاقد این تجربه، در متغیرهای سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی تفاوت معنادار وجود دارد.

● دانش آموزان پسر دو زبانه پایه اول پیش دبستان رفته، نسبت به دختران از سازگاری اجتماعی بیشتر و پیشرفت تحصیلی بالاتری برخوردارند.

● تفاوت میانگین نمرات پیشرفت تحصیلی درس فارسی نسبت به سایر دروس معنادار تر است.

بر اساس نتایج این پژوهش پیشنهاد شده است:

● با توجه به نتایج فرضیه‌های این تحقیق مبنی بر تأثیر آموزش‌های پیش دبستانی بر پیشرفت تحصیلی و سازگاری اجتماعی دانش آموزان دو زبانه، شایسته است وزارت آموزش و پرورش سراسری کردن دوره

پژوهش حاضر به بررسی تأثیر آموزش و پرورش پیش از دبستان بر پیشرفت تحصیلی و سازگاری اجتماعی دانش آموزان دو زبانه (ترک زبان) پرداخته است. برای اندازه‌گیری سازگاری اجتماعی از پرسشنامه تحصیلی محقق ساخته استفاده شد. روش انجام پژوهش علمی - مقایسه‌ای و جامعه آماری شامل دانش آموزان دو زبانه پایه اول شهرستان «خدابنده» در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ بود که از بین آنان، ۶۰ دختر و ۶۰ پسر که از هر کدام، ۳۰ نفر پیش دبستان رفته و ۳۰ نفر پیش دبستان نرفته بودند به صورت تصادفی خوشه‌های چندمرحله‌ای به عنوان افراد نمونه تحقیق، انتخاب شدند. داده‌های حاصله با استفاده از شیوه‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی تجزیه و تحلیل شدند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد:

● بین دانش آموزان دو زبانه پایه اول

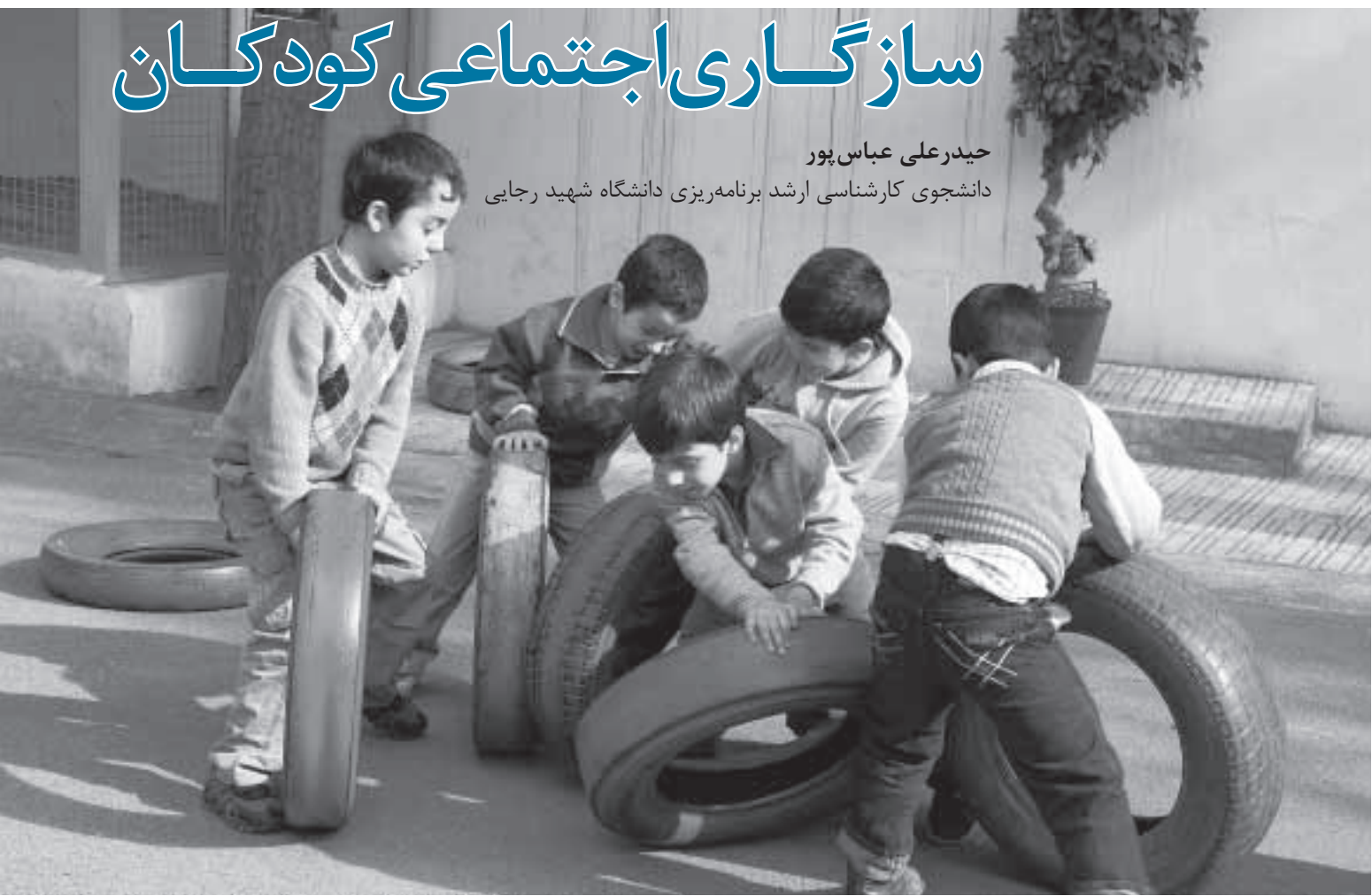
بررسی تأثیر آموزش و پرورش پیش از دبستان

بر سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دو زبانه دختر و پسر پایه اول ابتدایی

سازگاری اجتماعی کودکان

حیدرعلی عباس پور

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی دانشگاه شهید رجایی



فواید غذا خوردن دسته جمعی دور از تلویزیون

ترجمه معصومه شاگردی



کلید واژه‌ها: رژیم غذایی، غذا خوردن، تلویزیون.

موضوع که تمایلی به خوردن سبزی و میوه نشان می‌دهند یا نه، بررسی شد. در مجموع چنین نتیجه گرفته شد که بیشترین مقادیر استفاده از میوه و سبزی، شب‌ها و موقع شام خوردن کنار خانواده بوده است. کاهش تمایل به میوه و سبزی‌ها با تعداد شب‌هایی که تلویزیون روشن بود، ارتباط مستقیم داشت. کارشناس دیگری به نام باربارا دنیسون^۱ می‌گوید: «هنگام غذا خوردن راه‌های زیادی وجود دارد تا تلویزیون روشن نباشد.»

نتیجه تربیتی یک پژوهش علمی

مسئولیت والدین در غنی کردن اوقات فرزندان قابل اغماض نیست. وقتی در حین غذا خوردن، تمرکز ما روی برنامه تلویزیونی است، به آن چه می‌خوریم توجهی نداریم. این کار تنها به معنی نداشتن ارتباط با یکدیگر نیست، بلکه ناسیاسی است نسبت به غذایی که در حال خوردن آن هستیم.

پی‌نوشت

1. Taub Dix
2. American Dietetic Association
3. Barbara Danison

www.babycenter.com

منبع

می‌گذرانند، رژیم غذایی کم‌ارزش‌تری را هم انتخاب می‌کنند. در حالی که غذا خوردن دسته جمعی در کنار خانواده می‌تواند عادت‌های غذایی بهتری را در کودکان ایجاد کند. چاقی بیمارگونه‌ای که امروزه شاهد آن هستیم، نه فقط ناشی از کاهش فعالیت‌های فیزیکی به خاطر تماشای تلویزیون است، بلکه حاصل این آشفتگی است که فرد نمی‌داند چه قدر می‌خورد!

بچه‌ها

در سنین پیش از دبستان، هر چه زمان بیشتری را پای تلویزیون می‌گذرانند، رژیم غذایی کم‌ارزش‌تری را هم انتخاب می‌کنند

جامعه آماری

در مطالعه‌ای که در برنامه‌ای به نام «تغذیه ویژه زنان در نیویورک» انجام شد، بیش از ۱۳۰۰ نفر از والدین و پرستاران کودک شرکت داشتند. جامعه آماری کودکانی بودند که از نظر تعداد روزهای با هم غذا خوردن و هم‌زمان چند بار تلویزیون تماشا کردن، باهم مقایسه می‌شدند. هم‌چنین این

یافته‌های پژوهشی هر روز و هر ساعت دگرگون می‌شوند، اما هیچ تحقیقی دوری اعضای خانواده‌ها را از هم تأیید نمی‌کند. اگر کنار هم هستید و به وعده‌های لذیذ غذایی می‌اندیشید و البته از چاقی هراس دارید، تلویزیون را خاموش کنید. یک یافته جدید پژوهشی می‌گوید: «فواید و لذت غذا خوردن دسته جمعی با تلویزیون از بین می‌رود.» این پیام یک مطالعه جدید برای خانواده‌هایی است که دارای فرزند، به ویژه در سن پیش‌دبستانی هستند و هنگام میل کردن غذا به صفحه این نمایشگر سحرآمیز خیره می‌شوند.

توب‌دکس^۱، کارشناس تغذیه در نیویورک می‌گوید: «در این زمانه، شما باید بین تلویزیون و چیزهای دیگر یکی را انتخاب کنید.» متخصص تغذیه دانشکده‌های نیویورک نیز اظهار می‌دارد: «وقتی هنگام غذا خوردن تلویزیون روشن است، افراد کماکان به تنهایی غذایی خورند. اما بدانید، تأثیر مثبتی که خوردن غذا و داشتن ارتباطات خانوادگی روی کیفیت غذا دارد، باور نکردنی است.» گزارش این مطالعات که در مجله «انجمن رژیم آمریکا»^۲ به چاپ رسیده است، نشان می‌دهد: «بچه‌ها در سنین پیش از دبستان، هر چه زمان بیشتری را پای تلویزیون

آموختن شیوه زندگی سالم از دوران کودکی آغاز می‌شود. برای بسیاری از کودکان، نیاز به آموختن ایمنی و بهداشت خیلی زود مطرح می‌شود. طبق آمار «صندوق دفاع از کودکان»، هر روز تقریباً ۳۳ کودک به دلیل آسیب‌های غیر عمدی می‌میرند و ۳۸۳ کودک به دلیل جرائم ناشی از الکل و مواد مخدر دستگیر می‌شوند.

می‌توان با تلفیق عادات ایمنی و بهداشتی با یک برنامه آموزشی ساده و طبیعی و با شیوه‌ای ملاطفت‌آمیز و به دور از تهدید، از آسیب‌ها و شیوه‌های نادرست زندگی که کودکان را احاطه کرده است، از همان روزهای طفولیت پیش‌گیری کرد. غنی‌سازی برنامه‌های آموزشی با مطالب بهداشتی مرتبط، علاوه بر در نظر گرفتن نیازهای روزانه هر کودک، کمک می‌کند که کودکان عاداتی را یاد بگیرند که ممکن است روزی زندگی‌شان را نجات دهد. از آن‌جا که کیفیت مطلوب کلاس‌های خردسالان بستگی به والدین دارد، گنجاندن آموزش بهداشت در برنامه درسی، تأثیر مثبتی روی زندگی خانوادگی کودکان خواهد داشت.

به دلیل وجود صدها مقاله بهداشتی مرتبط، ممکن است مشکل باشد که بدانید چه نوع آموزشی برای کودکان مناسب است. کودکان نیاز دارند، مهارت‌هایی را یاد بگیرند و تمرین کنند که مستقیماً روی زندگی روزانه آنان تأثیر دارد. برای مثال، کودکان باید مهارت‌های خودباری، همچون مسواک‌زدن، دست شستن، انتخاب غذاهای مغذی و لباس پوشیدن را تمرین کنند. همراه با آموختن این مهارت‌ها کودکان باید بدانند که چرا آن‌ها را می‌آموزند. دانستن این دلیل، کمک می‌کند که کودکان مهارت‌های بهداشتی را به دیگر شرایط خاص در زندگی‌شان تعمیم دهند. اطلاعات مرتبط دیگر، همانند پیش‌گیری از سوختگی، مسمومیت و ایمنی در عبور و مرور، کمک می‌کند که کودکان در شرایط خطرناک زندگی، توانایی تصمیم‌گیری صحیح را به دست آورند.

آموزش‌های بهداشتی قسمت دیگری از رشد کودکان را تقویت می‌کند. برای مثال، کمک به کودکان برای درک مفاهیم بهداشتی، رشد شناختی آن‌ها را نیز تقویت می‌کند. حق انتخاب مواد مغذی



و اشتهاآور و نوع غذا و میان وعده‌ها، آن‌ها را در تصمیم‌گیری ماهر می‌سازد و اختیارات بهداشتی را ارتقا می‌بخشد. آشنایی با کلمات بهداشت و ایمنی، مانند دندان‌پزشکی، میکروب، کلاه ایمنی و طعم غذا، باعث رشد و افزایش دایره لغات می‌شود. همچنین، فعالیت، بازی و پرورش ماهیچه‌ها، رشد فیزیکی و سلامت کودک را ارتقا می‌بخشد. به این معنی که مسواک زدن دندان‌ها، به همان نسبت که انگشتان و ماهیچه‌های حرکتی کوچک را تقویت می‌کند، در نحوه نوشتن آن‌ها نیز در آینده مؤثر خواهد بود.

یکی دیگر از مزایای ارتقای بهداشت در دوران کودکی این است که کودکان در تصمیم‌گیری و تمرین مهارت‌هایشان احساس قدرت می‌کنند. این افزایش استقلال به اعتماد به نفس و خودباوری آن‌ها کمک می‌کند و رشد اجتماعی و هیجانی مثبت را در پی دارد. آموزش بهداشت نمی‌تواند از طریق «گفتن» درباره بیماری و بهداشت به کودکان و یا از طریق آموزش یک موضوع خاص، یا مباحث تکراری و یا از طریق یادگیری اتفاقی به نتیجه مطلوب برسد.

در آموزش بهداشت مؤثر کودکان، آن‌ها نیاز دارند مفاهیم را درک کنند، به تمرین مهارت‌ها بپردازند و ابزار ذهنی لازم را رشد دهند. فعالیت‌های عملی و وسایل موجود در محیط یادگیری برای کمک به آموزش بهداشت، اهمیت زیادی دارند. یک شیوه عالی برای این که آموزش بهداشت به صورت یادگیری طبیعی ارائه شود، چیدمان کلاس با وسایل پرورشی جالب و اسباب‌بازی‌های مناسب است.

با روشی جذاب و برنامه‌ریزی شده و مقدار زیادی وسایل، آموزش را شروع کنید. برای هر موضوع بهداشتی، مواد آموزشی را در مراکز یادگیری کلاس - شبیه به فضای یادگیری بیرون - در نظر بگیرید؛ همانند مرکز کتاب‌خوانی، مرکز تئاتر و یا خانه بازی، میز بازی و بازی‌های دست‌ورزی، مرکز علوم، مرکز هنر و خانه‌سازی. برای مثال، زمانی که روی بهداشت دهان متمرکز می‌شود، در کتاب‌خانه، کتاب‌هایی درباره دندان و دندان‌پزشک بگذارید. قوطی‌های خمیردندان خالی را در مرکز تئاتر برای نمایش و تقویت زبان‌آموزی قرار دهید. قوطی‌های خالی



کلیدواژه‌ها:

آموزش بهداشت، رشد شناختی کودکان، استقلال، خودباوری.

آموزش عادات‌های بهداشتی به کودکان

زری آقاجانی

یکی از راه‌های درگیر کردن خانواده در آموزش، دادن اطلاعات و اخبار است. خانواده‌ها، با مطالعهٔ خبرنامهٔ اطلاعات و فعالیت‌های مربوط به موضوعات بهداشتی، می‌توانند به یادگیری کودکان هنگام انجام تکالیف داده شده برای خانه، کمک کنند. این منبع خبری می‌تواند اطلاعات مختصری را به اعضای خانواده بدهد تا از آن برای رشد کودکان و تأمین نیازهای جسمی آنان استفاده کنند.

عکس‌های خانوادگی به کودکان می‌آموزند که خانواده از افراد گوناگون با تعداد متنوع تشکیل شده است. (برای مثال، خواهر کوچک، برادر بزرگ، مادر، عمه، خاله، پدر، پدربزرگ، و...). عکس‌ها همچنین کودکان را در معرض فرهنگ‌های گوناگون و عقاید تازه قرار می‌دهند. برای مثال، نگاه کردن کودک به مدل‌های مو، زمانی که در مورد مراقبت‌های مو آموزش می‌بینند، او را در معرض تفاوت‌های فرهنگی قرار می‌دهد و لغات تازه‌ای می‌آموزند (مدل دم‌اسبی، چتری، آفریقایی، فرانسوی بافته، بافت گیس و...).

تهیهٔ غذاهای متفاوت، هم باعث تنوع و هم باعث افزایش تجربیات کودکان می‌شود.

کمک به کودکان برای آگاه شدن و مراقبت از جسم‌شان، اولین قدم در راه تشویق آن‌ها برای مراقبت در طول زندگی‌شان محسوب می‌شود. کارهای روزانه مانند شستن دست‌ها، مسواک زدن و ورزش کردن، کودکان را در آغاز راه برای یک زندگی سالم قرار می‌دهد. برنامه‌ریزی و آماده‌سازی آموزش‌های بهداشتی مناسب به کودکان را باید زیرساختی برای حفظ عادات بهداشتی به مدت طولانی دانست.

خمیردندان‌های طعم‌دار و ظروف دهان شویه را نیز روی میز بازی بگذارید و از کودکان بخواهید که درها را با قوطی‌ها جور کنند.

کودکان خیلی دوست دارند، در این قوطی‌ها را بردارند و دوباره سر جایشان بگذارند. ممکن است از کار آنان شگفت‌زده شوید. این تمرینی مناسب برای مهارت‌های حرکتی ظریف است.

هم‌چنین، می‌توانید به میز بازی و جورچین، ماکت دندان را هم اضافه کنید. به منظور کشف و یادگیری کودکان، می‌توانید در مرکز علوم، ماکت دندان واقعی و لوازم و وسایل دندان‌پزشکی بگذارید. با قراردادن ذره‌بین در دسترس کودکان، آنان می‌توانند نگاه دقیق‌تری به دندان‌ها بیندازند. در مرکز هنر، از مجلات قدیمی برای پیدا کردن، بریدن و پاره کردن و چسباندن عکس دندان و درست کردن کلاژ در کلاس استفاده کنید. حتی می‌توان از مسواک برای رنگ‌آمیزی استفاده کرد. وجود تصاویری از مطلب دندان‌پزشکی در مرکز آجرسازی، ممکن است کودکان را ترغیب کند، با استفاده از مکعب‌ها صندلی دندان‌پزشکی و یا مطب دندان‌پزشک بسازند. می‌توان از حیوانات و یا اسباب‌بازی‌های آن‌ها برای تشویق کودکان به بحث و گفت‌وگو دربارهٔ دندان کمک گرفت.

مربیان و والدین باید بدانند که آموزش می‌تواند در هر موقع و هر جا اتفاق بیفتد. نقش خانواده‌ها در آموزش بهداشت در دوران کودکی بسیار سازنده است. والدین اولین مربیان کودک هستند و آموختن کودک از خانه آغاز می‌شود. همکاری با خانواده‌ها بین خانه و مدرسه پیوند ایجاد می‌کند و یادگیری کودکان را در هر دو محیط افزایش می‌دهد.



اولین سفر استانی سردبیر و اعضای شورای برنامه‌ریزی مجله «رشد آموزش پیش دبستانی» به استان سمنان بود. هدف از این سفر که در آبان ماه انجام گرفت، بازدید از مراکز پیش دبستانی و دیدار و گفت‌وگوی رودررو با مدیران و مربیان این مراکز، کارشناسان تولید محتوای استانی و همچنین مسئولان آموزش و پرورش استان مرتبط با دوره پیش دبستانی بود.

بازدید از سه مرکز پیش دبستانی و یک موزه و همچنین برگزاری نشست با مسئولان آموزش و پرورش، مدیران و مربیان مراکز پیش دبستانی حاصل این سفر یک روزه بود که گزارش آن به اختصار تقدیم می‌شود.

بازدید از مراکز پیش دبستانی

«مرکز آمادگی و پیش دبستانی ۱۳ آبان»، اولین مرکزی بود که مورد بازدید ما قرار گرفت و با استقبال گرم مدیر و دانش‌آموزان آن مواجه شدیم. این مرکز که متشکل از ۹ کلاس است، ۲۷۰ دانش‌آموز دختر و پسر را در خود جای داده است و می‌توان گفت جزو معدود مراکز پیش دبستان مستقل این شهر است. هرچند اکثر مربیان این مرکز از نیروهای شرکتی هستند، ولی همگی با شور و علاقه مشغول به کار و فعالیت‌اند. مدیریت این مرکز را خانم **احمدپناه** به عهده دارد.

در گفت‌وگویی که سردبیر و اعضای شورای برنامه‌ریزی مجله با مربیان این مرکز داشتند، ایشان پیشنهادها و نظراتی در خصوص مطالب مجله و گاه نقطه‌نظرات شایان توجه داشتند. از جمله:

خانم **حیدری**، از مربیان خوب این مرکز، خواستار گنجاندن شعر، کار دستی و بازی در مجله بود. خانم **عبدوس**، از دیگر مربیان مرکز نیز پیشنهاد داد روش تدریس مربیان دوره پیش دبستانی در کشورهای دیگر، در مجله مطرح شود. گاهی بودن کاغذ مجله، حجم زیاد مصاحبه‌ها و میزگردهای کارشناسی و ... انتقادهایی بودند که این مربیان از مجله داشتند.

هم‌چنین مسائلی از قبیل وضعیت استخدامی، نبود امنیت شغلی و دستمزد پایین هم، گلایه‌هایی بودند که اکثر آن‌ها مطرح می‌کردند.

در ادامه برنامه، از «مرکز پیش دبستان و مهدکودک علوی» بازدید کردیم. این مرکز زیر نظر «مؤسسه مکتب‌القرآن» و مؤسس آن، آقای **فاطمی نیا** است.

«دبستان و پیش دبستان فاطمیه(س)»

همه فال و همه تماشا!

شهرلا فهیمی

گزارش دیدار سردبیر و هیئت تحریریه مجله رشد آموزش پیش دبستانی با مربیان و مسئولان آموزش و پرورش استان سمنان



کوچکی از حیوانات بودند، به نظر می رسید که متعلق به کودکان هستند. همچنین وسایل مورد استفاده کودکان، مثل شیرمک یا ظروفی که مختص کودکان بودند هم در میان آن‌ها دیده می شدند. جالب توجه ترین آثار این موزه، گل نوشته‌هایی با خط میخی سومری

نیایدهای برنامه‌های آموزش و پرورش و کار با کودکان دوره پیش دبستانی، لزوم استفاده از مربیان آشنا به دانش و علم آموزش پیش از دبستان، تأکید بر عدم آموزش رسمی و خواندن و نوشتن به کودکان در این دوره، تصحیح انتظارات والدین از دوره پیش از دبستان و ... اشاره کردند که با استقبال حاضرین مواجه شد.

در ادامه سردبیر و اعضای شورای برنامه ریزی مجله، ضمن قرار گرفتن در جایگاه به سؤالات حاضرین پاسخ دادند. لازم می دانیم از زحمات سرکار خانم **زنگیان** (کارشناس مسئول پیش دبستان) و آقای **محسن اکبری** (نماینده مجلات رشد در استان سمنان) و مسئولان آموزش و پرورش استان سمنان که هماهنگی لازم را برای انجام این سفر انجام دادند، صمیمانه تشکر کنیم.

در حاشیه سفر دیدار از موزه سمنان

این موزه در واقع گرمابه‌ای قدیمی متعلق به دوره تیموری است و نزدیک به ۶۰۰ سال قدمت تاریخی دارد. مسئولان موزه هرازچندگاهی نمایشگاهی در این موزه برگزار می کنند که به دلیل تقارن با روز جهانی کودک، در بخشی از موزه نمایشگاهی از عکس‌های کودکان دوره قاجاریه به نمایش گذاشته شده بود؛ عکس‌هایی که فرهنگ عمومی و پوشش اغلب کودکان پسر و دختر در آن دوره را نمایش می دادند. البته بیشتر عکس‌ها به کودکان درباری تعلق داشتند.

در بخش دیگر موزه اشیایی به نمایش گذاشته شده بودند که به گفته مسئولان موزه، مربوط به هزاره‌های دوم و سوم و حتی هفتم پیش از میلاد بودند. این اشیاء که متشکل از مجسمه‌های

سومین جایی بود که مورد بازدید ما قرار گرفت. این مدرسه یک کلاس پیش دبستانی دارد. مربی این کلاس خانم **فرخ خیر خواهان**، هرچند جوان بود، ولی در کار خود مهارت خوبی داشت و بسیار باانگیزه کار می کرد. مدیریت این مرکز را نیز خانم **ضمیری** به عهده داشتند.

نشست بعد از ظهر

در این گردهمایی مدیران، مربیان و مسئولان ادارات آموزش و پرورش شهر سمنان و شهرستان‌های استان سمنان شرکت داشتند. جلسه با قرائت آیاتی از قرآن مجید توسط یکی از کودکان پیش دبستانی شروع شد. در ادامه، خانم **سعیده عندلیب خواه**، معاون دوره ابتدایی استان سمنان، ضمن خوشامدگویی به شرکت کنندگان در نشست، مطالبی را ایراد کردند. ایشان به لزوم توجه بیشتر مدیران و مربیان مدارس به کتاب «راهنمای برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی» و مطالب و فعالیت‌هایی که تناسب بیشتری با اهداف برنامه دوره ابتدایی داشته باشند، اشاره کردند. همچنین بر مطالعه مجله «رشد آموزش پیش دبستانی» توسط مربیان و مدیران مراکز، تأکید کردند.

خانم **دکتر فرخنده مفیدی**، سردبیر مجله رشد پیش دبستانی، سخنران بعدی این نشست بودند. ایشان در صحبت‌های خود به مواردی هم چون: لزوم پرداختن به آموزش و پرورش پیش از دبستان به عنوان پیش نیاز اساسی برای آموزش رسمی، توصیه به مربیان این مراکز مبنی بر افزایش انگیزه برای کار با کودک و لزوم توجه به خودسازی، بها دادن بیشتر مسئولان به آموزش پیش از دبستانی نسبت به گذشته و نگرش مثبت آنان به این دوره، شناساندن اهمیت کار با کودک به جامعه، پایدها و

بودند که به دوره قبل از هخامنشیان تعلق داشتند. کارشناسان خط معتقدند، به دلیل این که حروفی روی این گل نوشته‌ها تکرار شده‌اند، «مثل آن مرد آمد یا مرد دانا»، شاید نوعی رسم المشق مربوط به کودکان بوده باشد.



در حیطه ادبیات فارسی، نویسندگان و شاعران زیادی، اندیشه‌ها و عواطف سازنده و خلاق خویش را در اثنای شعر یا نوشته خود بیان کرده‌اند، زیرا این حیطه، جایگاه خوبی برای بیان مسایل سیاسی، اجتماعی، تاریخی، اخلاقی، تعلیمی و... بوده است. هریک از قالب‌های ادبی نقش بسزایی در رشد آگاهی فکری و اجتماعی جامعه داشته‌اند و شعر به عنوان یکی از قالب‌ها، تا به امروز بخش بزرگی از ادبیات را به خود اختصاص داده است. در این میان، شاید بخش اندکی از لحاظ موضوعی به «شعرهای کودکانه» اختصاص دارد.

در ادبیات سنتی، تعداد کمی از اشعار شاعران، به گونه‌ای مستقیم به شعر کودک پرداخته است، اما در دوران معاصر، گروهی از نویسندگان و شاعران، تمام هم و غم خود را صرف ادبیات کودکان کرده‌اند و آغازگر راهی شده‌اند که برای رسیدن به مطلوب خود، باید آهسته و پیوسته در آن پیش روند.

اما آنچه که در این میان نقش بسزایی در بهتر کردن کیفیت این نوشته‌ها می‌تواند داشته باشد، کارهای تحقیقی و گاه نقدهای سازنده‌ای است که راهگشای بسیاری از مشکلات ناخواسته می‌تواند باشد. این پژوهش بر آن بوده است که به تحلیل مفاهیم اخلاق شهروندی، مدنی در شعر کودک بپردازد. از آنجا که پرداختن به این موضوع، حیطه وسیعی از ادبیات کودک را در دوره‌های زمانی گسترده شامل می‌شود و نیازمند فرصتی طولانی است، بنابراین برای دقت بیشتر و جلوگیری از خطا که ناشی از گستردگی

موضوع و محدود بودن زمان است، شعر کودک در دوره معاصر انتخاب شد. امید که سهمی هر چند کوچک در راه آموزش ختیر نسل آینده‌ساز کشور داشته باشد.

دنیای کودک، دنیایی حساس و مهم، به لحاظ تأثیر تربیتی و اخلاقی است و شعر به عنوان یکی از ابزارهای تربیتی، در این میان نقش مهمی ایفا می‌کند. بیان غیرمستقیم اکثر اشعار کودکانه، برخورداری از وزن و آهنگ مناسب، متناسب بودن مضمون شعر با دنیای خاص کودک، آموزش مفاهیم اخلاق شهروندی پذیرفته شده و ... از جمله مواردی است که زمینه را برای جامعه‌پذیری کودک و دادن بینش لازم به وی آماده می‌سازد. هدف پژوهش‌گر در این پژوهش شناخت روشی نوین و تأثیرگذاری آن در تعلیم و تربیت کودکان پیش از دبستان بوده و ادبیات به عنوان ابزاری مهم در تعلیم و تربیت کودکان، مورد توجه و بررسی قرار گرفته است.

با این‌که در ادبیات غرب چهره‌های شاخصی مانند هانس کریستین آندرسن، آنتوان سنت اگزوپری، شل سیلور استاین، جی. ک. رولینگ، جی. آر. تالکین و ... در عرصه شعر و داستان به‌طور هدفمند و دلسوزانه مسائل کودکان را مدنظر قرار داده و تأیید سخت‌گیرترین صاحب‌نظران تربیتی جهان را به دست آورده و به مخاطبین گسترده جهانی دست پیدا کرده‌اند، متأسفانه امر مهم و تأثیرگذاری چون ادبیات کودک در سرزمین ما به درستی شناخته نشده و مورد توجه قرار نگرفته است. چهره‌های طراز

اول ادبی ما (جز چند شاعر معدود که به تفصیل آثار کودکان در این رساله مورد نقد و تحلیل قرار گرفته است)، به این مقوله روی خوش نشان نداده‌اند. در حالی که ادبیات و به ویژه شعر، نیرویی خارق‌العاده دارد که قادر است با نفوذ در سرشت و روح آدمی، اندیشه و جهان‌بینی او را شکل دهد.

در بسیاری از کتب شعر منتشر شده، به یک سلسله آموزه‌های مذهبی (البته سطحی) توجه شده است، ولی بسیاری از مسائل مهم اخلاقی و تربیتی مورد توجه قرار نگرفته‌اند. در حالی که اگر نگوییم اصلی‌ترین شاخص، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تمامی ادیان الهی، اخلاق است و در بسیاری موارد (جدا از جنبه‌های شخصی مسائل دینی و عبادی مانند نماز و...) رعایت اخلاق اجتماعی به طور غیرمستقیم به رعایت دستورات الهی ختم می‌شود. آموزش مسائل مهمی از اخلاق شهروندی (مدنی)، از قبیل رعایت قانون، احترام به حقوق دیگران، مساوات، هم‌نوع دوستی، صلح طلبی، مدارا، آستانه تحمل اجتماعی بالا، همکاری و احترام متقابل، احترام به والدین، بزرگ‌تران و هم‌نوعان، صداقت، هم‌دردی، ظلم‌ستیزی و بسیاری مسائل دیگر، نقش انکارناپذیری در شکل دادن به شخصیت، ذهن و جهان‌بینی کودکان خردسال دارد.

اشعار شعرای مورد مطالعه در پژوهش حاضر از این نظر مورد بررسی قرار گرفتند که آیا مفاهیم اخلاق شهروندی (مدنی) در آثار شاعران کودک معاصر در دهه‌های ۱۳۴۰

کلیدواژه‌ها: شعر کودک، اخلاق شهروندی، ادبیات کودکان.

تحلیل مفاهیم اخلاق شهروندی (مدنی)

نقیسه ابراهیم‌پور

کارشناس ارشد پیش از دبستان



تحمل اجتماعی بالا، مساوات و نوع دوستی و مصطفی رحمان دوست بیشتر از سایر شعرا به مؤلفه‌های همکاری، همدردی و احترام به والدین پرداخته‌اند و این مؤلفه‌ها نیز دارای سیر صعودی هستند. هم‌چنین نشان داده شد، همه شعرا به مؤلفه‌های صداقت، ظلم‌ستیزی و صلح‌طلبی توجه اندکی داشته‌اند، در اشعار محمود کیانوش به مؤلفه همکاری بیش از سایر مؤلفه‌ها پرداخته شده است؛ هر چند به مؤلفه‌های قدرشناسی، همدردی،

مساوات و احترام به والدین نیز تا حدودی می‌پردازد.

این پایان‌نامه در تابستان ۱۳۸۹، در دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی به راهنمایی دکتر فرخنده مفیدی و مشاوره دکتر برجعلی به پایان رسیده و دفاع شده است.

متأسفانه
امر مهم و
تأثیرگذاری چون ادبیات
کودک در سرزمین ما به
درستی شناخته نشده و
مورد توجه قرار نگرفته
است

ابتدا از روش کتاب‌خانه‌ای و مطالعه مجلات، کتب و مآخذ، اطلاعات اولیه کلی جمع‌آوری شد. روش کتاب‌خانه‌ای روشی است که بر مشاهده مستقیم و براساس اسناد، مدارک، کتب و مطبوعات استوار است. سپس با استفاده از روش تحلیل محتوا، موارد خاص در بین اشعار معاصر کودک مورد بررسی قرار گرفت. واحد تحلیل محتوا در این پژوهش، که مفهوم یک شعر، بیت، مصرع یا حتی یک کلمه بوده است که ناظر بر مؤلفه‌های اخلاق شهروندی باشد.

در ادامه، به مقایسه هر شاعر در میزان پرداختن به مؤلفه‌های اخلاق شهروندی در آثارش در دو دهه متفاوت (دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰) پرداخته شد و در پایان، آثار تمامی شاعران مورد نظر در پژوهش مقایسه شدند. نتیجه نهایی نشان داد، افسانه شعبان‌نژاد بیشتر از شعرای دیگر که در پژوهش حاضر اشعار آن‌ها مورد تحلیل قرار گرفت، به مؤلفه‌های مدارا، عدالت‌خواهی، آستانه

تا ۱۳۸۰ گنجانده شده است؟ در نتیجه این سؤال در اشعار شعرای مذکور مورد تحلیل قرار گرفت که: آیا شاعران معاصر کودک در اشعارشان به مفاهیم عدالت‌خواهی، قانونمندی، احترام متقابل، مساوات، نوع دوستی، صلح‌طلبی، قدرشناسی، مدارا، آستانه تحمل اجتماعی، همکاری، احترام به والدین و بزرگ‌تران و هم‌نوعان، صداقت، همدردی و ظلم‌ستیزی پرداخته‌اند؟

با مطالعه و بررسی شعر کودک معاصر (به طور ویژه دهه ۱۳۴۰ تا دهه ۱۳۸۰) در آثار چهره‌های شاخص شعر کودک مانند: محمود کیانوش، جعفر ابراهیمی (شاهد)، مصطفی رحماندوست، شکوه قاسم‌نیا، ناصر کشاورز، افسانه شعبان‌نژاد، و ... روشن شد که تا حدودی این شعرا به مقوله‌های مذکور پرداخته‌اند. در نتیجه اشعار آن‌ها موشکافانه مورد نقد و تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نکات مربوط به این مقوله (مفاهیم اخلاق شهروندی) در اشعار آن‌ها، استخراج شد. پژوهش حاضر به منظور تحلیل محتوای آثار شاعران معاصر شعر کودک دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ از منظر اخلاق شهروندی انجام شد.

روش این پژوهش، توصیفی و از نوع تحلیل محتوا بوده است. جامعه آماری ما در این پژوهش، متن آثار شاعران کودک معاصر (دهه‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۰) بود که به روش تصادفی ساده از میان آثار انبوه این شاعران انتخاب شدند. نمونه آماری شامل کتاب‌های شعر کودکان گروه سنی پیش از دبستان است. در قسمت تجزیه و تحلیل داده‌ها،



در آثار شاعران معاصر کودک (دهه‌ی ۱۳۴۰ تا دهه‌ی ۱۳۸۰)

مدیر باید این جور باشد...

بررسی صلاحیت‌های حرفه‌ای مدیران مراکز پیش دبستانی

آنا علیزاده تبریزی

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های مدیریتی، صلاحیت‌های حرفه‌ای، کودکان، کودکستان.

مقدمه

آموزش پیش دبستانی برای کودکان پنج تا شش سال در نظر گرفته شده است، زیرا در این سن کودکان یکی از مراحل مهم زندگی خود را از لحاظ شخصیتی-اجتماعی طی می‌کنند. از ویژگی‌های مهم این آموزش می‌توان به رشد عقلانی، کلامی و اجتماعی کودک اشاره کرد. در آموزش پیش دبستانی، مهارت‌هایی از قبیل خواندن، نوشتن و حساب کردن به کودک آموخته می‌شود. این محیط با هدف کمک به رشد هوشی و کلامی و اجتماعی تر شدن کودک، او را برای دوران ابتدایی آماده می‌کند و همچنین باعث تقویت خلاقیت در کودکان و فعال شدن آن‌ها در فعالیت‌های گروهی می‌شود.

تاریخ آموزش در اوایل دوران کودکی، در واقع تاریخ تغییرات اجتماعی در زندگی بشر است. دانشمندانی مانند **جان لاک**، **روسو** و **فروید**، با پشتیبانی از کودک و فراهم کردن شرایط مراقبت بهتر برای او، به کشف و شناسایی بسیاری از مسائل در خصوص فکر



و ذهن کودک نائل درآمدند. در سال ۱۸۳۷، **فردریک فروبل** در آلمان اولین کودکستان را بنا نهاد. او عقیده داشت که کودک باید در محیطی غنی رشد کند. هم‌چنین، او به ارزش بازی برای کودکان در این سن پی برده بود و عقیده داشت که بازی نه تنها برای رشد فیزیکی، بلکه برای رشد همه‌جانبه کودک مفید است. از این رو کودکستان را موقعیتی برای کودک می‌دانست که می‌تواند در آن، بدون محدودیت‌ها و در محیطی شاد و آزاد، انرژی درونی خود را آزاد کند.

نقش کودکستان‌ها در سال‌های اخیر دستخوش تغییراتی شده است. حتی در بسیاری از کشورها، کودکستان‌ها با مدارس دولتی ادغام و به بخشی از مدارس ابتدایی تبدیل شده‌اند. در کشور ما نیز به دلیل تغییرات اجتماعی و اقتصادی و آشنایی روان‌شناسان با این مقوله، به اهمیت موضوع افزوده شده است.

در کشورمان در سال ۱۳۹۸، اقلیت‌های مذهبی محل‌هایی برای نگهداری کودکان دایر کردند. ولی تأسیس کودکستان به سال ۱۳۰۳ برمی‌گردد که مرحوم باغچه‌بان کودکستانی را در تبریز تأسیس کرد.

در کشور ما هنوز به مهدهای کودک توجه چندانی نمی‌شود. به طوری که فقط هفت درصد از کودکان زیر هفت سال کشور به کودکستان‌ها می‌روند. مسئولان با برنامه‌ریزی‌های گوناگون امیدوارند که این آمار به ۲۰ درصد برسد. در حالی که در کشوری مثل کوبا، این آمار به ۹۵ درصد رسیده و در ژاپن ۹۸ درصد و در ویتنام ۵۰ درصد است.

مهد کودک برای اغلب بچه‌ها جذابیتی بیش از خانه و خانواده دارد. به همین دلیل دارای نقش اساسی در تربیت کودکان است. در پیش‌دبستانی، نیازهایی از کودک برطرف می‌شود و به او مهارت‌هایی نیز آموزش داده می‌شود؛ از جمله:

• آمادگی فیزیکی - جسمانی برای ورود به دبستان؛

• آمادگی عاطفی؛

• برقرار ارتباط با دیگران؛

• بالابردن سطح اطلاعات عمومی.

در برنامه‌های اختصاصی سه مدل وجود دارد که بر این اساس برنامه‌های مختلفی با هدف‌های متفاوتی شکل می‌گیرد.

الف) مدل‌های غیررسمی^۱: بر نیازهای کلی کودک تأکید دارند.

ب) مدل‌های مهارت محور^۲: هدف آن‌ها رشد و پیشرفت کودک در مهارت‌های تحصیلی است.

ج) مدل‌های رشدی - شناختی^۳.

بسیاری از مدیران مراکز پیش‌دبستانی، آموزش‌های حرفه‌ای کمی در این زمینه دیده‌اند. در واقع بیشتر آن‌ها به صورت تجربی و یا از شغل‌های دیگر مانند پرستاری، روان‌شناسی، خانه‌داری و ... به این شغل آمده‌اند. مسلم است مدیریت پیش‌دبستانی به تخصص و آموزش‌های حرفه‌ای در این زمینه نیاز دارد و باید با تعیین مقاصد^۴ خود و با استفاده از فلسفه و

سیاست‌های^۵ درون خود آن را پیش ببرند. مدیر برای اداره مرکز پیش‌دبستانی باید توانایی‌های عمومی شامل سلامتی بدنی، روانی و عاطفی و قدرت تفکر و توانایی‌های تجربی شامل دانش، تجربه، قدرت تشخیص و قضاوت، هدف‌دار بودن و انگیزه داشتن را دارا باشد. طی بررسی‌های صورت گرفته، مدیران کارآمد و شایسته در مراکز پیش‌دبستانی باید این مهارت‌ها و صلاحیت‌ها را دارا باشند: مهارت‌های مدیریتی (تجزیه و تحلیل مسئله، قضاوت، توانایی سازمانی و مهم بودن) مهارت‌های بین فردی (رهبری، حساسیت و تحلیل فشار) توانایی برقراری ارتباط (شفاهی و کتبی) قدرت تدبیر، جرئت انتقاد از خود، متعادل بودن، تخصص، قدرت هماهنگ کردن، قاطعیت همراه با نرمش، برنامه‌محور، ناظر و مسئولیت‌پذیر بودن، شور و شوق داشتن، نگرش مثبت، صداقت و آینده‌نگری.

استانداردهای مهارتی آموزشی مدیران پیش‌دبستانی در ایران شامل این موارد می‌شود: توانایی‌های شغلی، اهداف و برنامه درسی، سازمان‌دهی و ایجاد هماهنگی، اداره بهداشتی و مالی، تحقیق در زمینه مدیریت آموزش، تهیه و ساخت چند وسیله کمک آموزشی، پیشگیری از حوادث و رعایت نکات ایمنی و بهداشتی.

استانداردهای مهارتی و آموزشی مدیران پیش‌دبستانی در آمریکا عبارت‌اند از: متخصص و باتجربه بودن، حامی و پشتیبان مؤثر بودن در سازماندهی، تحقق بخشیدن به اهداف، نظارت بر اجرای برنامه، برآورده کردن انتظارات سطح بالای گروه آموزشی، اهمیت دادن به همکاری، گذراندن آموزش‌های رسمی، برقراری ارتباط مؤثر با والدین، توجه به گوناگونی زبانی و فرهنگی، خودسنجی، ایجاد فرصت برای پیشرفت و ترقی حرفه‌ای. در طول قرون گذشته، عده زیادی از پژوهشگران سعی کرده‌اند کیفیت و مهارت‌های یک مدیریت اثربخش با ویژگی‌های یک مدیر خوب را معرفی کنند از جمله (کارلسون، ۱۹۵۱؛ برنس، ۱۹۷۵؛ سیلیس، ۱۹۶۴؛ استوارت، ۱۹۶۷؛ مینتز بزرگ، ۱۹۷۳)



تحقیقات اولیه در این زمینه نوعی رویکرد تجزیه و تحلیل شغلی داشت که سعی می‌کند آن چه را مدیر واقعاً انجام می‌دهد، نشان دهد و سپس مهارت‌های لازم را از احتیاجات و لوازم شغلی استخراج کند. همان‌طور که اهمیت صلاحیت‌ها و عملکرد مدیریتی افزایش یافته، نیاز به ارزیابی، توسعه شایستگی‌ها و پیش‌بینی عملکرد موفق نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است.

بویاتزیس (۱۹۸۲) می‌گوید: «صلاحیت یک سلسله خصوصیات بارز فردی است که می‌تواند علائمی از خویش‌بینی و نقش‌های اجتماعی باشد. به عبارت دیگر، ظرفی از علم است که هر کس به شخصه از آن بهره می‌برد.» با توجه به تعریفی که او از صلاحیت ارائه داده است، مشخص می‌شود که تأکید وی بر فرد در

داخل شغل است و نه شغل به تنهایی. مدل صلاحیتی او جنبه‌های آگاهانه، ناآگاهانه و رفتاری قابلیت‌های هر شخص را در شغلش دربرمی‌گیرد. وی بر این باور است

که بهره‌وری عملکرد

کاری، به صلاحیت‌های فردی، نیازهای

شغلی و محیط سازمانی بستگی دارد.

اسپنسر (۱۹۹۳) بر این باور بود که صلاحیت، خصوصیات بارز فردی است که به طور معمول به ملاک‌های مرجع در مورد بهره‌وری و یا عملکرد عالی در یک زمینه کاری و یا موقعیت شغلی مرتبط است. صلاحیت‌های اسپنسر شامل این موارد است: نفوذ و تأثیر، کارمداری، کار تیمی و گروهی، تفکر تحلیل‌گرانه، خلاقیت، رشد و پیشرفت دیگران، اعتماد به نفس، هدایت، قطعیت، جست‌وجوی اطلاعات و رهبری گروهی.

آمریکا هانتز (۱۹۵۳)، در پژوهشی که در مورد مدیران آموزشی انجام داد، دریافت: سیاست‌گذاران مدیران را محور اصلی در موفقیت برنامه‌های آموزشی می‌دانند و از آن‌ها به عنوان

وسایله‌ای برای اصلاحات در مراکز آموزشی بهره می‌جویند. این در حالی است که مدیران ترجیح می‌دهند بر یکی از نقش‌هایشان بیشتر تأکید کنند.

ریشتر (۲۰۰۶) به بررسی رابطه بین مهارت‌های مدیریتی و رفتارهای حمایتی مثبت پرداخت و به این نتیجه دست یافت که مدیران دارای مهارت‌ها و صلاحیت‌های بالا و در ارتباط با محیط پویای بیرونی، بازخوردهای مثبتی از محیط بیرونی دریافت می‌کنند و مورد حمایت و اطمینان دیگران قرار می‌گیرند.

لافرنی (۲۰۰۶) در پژوهشی تحت عنوان «ارتقای حرفه‌ای مدیران و کیفیت آموزشی در دوره پیش از دبستان»، به بررسی رابطه میزان مهارت آموزشی، مدرک تحصیلی و آموزش مربیان با کیفیت عملکرد در «مراکز پیش دبستانی آکلهما» پرداخت. او به این نتیجه رسید که تعاملات مناسب بین بزرگسالان و کودک، استفاده از ابزار و وسایل، رابطه مناسب با والدین در مراکز رعایت می‌شود که مدیران دارای مدرک تحصیلی دانشگاهی هستند و اغلب آن‌ها دوره‌های مهارت آموزشی مختص اوان کودکی را به میزان کافی گذرانده‌اند.



پی‌نوشت

1. Informal models
2. skills- oriented models
3. cognitive development models
4. purposes
5. politics

منابع

۱. ام. آر. چارلز. مفهوم تربیت. ترجمه نوشین سرمد. تهران چاپ یازدهم. ۱۳۷۴.
۲. آودری، کورتیس (۱۹۹۸). برنامه درسی برای کودکان پیش دبستانی. ترجمه محرم آقازاده و عذرا دبیری اصفهانی. زیر چاپ.
۳. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش. روش محتوای آموزش و پرورش قبل از دبستان. انتشارات مدرسه. تهران. ۱۳۸۱.
۴. شاورده، مورلن. استادان بزرگ تعلیم و تربیت. ترجمه احمد قاسمی. فرانکلین. تهران. ۱۳۷۵.
۵. کول، ونیتا (۱۹۹۱). برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان. ترجمه فرخنده مفیدی. سمت. تهران. ۱۳۸۴.
۶. مفیدی، فرخنده. آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستان. انتشارات پیام‌نور. تهران. ۱۳۸۳.
۷. مفیدی، فرخنده. مدیریت مراکز پیش از دبستان، دانشگاه علامه طباطبایی. چاپ نهم. ۱۳۸۸.
۸. یونیسف. رشد و تکامل کودکان خردسال، تأمین نیازهای اساسی یادگیری. ترجمه معشوره عالی‌پور. ۱۳۷۹.

8. Laferney, Pamela (2006). Early childhood professional development classroom Quality in preschool classroom. Thesis of Master of Science Oklahoma University.
9. Published by Inccrra and the enter for education Leadership. "who's caring for the kids." June (2001).
10. Richter. marry Frances (2006). the Relationship Between Principal Leadership skills & school. Wid Positive Behavior support: An Exploratory study adviser Tim oth.
11. Knowledge of developmentally practise Early childhood reasearch Quarterly.

نتیجه‌گیری کلی

با توجه به t محاسبه شده برای بررسی صلاحیت‌های حرفه‌ای مدیران مراکز پیش دبستانی این نتیجه حاصل می‌شود که میزان مراکز پیش دبستانی از بین صلاحیت‌های ذکر شده، صلاحیت اخلاقی و شخصیتی را بیش از صلاحیت‌های دیگر دارا هستند.

نتیجه‌گیری به تفکیک سؤالات پژوهش

بررسی سؤال یک پژوهش بیانگر آن است که صلاحیت آموزشی - علمی مدیران مراکز پیش دبستانی که شامل شناسایی نیازهای آموزش، آگاهی از روش‌های جدید تدریس، توانایی احساس درک تفاوت‌های فردی، حساسیت نسبت به رفتارهای غیر عادی کودکان، تجربه آموزشی، کسب اطلاعات جدید درباره مدیریت، مرتبط بودن مدرک تحصیلی، برخورداری از دانش نظری و عملی، احساس آزادی در مریبان، حمایت و پشتیبانی از گروه آموزشی است، در حد متوسط به بالا قرار دارد.

بررسی سؤال دو پژوهش بیانگر آن است که صلاحیت مدیریت مدیران مراکز پیش دبستانی که شامل توانایی درک نیازها و استعدادها و

مشکلات مریبان، درک و رسیدن به توافقات دوجانبه، تشویق ساختار تیمی، خلاقیت، مسئولیت‌پذیری، استعداد رهبری، استفاده از منابع مالی، واگذاری مسئولیت به افراد لایق، شناسایی اجزا و عناصر سازمان، تصمیم‌گیری و سازماندهی است، در حد متوسط قرار دارد. ریشتر (۲۰۰۶) دریافت، مدیرانی که مهارت مدیریتی را اجرا می‌کنند، رفتاری کاملاً اثربخش داشته‌اند.

بررسی سؤال سه پژوهش بیانگر آن است که صلاحیت اخلاقی - شخصیتی مدیران مراکز پیش دبستانی که شامل تحلیل عملکرد خود، بی‌ریا بودن، صداقت و وفاداری، برخورداری از توان ذهنی و هوشی، برخورد منطقی با اشتباهات دیگران، مهارت در ارتباط برقرار کردن با والدین، آراستگی ظاهر، قدرشناسی، عکس‌العمل‌های مناسب در برابر رفتار و گفتار افراد، خونگرمی، آرمان‌گرایی و واقع‌بینی است، در حد بالایی قرار دارد.

لافرنی (۲۰۰۶) دریافت، تعاملات مناسب که از صلاحیت‌های اخلاقی - شخصیتی است، در مراکز رعایت شده است. «سازمان امور استخدامی انگلستان» در بررسی صلاحیت‌های اخلاقی - شخصیتی مدیران نتیجه گرفت، مدیران اکثر این موارد را که شامل قضاوت خوب، ثبات عاطفه، روابط شغلی خوب و توانایی نفوذ در دیگران است، را رعایت کرده‌اند.



بوی بد نفرت

معلم

به بچه‌های کلاس گفت که می‌خواهد با آن‌ها بازی کند. گفت که فردا هر کدام از بچه‌ها یک کیسه پلاستیکی بردارند و داخل آن به تعداد آدم‌هایی که از آن‌ها بدشان می‌آید، سیب‌زمینی بریزند و با خود به مدرسه بیاورند. فردا بچه‌ها با کیسه‌های پلاستیکی به کلاس آمدند. در کیسه بعضی‌ها دو، بعضی‌ها سه، بعضی‌ها پنج سیب‌زمینی بود. معلم به بچه‌ها گفت تا یک هفته هر جا که می‌روند، کیسه پلاستیکی را با خود ببرند. روزها به همین ترتیب گذشت و کم‌کم بچه‌ها شروع کردند به شکایت از بوی سیب‌زمینی‌های گندیده. به‌علاوه، آن‌هایی که سیب‌زمینی بیشتری داشتند، از حمل آن‌ها سنگین‌تر شده بودند.

ترجمه فرح بانو قائمی
آموزگار از شهرستان ساری

پس از مدتی، بالاخره بازی تمام شد و بچه‌ها راحت شدند. معلم از بچه‌ها پرسید: «از این که مدتی سیب‌زمینی‌ها را با خود حمل می‌کردید، چه احساسی داشتید؟»

بچه‌ها از این که مجبور شده بودند سیب‌زمینی‌های بدبو و سنگین را همه جا با خود ببرند شکایت داشتند. آن‌گاه معلم منظور اصلی خود را از این بازی چنین توضیح داد: «این درست شبیه وضعیتی است که شما کینه آدم‌هایی را که دوستشان ندارید، در دل خود نگه می‌دارید و همه جا با خود می‌برید. بوی بد کینه و نفرت قلب شما را فاسد می‌کند و شما آن را همه جا همراه خود حمل می‌کنید. شما که بوی بد سیب‌زمینی‌ها را فقط برای مدت کوتاهی نتوانستید تحمل کنید، چه طور می‌خواهید بوی بد نفرت را برای تمام عمر در دل خود تحمل کنید؟»





پیامدهای فرهنگی اسباب بازی

ناشر: انتشارات فرهنگ و دانش

نوبت چاپ: سوم، بهار ۱۳۸۰

تعداد صفحات: ۱۷۲

قیمت: ۶۵۰ تومان

پایانی گردهمایی ثبت شده و در این کتاب آمده‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

● بازی یکی از مهم‌ترین عواملی است که بر روحیه و شخصیت کودک، اثر شگرفی بر جا می‌گذارد. جامعه‌شناسان و روان‌شناسان بر این نکته متفق‌القول‌اند که کودک از طریق بازی، نقش‌های اجتماعی را می‌آموزد، با فرهنگ و جامعه خویش آشنا می‌شود، ارزش‌های آن را درونی می‌کند، در نهایت شخصیت خاص خود را می‌یابد.

● هویت فرهنگی و پیام‌های تربیتی و ارزشی هر ملت و جامعه را، از دیرباز تاکنون، از خلال بازی‌ها و اسباب‌بازی‌هایش نیز می‌توان بازشناخت.

● تحقیقات بعضی جوامع نیز دربارهٔ اثرات مخرب اسباب‌بازی‌ها در شکل‌دهی به خشونت و پرخاشگری، و به وجود آوردن بی‌بندوباری و آزادی افراطی، مؤید لزوم حساسیت در تهیه، تولید و نظارت بر این فرایند و آموزش خانواده‌ها و ارتباط فرهنگی در تهیهٔ آن‌هاست.

مطالعهٔ این کتاب را به همهٔ مربیان، کارشناسان و دانشجویان علوم تربیتی و خانواده‌ها توصیه می‌کنیم.

- سه نکته پیرامون مسائل و مشکلات اسباب‌بازی در جامعهٔ امروز؛

- تبدیل بازی‌های سنتی به مدرن؛ یک ضرورت یا تهاجم؛

- پیامدهای فرهنگی استفاده از اسباب‌بازی‌های نامناسب؛

- نقش اسباب‌بازی در آموزش و انتقال فرهنگ به کودکان؛

- کتاب‌خانه یا مراکز اسباب‌بازی و نقش فرهنگی آن،

- نقش اسباب‌بازی در انتقال ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی به کودکان؛

- نقش صداوسیما در فرهنگ اسباب‌بازی؛

- رویکرد روان‌شناختی به بازی و اسباب‌بازی؛

- ابعاد اجتماعی، فرهنگی و شناختی بازی و اسباب‌بازی؛

- فرهنگ خودی، ضابطهٔ اصلی ساخت اسباب‌بازی؛

- اسباب‌بازی و پیامدهای فرهنگی آن؛

- بازی‌های سنتی و عوامل مؤثر در کمرنگ‌شدن این بازی‌ها.

از جمله مطالب مهمی که در بیانیهٔ

این اثر از مجموعه متون ساماندهی فرهنگی است که با حمایت «معاونت پژوهشی و آموزشی» وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت و با هدف کمک به ترویج مباحث فرهنگی یا سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی منتشر شده است. مطالب این مجموعه خاص نخستین گردهمایی «اسباب‌بازی و پیامدهای فرهنگی آن است» که با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دبیرخانهٔ شورای فرهنگی عمومی و فرهنگ‌سرای بهمن برگزار شد.

مجموعه مقالات شامل دیدگاه‌های برخی کارشناسان امور فرهنگی، از جمله آقای **احمد مسجدجامعی** است و علاوه بر بیانیهٔ پایانی گردهمایی، ۱۵ مقاله را که از میان ۴۳ مقاله وارده برگزیده شدند، دربرگرفته است.

عناوین برخی مقالات از این فرارند:
- نقش اسباب‌بازی در آموزش و انتقال فرهنگ به کودکان؛

- اهمیت اسباب‌بازی در رشد کودک و رویکردی جامع بر وضعیت کنونی اسباب‌بازی در ایران؛

- ویژگی‌های اصولی اسباب‌بازی مطلوب برای کودکان؛

دیروز امروز فردا



پیش درآمد

نظر به تغییراتی که در ساختار تشکیلاتی دوره پیش دبستان در سطح صف و ستاد به وجود آمده انجام اصلاحاتی در دستورالعمل کمیته تولید محتوای مراکز پیش دبستانی غیر قابل اجتناب است که بهانه نوشته حاضر است.

مواد آموزشی، به ویژه کتاب‌های درسی در دوره‌های متفاوت تحصیلی، معمولاً به صورت متمرکز و توسط کارشناسان «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی»، پس از طی مراحل که از پژوهش و نیازسنجی آغاز و تا اجرای آزمایشی و قطعی پیش می‌رود، تدوین و در سطح کشور توزیع می‌شوند. البته این کتاب‌ها همه‌ساله و بر اساس شرایط و مقتضیات علمی و فرهنگی و سطح دانش و اطلاعات دانش‌آموزان مورد بررسی و بازنگری قرار می‌گیرند و در صورت نیاز، به صورت مقطعی یا کلی اصلاح می‌شوند یا تغییر می‌یابند. در دوره پیش دبستانی بر مبنای ماده ۵ اساس نامه مصوب سال ۱۳۸۲ شورای عالی آموزش و پرورش (مصوبه ۶۹۹)، مواد آموزشی که عمدتاً کتاب مربی و کتاب‌های نوآموز هستند، به صورت غیر متمرکز تهیه می‌شوند. این نکته (تولید غیر متمرکز) آن قدر مهم، کلیدی و مترقی است که حتی از حدود سه سال قبل از تصویب اساس نامه مورد اشاره، مسئولین دلسوز وقت پیش دبستانی در دفتر تألیف، با برپایی جلسات آموزشی و گردهمایی‌های توجیهی متعدد، بهره‌گیری از نظرات اندیشمندان و صاحبان عقل و تجربه و نیز مصادیق داخلی و خارجی، دستورالعملی را تهیه و پس از مستندسازی طی نامه شماره ۱۰۱/۲/۶۴۸۳/۲۲ مورخ ۱۳۷۹/۸/۲۱ به استان‌ها ارسال و ابلاغ کردند.

بر اساس دستورالعمل مزبور، کمیته‌ای (کار گروه) با عضویت مسئولین ذیربط استان‌ها و کارشناسان موضوعی فعالیت‌های کودکان (بازی، شعر، قصه، نقاشی، کار دستی و فعالیت‌های علمی مثل آزمایش، مشاهده، بازدید و ...) تشکیل شد و طبق موازین برنامه‌ریزی درسی که به آن‌ها آموزش داده شده بود، کار تولید محتوا برای مراکز پیش دبستانی را آغاز کردند. از برکات این تلاش ده ساله تا کنون، تولید بیش از ۲۰۰ جلد کتاب، ۵۰۰ موضوع و ۱۴ هزار فعالیت است که هنوز هم ادامه دارد.

اینک با تغییر ساختار تشکیلاتی در حوزه‌های صف و ستاد و نیز مضایق مالی که برای این کمیته‌ها وجود دارد، دفتر تألیف درصدد اصلاح دستورالعمل مزبور است که پس از هماهنگی‌های لازم، به استان‌ها ارسال خواهد شد.

از جمله نویدهایی که می‌توان در اصلاحیه دستورالعمل مزبور داد، این است که «پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش»، با درک این نکته ظریف که فرایند تولید محتوای مراکز پیش دبستانی (از نیازسنجی تا تولید)، قرابتی منطقی با امور پژوهشی دارد، در حال حاضر پذیرفته است که با قرار گرفتن تولیدات استانی در اولویت‌های پژوهشی هر استان، از اعتبارات ویژه پژوهشی بهره گرفته شود.

امید است با تلاش و پی‌گیری همکاران دفتر و مساعدت مسئولین محترم پژوهشگاه، گام‌های بزرگ‌تر و شفاف‌تری برای تأمین اعتبارات این مهم برداشته شود.





دفتر انتشارات کمک آموزشی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد کودک (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)
- رشد دختران (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)
- رشد دانش‌آموزان (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)
- رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد آموزش ابتدایی
- رشد آموزش راهنمایی تحصیلی
- رشد تکنولوژی
- آموزشی
- رشد مدرسه فردا
- رشد مدیریت مدرسه
- رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی اختصاصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه)
- رشد آموزش قرآن
- رشد آموزش معارف اسلامی
- رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر
- رشد مشاور مدرسه
- رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی
- رشد آموزش تاریخ
- رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان
- رشد آموزش ریاضی
- رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی
- رشد آموزش زیست‌شناسی
- رشد آموزش زمین‌شناسی
- رشد آموزش فنی‌وحرفه‌ای
- رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

تولید بومی برای استفاده استانی

نگاهی به جشنواره تولید محتوای پیش از دبستان در استان‌های سراسر کشور

شیرین برزین

با توجه به سیاست‌های وزارت آموزش و پرورش مبنی بر تولید پیش از دبستان به طور غیر متمرکز، از سال‌ها پیش کمیته‌های (کارگروه‌ها) پیش دبستانی در استان‌ها وظیفه تولید محتوای این دوره را بر اساس کتاب «راهنمای برنامه و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی دوره پیش از دبستان» و آموزش‌های ارائه شده در کارگاه‌های مرتبط به عهده گرفته‌اند و به طور مستمر تولیدات خود را برای بررسی و اعلام نظر به «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی» ارسال می‌کنند. در این راستا تاکنون بسیاری از استان‌ها موفق به چاپ کتاب‌های راهنمای مربی کار کودک شده‌اند.

گروه پیش از دبستان دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، پس از تصویب راهنمای برنامه این دوره در «شورای عالی آموزش و پرورش»، سه جلد کتاب راهنمای عملی برای بهره‌برداری تولیدگران در امر برنامه‌ریزی و تدوین متون پیش دبستانی، از جمله اعضای کمیته‌های تولید، مربیان، مدیران و علاقه‌مندان در سراسر کشور، تهیه و منتشر کرد.

این کتاب‌ها با عنوان کتاب مربی و با موضوعات زیر تهیه شده‌اند:

۱. آشنایی با راهنمای برنامه مصوب؛
۲. آشنایی با ویژگی‌های رشد کودکان دوره آمادگی؛
۳. آشنایی با شیوه‌های تولید محتوای مراکز پیش دبستانی و ارزیابی آن‌ها.

این مجموعه در تابستان سال جاری در دوره آموزشی کارشناس مسئولان پیش از دبستان سراسر کشور، معرفی و تبیین شد. در این نشست سه روزه که در تهران برگزار شد، موضوع برنامه‌ریزی برای تهیه پنج محتوای نمونه با عناوین ملی، توسط کمیته‌های تولید محتوای استان‌های کشور و برگزارای جشنواره تولید محتوای این دوره اعلام شد و پیرو آن، گروه پیش از دبستان دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، پنج عنوان ملی برای تهیه محتوا انتخاب و طی نامه‌ای به استان‌ها ابلاغ کرد.

از اهداف این جشنواره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:



برگ اشتراک مجله‌های رشد

شرایط:

۱. پرداخت مبلغ ۷۰/۰۰۰ ریال به ازای یک دوره یک ساله مجله‌ی درخواستی، به صورت علی‌الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه‌ی سه راه آرمایش (سرخه‌حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک بایست‌سفارشی. (کپی فیش را نزد خود نگه دارید.)

◆ نام مجله‌های درخواستی:

.....

◆ نام و نام خانوادگی:

.....

◆ تاریخ تولد:

.....

◆ میزان تحصیلات:

.....

◆ تلفن:

.....

◆ نشانی کامل پستی:

.....

استان: شهرستان:

.....

خیابان:

.....

پلاک: شماره‌ی پستی:

.....

◆ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید:

کداشتراک:

امضا:

◆ صندوق پستی مرکز بررسی آثار: ۱۵۸۷۵/۶۵۶۷

◆ صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

◆ نشانی اینترنتی: www.roshdmag.ir

◆ امور مشترکین: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۷۷۳۳۵۱۱۰

◆ پیام‌گیر مجله‌های رشد: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲

یادآوری:

- ◆ هزینه‌ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، برعهده‌ی مشترک است.
- ◆ مبنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک خواهد بود.

• ارج نهادن به تولید محتوای آموزشی به صورت غیر متمرکز، با استفاده از قابلیت‌های استان‌ها؛

• کیفیت بخشی به تولیدات استان‌ها برای تهیه‌ی پنج کتاب نمونه با عناوین ملی؛

• آماده‌سازی متن کتاب‌ها و طراحی هنری آن‌ها؛

• برگزاری نمایشگاه تولیدات آموزشی پیش از دبستان استان‌ها، و ارزیابی و تقدیر از تولیدات برتر؛

• برگزاری جلسات بحث و تبادل نظر با حضور شرکت کنندگان و کارشناسان گروه پیش از دبستان (دوره‌ی آمادگی، قرآن و دو زبانه).

این جشنواره در پنج قطب به شرح زیر برگزار شد:

• قطب اول، واحد یادگیری ایران: شهر تهران، شهرستان‌های استان تهران و استان‌های زنجان، یزد، چهارمحال و بختیاری و فارس. زمان جشنواره، ۱۵ و ۱۶ آبان ماه در شهر تهران.

• قطب دوم، واحد یادگیری مناسب‌ها: استان‌های اصفهان، خراسان شمالی، گلستان، آذربایجان غربی، ایلام و لرستان. زمان جشنواره ۲۴ و ۲۵ آبان ماه در اصفهان.

• قطب سوم، واحد یادگیری محیط‌زیست: استان‌های کردستان، گیلان، خراسان جنوبی، هرمزگان، همدان، اردبیل، سیستان و بلوچستان. زمان جشنواره، ۱ و ۲ آذر ماه در سمنان.

• قطب چهارم، واحد یادگیری نعمت‌های خدا: استان‌های خراسان رضوی، مرکزی، مازندران، قم، قزوین و آذربایجان شرقی. زمان جشنواره، ۹ و ۱۰ آذر ماه در مشهد مقدس.

• قطب پنجم، واحد یادگیری بهداشت و ایمنی: استان‌های کرمان، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر، کرمانشاه، خوزستان و سمنان. زمان جشنواره، ۳۰ آذر و ۱ دی در کرمان.

به پیوست این نامه، دستورالعمل کمیته‌ی تولید محتوای هر استان، در فرصت تعیین شده، با توجه به راهنمای پیش از دبستان و کتاب‌های فوق‌الذکر (کتاب‌های مربی)، یک واحد یادگیری تولید و به این دفتر ارسال کردند. تولیدات ایشان در زمان تعیین شده به دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی ارسال شد و توسط کارشناسان گروه پیش دبستانی این دفتر بررسی و کارهای برتر هر استان انتخاب شدند.

در این مرحله طبق برنامه‌ریزی، جشنواره‌ی تولید محتوای دوره‌ی پیش از دبستان به صورت قطبی و در پنج استان برگزار شد. در این جشنواره که به مدت دو روز برای هر یک از قطب‌ها به طول انجامید، شرکت کنندگان با توجه به نوع فعالیت تولیدی خود در یکی از کارگاه‌های شعر و قصه، بازی و نمایش خلاق، نقاشی و کاردستی و فعالیت‌های علمی شرکت کردند. در این کارگاه‌ها با توجه به نظرات تخصصی کارشناسان موضوعی، طراح اثر، مدیر هنری و دیگر اعضای گروه، فعالیت‌ها اصلاح شدند و طراحی هنری برای آن‌ها انجام پذیرفت.